بسمه تعالی

اهداف دینی و تربیتی مدرسه میزان

مقدمه

دست اندرکاران موسسه آموزشی تربیتی هدایت میزان، با توجه به کوله باری از تجربیات آموزشی و تربیتی که ده‌ها سال کسب شده بود در دهه ۸۰، روشی منحصر به فرد را پی ریزی کردند که به روش میزان موسوم است. و با توفیقات الهی سال ۱۳۹۱ آن را تدوین و تنظیم کردند و در یک کتاب منتشر نمودند. این روش که بر ۱۱ اصل مبتنی است سعی کرده است تا ساختارهای مخرّب شخصیت دانش آموزان را در نظام فعلی آموزش و پرورش به هم بریزد و سازمانی نو بنا کند که در آن دانش آموز بیشترین احساس انتخاب­گری را داشته باشد و به نشاط، تفاوتهای فردی، انگیزه‌های درونی، خلاقیت، خودانگیختگی او بیشترین توجه بشود و توانمندی او در کار گروهی، مسئولیت‌پذیری و کشف استعدادهای نهفته، تقید مختارانه به آموزه‌های دینی و علاقمندی به ارزشهای ملی و انقلابی تحقق پبدا کند.

از آن زمان، این روش نه تنها در خود مدارس میزان نتایج پرثمری داشته است که در برخی نقاط کشور تحولی چشمگیر ایجاد کرده است، و مدارسی با این روش در شهرهای مختلف فعالیت می‌کنند. از آن زمان تا کنون صدها نفر نیز طی کارگاههایی با این روش و نگاه تحولی آن و ایده‌های جدید آن آشنا شده‌اند و با علاقمندی به بسط نگرش میزانی در تعلیم و تربیت پرداخته اند.

گرچه این روش، ابتداء در دبستان میزان اجرائی شد ولی رفته رفته در فضای دبیرستانی نیز شکل گرفت و نهایتا دبیرستانهای میزان نیز بطور کامل به اجرای این روش پرداختند و چندین دوره فارغ التحصیل با اجرای این روش به جامعه دانشگاهی ورود یافته اند.

گرچه این روش به جهت دهی محتواهای آموزشی و تربیتی نیز توجه داشت ولی ضرورت داشته است که بتوانیم نشان دهیم که این همه تلاش‌ها در روش میزان برای رساندن دانش آموزان به چه هدفی است تا بر اساس آن با بکارگیری روش میزان دقیقا بدانیم باید چه محتوایی نیز برای آن تدارک ببینیم. بدین منظور لازم است که مشخص کنیم چه اهدافی را از فعالیتهای فوق در زمینه‌های متنوع علمی و تربیتی در نظر داریم. برخی اهداف در چارچوب برنامه درسی کشوری در قالب کتابهای درسی و برنامه ریزی‌های آموزشی رسمی باید تحقق پیدا کند. اما سوال اینجاست که موسسه میزان غیر از برنامه‌های معمول رسمی چه برنامه‌های آموزشی و تربیتی و دینی را به عهده گرفته است که مزیت نسبی او نسبت به سایر مدارس باید تلقی گردد. به همین جهت درصدد برآمدیم که به تفصیل اهداف خود را در بارور ساختن رشد تعالی نگرانه دانش آموزان تدوین کنیم تا بتوانیم مشخص‌تر برنامه‌های خاص خود را تدارک ببینیم. برای تدوین اهداف، ملاحظات زیر در نظر گرفته شده است:

* هرگاه اسم تعیین اهداف یک فعالیت می‌آید، بلافاصله سیاهه‌ای از انواع آرمانها و فضایل کلی به ذهن خطور می‌کند که می‌توان بدون توجه به اجرائی کردن آن‌ها نوشته شود. این مجموعه اهداف معمولا در حد شعار باقی می‌مانند و به سختی در چالش‌های اجرایی تن به تحقق می‌دهند. اما وقتی با رشد و تربیت یک انسان مواجه هستیم باید دل نگران محقق شدن آن نیز باشیم. بدین جهت اهداف تنظیم شده باید نه تنها قابل تحقق باشد بلکه ملاحظات عملی را هم در نظر داشته باشد. این نوع اهداف معمولا اهداف عملیاتی نامیده می‌شود. ما نیز بر آن هستیم که اهدافی عملیاتی را برای خودمان تدوین کنیم. در تدوین این اهداف نمی‌توانیم صرفا بگوییم می‌خواهیم فردی دیندار و خوش خلق و فکور تربیت کنیم بلکه باید مشخص سازیم که از دیندار و خوش خلق چه معنایی را مدنظر داریم و این معنا چه ابعادی دارد و کدامین ویژگی‌ها باید تحقق پیدا کند. نکته مهم دیگر آن است که هریک از این آرمانها و یا فضایل اگر بخواهد به عنوان هدف محقق گردد، تحقق آن می تواند در درجات مختلفی رخ دهد باید معلوم گردد در نظ داریم تا چه اندازه هدف ما عملیاتی و اجرایی شود. این اندازه باید بگونه‌ای تنظیم یابد که حدالمقدور بتوان معیاری برای سنجش آن داشت و ارزیابی قابل حصولی را برای آن نشان داد. اینها ویژگی این نوع اهداف عملیاتی است که در این نوشتار به آن خواهیم پرداخت.
* بسیاری از فعالیتهایی که مربیان در مدرسه انجام می‌دهند به خود فعالیت معطوف است نه به نتیجه‌ای که در متربیان انجامیده است. روند اینگونه فعالیت‌ها، فرآیندمحور است تا نتیجه­محور. ۱۲ سال در مدرسه انواع برنامه‌ها برای نماز می‌گذاریم و خوشحال از کار بسیاری که انجام داده‌ایم اما آیا این فعالیت‌ها باعث شده است فارغ التحصیلان نمازخوان باشند و خارج از این فرآیندها هم نمازخوان بودن را اختیار کرده باشند؟ هدف وقتی درست انتخاب می‌شود که ناظر به حصول عملیِ یک نتیجه باشد نه ناظر به کاری که ما انجام می‌دهیم. در این نوشتار برای تنظیم اهداف این موضوع مورد توجه قرا گرفته است. بجای آن که بیان کنیم برنامه‌ای باید گذاشته شود تا متربی شجاع باشد یا اینکه باید نهایتا شجاعت داشته باشد می‌گوییم هدف وقتی هدف است که عملا شجاعت در متربی تحقق پیدا کرده باشد. به همین جهت در تنظیم اهداف، هدف را ناظر به متربی ذکر کرده‌ایم نه ناظر به مربی. بعد از تعیین هدف تازه می توانیم باید بپردازیم به این که برای آن که این هدف عملا بدست آید چه اقداماتی را می‌توان یا باید انجام داد. ادبیات تدوین این اهداف چنین تنظیم شده است که مدرسه توقع دارد بگونه‌ای فعالیتهای خود را انجام دهد که وقتی متربی از مدرسه فارغ التحصیل می‌شود عملا خصوصیتهای مذکور در اهداف در او محقق شده باشد. به همین جهت از بکار بردن کلمات «باید اینگونه باشد…» خود داری شده است و بجای آن گفته شده است «متربی در هنگام فارغ التحصیلی اینکونه است».
* چون اهداف باید اجرایی تنظیم گردد لذا برای بیان هر هدف از بکار بردن یک یا چند کلمه اجتناب شده است و اهداف به صورت یک جمله یا چند جمله و یا در چند سطر بوضوح معین شده است.
* از آنجا که کمتر اهداف تربیتی و دینی یک مدرسه تدوین شده است ابتدا در این بخش به این اهداف می‌پردازیم سپس در بخش بعدی به اهداف آموزشی پرداخته خواهد شد.
* با تحقیق و بررسی‌هایی که شد اهداف عملیاتیِ تربیتی و دینی مدرسه میزان در هشت دسته زیر تدوین گردیده است:

**الف- دارای مبانی اعتقادی مستحکم**

**ب- واجد تقید عقلانی به احکام شرعی**

**ج- دیندار متعبّد و متمسّک به قرآن و عترت**

**د- هدفمند و ارزش مدار و تعالی جو**

**ه- متخلق به اخلاق حسنه**

**و- توانمند در تجزیه و تحلیل درست امور فردی، اجتماعی و سیاسی**

**ز- توانمند برای حضور پاک و موثر در اجتماع**

**ح- دانا به تاریخ دین و معرفت و همچنین بزرگان تاریخی**

* سپس ذیل هر دسته از این اهداف چندین هدف عملیاتی جزئی‌تر به تفصیل با مشخص ساختن حد و اندازه آن آمده است. مجموع اهداف، ۴۸ هدف در هشت دسته فوق گردیده است. مشخص است که این اهداف به صورت استقرائی تنظیم یافته است لذا امکان دارد اهدافی از نظر دورمانده باشند که امید است عزیزان خواننده اگر چنین می‌بینند آن‌ها را به ما متذکر گردند.
* بدیهی است این اهداف باید ثمره تلاش مدرسه پس از ۱۲ سال تحصیلی باشد و چون چنین است راهی نیست جز آنکه هرساله بخشی از اهداف محقق شود تا در نهایتا این اهداف بالکل تحقق یافته باشد. به همین جهت در مرحله بعد نشان دادیم که برای تحقق هدف غایی در هر مقطع تحصیلی (سه‌ساله اول، سه‌ساله دوم، سه‌ساله سوم و سه‌ساله چهارم) تا چه اندازه‌ای از اهداف متناسب با سن و رشد دانش آموز باید تحقق پیدا کرده باشد تا در نهایت هدف غایی به انجام برسد. این بخش از کار نیز کار سنگینی بود که با دقت و با تفصیل بیشتر باید به آن پرداخته می‌شد. به همین جهت اهداف جزئی هر مقطع برای هر هدف معمولا چندین هدف را تشکیل می‌دهد.
* از خداوند توفیق ادامه کار را به این صورت می‌خواهیم که مشخص کنیم مربی برای تحقق هر هدف جزئی از چه روشهایی می‌تواند استفاده کند. بدین منظور انواع روش‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت تا بهترین آن‌ها برای نحوه فعالیت مربیان مشخص گردد. این روش‌ها در آینده باید بگونه‌ای تنظیم شوند که بتوان با معیارهایی نشان داد که چقدر روش مزبور توانسته است برای تحقق هدف موثر باشد؛ تاپس از آن بتوان نسبت به جرح و تعدیل روشهای اجرایی اقدام کرد.
* در مرحله بعد سعی خواهد شد نشان دهیم برای آن که روش‌های اجرائی، برنامه اجرائی مدرسه را تشکیل دهد باید معلوم گردد چه کسی؟ کجا؟ کی؟ چرا؟ چگونه؟ در مورد چه کسی؟ باید فعالیت را محقق کند. به این وسیله برنامه‌ای زمان‌بندی شده و با ذکر مسئولیتهای هریک از حلقه مربیان بدست خواهد آمد که برنامه نهایی تمامی فعالیتهای مدرسه خواهد بود.

**فارغ التحصیل مدرسه میزان دارای ویژگی های زیر است:**

**الف- دارای مبانی اعتقادی مستحکم**

**ب- واجد تقید عقلانی به احکام شرعی**

**ج- دیندار متعبّد و متمسّک به قرآن و عترت**

**د- هدفمند و ارزش مدار و تعالی جو**

**ه- متخلق به اخلاق حسنه**

**و- توانمند در تجزیه و تحلیل درست امور فردی، اجتماعی و سیاسی**

**ز- توانمند برای حضور پاک و موثر در اجتماع**

**ح- دانا به تاریخ دین و معرفت و همچنین بزرگان تاریخی**

**الف- دارای مبانی اعتقادی مستحکم**

1. **اصول و مبانی دین اسلام و مذهب شیعه را می شناسد و می تواند از آنها دفاع عقلانی لازم (در حد پذیرش منطقی آنها) داشته باشد*.***

***دبستان1:***

* اصول سه گانه دین و اصول دو گانه مذهب را می تواند بیان کند. نسبت به تشیع جهت گیری عاطفی پیدا کرده است.
* دانش آموز می تواند نمونه هایی از ربوبیت خداوند را در زندگی اش بیان کند (بدون نام بردن از ربوبیت).
* شکر کردن از خداوند را بصورت تلقینی فراگرفته است. (شکرگزاری از خدا، بطور ضمنی می آموزاند که علت اصلی نعمتها خداوند است و کارها به او استناد دارد.)

***دبستان2:***

* معنای توحید، نبوت، معاد، امامت و عدل را به صورت توصیفی می داند. دلایل اجمالی هر یک را می داند. به او گفته شده است که دلایل اصلی را در مراحل بالاتر تحصیلی خواهد آموخت.
* ربوبیت خداوند در حد سطح فهم او برایش توصیف شده است.
* دلایل نبوت و امامت را از طریق بیان خصوصیات پیامبر(ص) فهمیده است. چون پیامبر اکرم (ص) را به عنوان با فضیلت ترین انسانها شناخته است.
* توصیف ربوبیت خداوند را که به معنای آن است که او مالک هر چیزی از جمله هریک از ماست و همه ما تحت تدبیر او قرار داریم می داند.

***متوسطه اول:***

* مفهومی عمیق تر از اصول دین و اصول مذهب را می داند. دلایل بیشتری را برای هریک می تواند بیان کند.
* توصیف گسترده تری از معاد دارد و نگاه قرآنی به معاد را می تواند اجمالا بیان کند.
* به عدالت خداوند از آن جهت که عدالت خیر است (مبتنی بر حسن و قبح عقلی افعال) می داند. از طریق آن می تواند به نقش عقل در باور به آموزه های دینی را بیان کند. علت تمایز تشیع و تسنن را در عدل می فهمد.

***متوسطه دوم:***

* دلایل فلسفی تر برای توحید می تواند ارائه کند.
* می تواند نشان دهد آنچه در زندگی روزمره ظاهرا مغایر با عدالت از جانب خداوند است چه مواردی هستند و چه پاسخهای تجربی، عملی، فلسفی برای آن وجود دارد.
* دلایل عقلی، تاریخی، عملی، قرآنی برای امامت را می تواند بیان کند.
* می داند با اینکه فطرت و عقل راهنما هستند ولی چرا نیاز به پیامبر وجود دارد. دلایل صادق بودن پیامبران و معجزه (متمایز از کارهای خارق العاده) را برای اثبات نبوت یک پیامبر را می تواند بدرستی بیان کند.
* دلایل قرآنی و انذاری پیامبران و کمابیش عقلانی را برای معاد می تواند بیان کند.

1. **با براهین اثبات وجود خدا آشناست (برهان امکان و وجوب، راه نظم، برهان فطرت و محدوده آن). صفات خداوند را می داند و با نحوه ارتباط خداوند با عالم و انسان بگونه ای آشناست که بتواند مسائل قضا و قدر و عدالت خداوند و علت وجود شرور در عالم را بخوبی تبیین کند.**

***دبستان1:***

* با توجه یافتن به شگفتی ها و ظرائف آفرینش، نسبت به گرایش فطری به خداوند تنبه پیدا کرده است، پس از توجه پیدا کردن به هماهنگی های عالم، به خالق با شعور آن (حکیم) تنبه پیدا کرده است.
* به قدرت و علم خداوند و تسلط او به عالم توجه پیدا کرده است.
* با علم خداوند به ظاهر و باطن انسانها آشنا شده است و به آن تنبه پیدا کرده است.

***دبستان2:***

* برهان نظم را در قالب خطابی و گسترده تر متذکر شده است. می تواند موارد متعدد دیگری از نظم عالم (مخصوصا آنهایی که خداوند در قرآن به آیات تعبیر کرده است) نشان دهد و می تواند استدلال های ابتدایی برای وجود ناظم عالم ارائه کند.
* شکرگزار خداوند است و دلیل شکر گزاری از خداوند را در حد خودش می تواند بیان کند.
* با مضمون گرایش فطری به خداوند اجمالا آشنا شده است.
* به ربوبیت الهی عمیق تر توجه کرده است و نسبت به ارتباط با خداوند مخصوصا لزوم پرستش توجیه شده است.
* سخن خداوند را در قرآن و کلمات وحیانی می داند و با سخن گفتن خودش با خداوند (همانند دعا و نماز) آشناست و به آن علاقه پیدا کرده است.
* با استجابت دعا آشناست و موارد متعددی از آن را در قالب داستانهای انبیاء و اولیاء و افراد عادی می تواند نشان دهد.
* می تواند بطور ابتدایی بیان کند چرا برخی از دعاها مستجاب نمی شود.
* با معنای «قَدَر» بطور ابتدائی آشناست و می داند خداوند کارهایش را از طریق قوانین عالم (چه قوانین فیزیکی و چه قوانین اجتماعی) که خود تنظیم کرده است انجام می دهد. این مطلب بصورت خطابی و احساسی در جانش نشسته است.
* می داند غیر از قوانین عالم، عوامل غیر مادی (مثل صدقه، دعا، شفاعت، احسان به پدر و مادر، کمک به همنوع و غیره) نیز از قوانین الهی است که در عالم تاثیر دارد. رفته رفته به عوامل معنوی عالم اعتقاد پیدا کرده است.

***متوسطه اول:***

* برهان وجوب و امکان در اثبات وجود خداوند را یاد گرفته است و در این برهان بجای استفاده از واقعیتهای تجربی، تاملات عقلی را می فهمد و بر اساس آن برهان را اثبات می کند.
* راه (برهان) فطرت را دقیق تر می تواند بیان کند و می داند ارزش برهانی ندارد بلکه تنبّهی شهودی است.
* راه نظم برای اثبات ناظم عالم را با دقت بیشتری بصورت استدلالی فراگرفته است و می تواند بیان کند که چرا این استدلال با علل و عوامل مادی و قوانین فیزیکی تعارضی ندارد.
* فهمیده است که وجود دادن به عالم مثل سایر علتها در جهان نیست، بلکه مثل نسبت ما و صورتهای خیالی ماست؛ لذا خداوند هم علت محدثه است و هم علت مبقیه. می تواند توضیح دهد که خداوند نه تنها وجود به هر موجودی بخشیده است بلکه قوانین عالم که باعث کنش و واکنش های آنها می شود نیز جعل خداوند است و او بطور دائم این قوانین را حفظ می کند (این مطلب را به صورت تبیینی آموخته است).
* توصیف قضا و قدر را در حد روایت «لاجبر و لا تفویض» می داند ولی مسائل فلسفی مربوط به آن را ضرورت نداشته است کنکاش کند. او در فهمیدن قضا و قدر به چنان بینشی رسیده است که نه خود را تسلیم وقایع کند و احساس مجبور بودن در عالم داشته باشد و نه چنان است که عوامل غیر مادی و اراده خاص خداوندی را در رخ دادن حوادث نفی کند. در این زمینه تعادل دارد.
* معلمان او را با مساله وجود شرور در عالم آشنا کرده اند و صرفا در حد نسبی بودن شرور، فواید شرور، عدمی بودن شرور پاسخ اولیه پیدا کرده است و می تواند آن را بیان کند. و می داند شرور به رحمت عام خداوند لطمه ای نمی زند.
* عدل الهی را در حد توصیفی می تواند بیان کند.
* می تواند درمورد صفات خداوند و توضیح آنها همچون علم و قدرت و خلق مدام و اعطای نعمتها تبیین ساده ارائه کند.
* توصیف کاملتری از ربوبیت خداوند و نحوه کارهای ما در ارتباط با ربوبیت خداوند مثل لزوم پرستش او و اهمیت هدایت شدن توسط او را می فهمد.

***متوسطه دوم:***

* با برهان امکان و وجوب بیشتر آشنا شده است و علیت در آن را با علیت در میان عالم خلط نمی کند بلکه معنای علیت وجودی را می فهمد.
* با تبیینی از راه نظم آشنا می شود که نظریه تکامل (حتی در صورت صحتش) با آن منافاتی نداشته باشد. محدودیت های برهان نظم (مثل ناتوانی از استدلال بر سایر صفات غیر از شعور خداوند، و اثبات در یک محدوده نه کل عالم، و ناتوانی از اثبات یکتا بودن خداوند و غیره) را فهمیده است.
* برای او به برهان صدّیقین در حد معدود دانش آموزانی که قدرت فهم فلسفی دارند کمابیش اشاره شده است. ضرورت ندارد همه به آن دست پیدا کرده باشند بلکه همین قدر بدانند یک برهان دیگری هم هست بنام صدیقین.
* درک عمیق تری از صفات خداوند پیدا کرده است:
* رحمان یعنی رحمت عام (صفت ذات خداوند) و رحیم یعنی رحمت خاص (صفت فعل خدا) را می داند و دامنه هریک را می تواند توضیح دهد.
* مفاهیم عمیق لغات الهی «حمد»، «شکر»، «تسبیح و سبحان»، «اله» را می داند.
* کمابیش می تواند نسبت ما با خداوند را که مثل نسبت ما با صور ذهنی ما است بفهمد و برخی می توانند معنای «عین الفقر بودن» ما را درک کنند.
* پاسخ به سؤالاتی مانند: «خدا چرا برخی بیماران یا بیماری ها را درمان نمی کند و گاهی درمان می کند؟» می داند.
* ربوبیت خدا را می تواند بیان کند. نسبت سنن الهی و قوانین اجتماعی را با خداوند فهمیده است.
* برخی شبهات اصلی درباره صفات خداوند را شنیده است و پاسخ آن ها را شنیده است.
* شبهاتی که درباره قضا و قدر بطور معمول رایج است شنیده است و پاسخهای آنها را شنیده است.
* پاسخ های این که چرا خداوند وجود شرور در عالم را مجاز کرده است می داند.

1. **با دلایل ارسال رسل علیهم السلام و ضرورت تبعیت از آنها آشناست. نبوت خاصه را می داند.**

***دبستان1:***

* اسامی پیامبران اولوالعزم علیهم السلام را می داند.
* برخی داستانهای پیامبران را شنیده است.
* خصوصیات پیامبران را که نشان دهنده صداقت آنها و پیام آوری از جانب خداوند است شنیده است.

***دبستان2:***

* قصه های هدفدار پیامبران را شنیده است.
* معجزات مشهور پیامبران را می داند.
* جایگاه پیامبر اکرم (ص) را در بین پیامبران می داند.
* به صورت کلی دلیل ارسال رسل و مفهوم وحی را می داند.

***متوسطه اول:***

* معنای دقیق و کامل وحی را می داند.
* تفاوت جایگاه انبیا باهم را می داند.
* دلایل عقلی و تاریخی ارسال رسل را می داند. اگر پیامبران نبودند چه می شد؟
* با داستان های پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و سایر انبیا (علیهم السلام) که برای زندگی اش لازم است آشناست.

***متوسطه دوم:***

* تفاوت وحی در اسلام و سایر ادیان را می داند.
* برخی شبهه ها درباره وحی را شنیده است و پاسخ آنها را می داند، شبهه های سروش و پلورالیزم و ...
* مفهوم نبوت خاصه پیامبر (ص) را کامل می داند.

1. **می تواند برای معاد دلیل (نقلی، عقلی و تجربی) بیاورد. با ویژگی های معاد آشناست.**

***دبستان1:***

* به معاد بخاطر پیامهایی که خداوند در قرآن و کتابهای آسمانی بر آن تاکید کرده است باور دارد.
* برخی شواهد و نشانه هایی که معاد را برای ما فهم پذیر می کند می داند. (تغییر فصل ها و ریزش و رویش دوباره برگ ها و ....)
* برخی داستانها را که نتیجه برخی کارها به صورت عواقب افعال آدمی در دراز مدت است شنیده است و می تواند به برخی نمونه های آنها اشاره کند. شاید نمونه هایی از آنها را در فیلم های داستانی تلویزیون به نام «شاید برای شما هم اتفاق افتد» بتوان پیدا کرد.
* با برخی خصوصیات اصلی معاد کمابیش آشناست. بهشت و جهنم و پاداش و کیفر اخروی را بطور اجمال می داند. با تذکر معلم و اطرافیان به معاد هر چند وقت یکبار یاد آن در ذهن او زنده می شود.
* با ثبت دائمی اعمال آشناست. بررسی پرونده اعمال ما در قیامت را می تواند بیان کند. (برخی از این مطالب بهتر است در قالب داستان برای او گفته شود.)
* برخی داستانهای قرآنی را که برای تنبه به معاد آمده است می داند (داستان چهار پرنده حضرت ابراهیم علیه السلام، ماجرای اصحاف کهف و عزیر پیامبر)
* ترس از جهنم و شوق به بهشت در دل او بطور هم اندازه (خوف و رجا) جای گرفته است.

***دبستان 2:***

* باور به معاد از طریق انذارهای خداوند در قرآن با آیات بیشتر در او بارورتر شده است.
* تنبه به معاد در سطح وسیع تر از طریق برخی تمثیل های قرآنی در او بیشتر شده است. (تغییر فصل ها و ریزش و رویش دوباره برگ ها و خلقت اولیه....)
* با برخی عکس العملهای افعال آدمی در دنیا در طولانی مدت آشناست. (اثر اعتیاد، نتیجه بدخلقی های آدم در میان مردم، تو نیکی می کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز، آرامش ناشی از صداقت) در این زمینه چندین قصه گوناگون می داند.
* خصوصیات دقیق تری از معاد (مثل بهشت و جهنم و نظام پاداش و کیفر و ابدی بودن آنها) را فراگرفته است؛ می تواند برخی نعمتهای بهشتی را توضیح داده و برخی کیفر های جهنمی در قبال برخی افعال انسانها توضیح دهد (پاداش صدقه، پاداش نماز، پاداش روزه، پاداش صلوات و ذکر، پاداش جهاد و.... کیفر نماز نخواندن، کیفر ظلم، کیفر غیبت، کیفر دزدی و عدم رعایت حق الناس، کیفر کفر و شرک و....)
* با انواع روشهای ثبت دائمی اعمال آشنا شده است ( ملائک نویسنده اعمال، امامان و شهدا و صالحین، شهادت جوارح بدن، شهادت خود خداوند)؛ از انجام گناه در جایی که شخصی نیست هم می ترسد.
* برخی از خصوصیاتِ نحوه رسیدگی به پرونده اعمال در قیامت را می داند. برخی خصوصیات خود روز قیامت را می تواند بیان کند.
* داستانهایی از نوع توجه پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) به معاد را می داند.
* تفاوت عالم برزخ بعد از مرگ و عالم آخرت را می داند. به زندگی پس از مرگ اعتقاد دارد. مرگ را انتقال از یک عالم به عالم دیگر می داند. (از منابع خوب در این باره کتاب خانم کلرژوبرت درباره مرگ است.)
* درک زنده بودن پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) پس از مرگ و ناظر بودن بر اعمالمان و پاسخ دادن به سلامهای ما و شفاعت آنها برای برآورده شدن خواسته هایمان و کمک آنها در زندگی مان را فهمیده است و به آن باور دارد.
* ترس از جهنم و شوق به بهشت در دل او نهادینه شده است و رفته رفته بجای بهشت و جهنم، ترس از عواقب اعمالمان را و شوق به نتیجه کارهای خوبمان در دل او زنده شده است.
* به مناسبت هایی مکررا یاد معاد در سایر فعالیت های درسی و غیر درسی در او زنده شده است.

***متوسطه اول:***

* غیر از اِخبار خداوند از معاد، با برخی استدلالهای کلامی درباره معاد آشنا شده است. (مثل لزوم عدالت خداوند و هدفداری خلقت)
* با برخی عکس العملهای افعال آدمی در دنیا در طولانی مدت بیشتر آشنا شده است. (اثر اعتیاد، نتیجه بدخلقی های آدم در میان مردم، و آرامش ناشی از صداقت.....) در این زمینه چندین قصه گوناگون می داند. داستانهایی بیشتری در این باره شنیده است.
* با آیات بیشتری که درباره معاد گفته شده است آشنا شده است و می فهمد که قرآن به صورتهای گوناگون و در موارد متعددی با انذار و تبشیر به معاد تذکر داده است.
* با خصوصیتهایی که قرآن از زمان حضور انسانها در قیامت گفته است (تنهایی، وحشت فراگیر آن، طولانی بودن، عیان شدن باطن انسانها و غیره) آشنا شده است.
* با نحوه محاسبه دقیق اعمال در روز بسیار طولانی قیامت و نقش شفاعت ائمه در آن و تادیه حقوق مردم (حق الناس) در قیامت کاملا آشنا شده است. پل صراط را می شناسد.
* داستانهای بیشتری درباره معاد را شنیده است. (احتمالا کتاب معاد شناسی مرحوم تهرانی، و سایر کتب و سخنرانی ها مخصوصا سخنان شهید مطهری)
* با توصیفات مرگ به عنوان ورود به عالم دیگر و حالات انسان بلافاصله پس از مرگ مثل سوال نکیر و منکر و شب اول قبر و غیره بیشتر آشنا شده است. با وضعیت مومن و فاسق پس از مرگ آشناست. داستانهایی از برنامه «زندگی پس از زندگی» را شنیده و یا دیده است و چندین داستان از توصیفات کسانی که با مرگ مواجه شده اند و سپس دوباره زندگی پیدا کرده اند شنیده است. حالات مومن پس از انتقال به عالم برزخ را که مواجهه با پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) است شنیده است.
* با نسبت ارواح مردگان با این دنیا کمابیش آشناست، و می داند ائمه معصومین (ع) کلام ما را می شنوند و شفاعت ما را می کنند و با اذن خداوند حوائجمان را شنیده و برآورده می کنند. با زنده بودن شهیدان در راه خداوند پس از مرگ آشناست و شهادت را سعادت می داند.
* ترس از جهنم و غضب خداوند و شوق به بهشت و رضایت خداوند در دل او بیشتر و بیشتر شده است. این توجه در اعمال و رفتار او آشکار می شود. در خوف و رجا افراط و تفریط ندارد بگونه ای خوف و رجاء در جان او نفوذ کرده است که در آن واحد هم بتواند خوف داشته باشد و هم رجا.
* با تجسم اعمال در قیامت آشنا شده است.
* به مناسبت هایی یاد معاد در سایر فعالیت های درسی و غیر درسی او مطرح شده است.

***متوسطه دوم:***

* با استدلالهای بیشتری درباره لزوم معاد (مثل دفع ضرر محتمل) آشناشده است.
* با آیات قرآنی بیشتری درباره معاد آشنا شده است و برخی از آیات قرآنی مرتبط با معاد را از حفظ دارد.
* فهمیده است که اعمالمان مکافات های دنیوی زود و دیر دارند و با نمونه هایی از آنها آشناست؛ در نتیجه، مکافاتهای اخروی نیز عکس العملی منطقی دربرابر کارهایمان است.
* خصوصیتهایی که قرآن از زمان حضور انسانها در قیامت گفته است (تنهایی، وحشت فراگیر آن، طولانی بودن، عیان شدن باطن انسانها و غیره) برای او یادآوری شده است و تثبیت بیشتری پیدا کرده است.
* نحوه محاسبه دقیق اعمال در روز بسیار طولانی قیامت و نقش شفاعت ائمه در آن و تادیه حقوق مردم (حق الناس) در قیامت دوباره متذکر شده است. پل صراط را متذکر شده است.
* معنای «عالم محضر خداوند است» را عمیق تر فهمیده است و احساس در محضر خدا بودن را دارد. از انجام عمل گناه بخاطر عقوبت اخروی نگران می شود و شوق به کار خیر در او بیشتر شده است.
* کاملا با سه نوع پیروی از خداوند و عبادت او (عبادت بردگان، عبادت تاجران و عبادت آزادگان) آشنا شده است. معنای «رضوان من الله اکبر» را درک کرده است و در نتیجه بهشت و جهنم در مقابل رضایت خداوند برای او کوچک می شود.
* تفاوت «السابقون» و «اصحاب الیمین» (در سوره واقعه) را در بهشت فهمیده است و پیشی گرفتن از سایر مومنان و مقرب تر بودن نزد خداوند برای او اهمیت پیدا کرده است.
* کاملا درباره مرگ و زندگی پس از مرگ و زندگی برزخی توجیه شده است و مرگ را بخاطر از دست رفتنِ فرصتِ بهتر شدن نمی پسندد. گورستان رفتن را در برنامه کاری خود قرار داده است و در صورت امکان مراسم کفن و دفن برخی تازه درگذشتگان را می بیند تا تنبّه نسبت به مرگ پیدا کند.
* به پیوستِ توضیحات معاد، صفتهای غفّار و ستّار بودن خداوند را کاملا فهمیده است و این آشنایی با این دوصفت باعث جری تر شدنِ او در انجام کار بد نمی گردد.
* موقعیت های متعدد و متکثری برای او فراهم شده است تا مرتب یاد معاد برای او زنده گردد.
* شبهاتی که درباره معاد در جامعه مطرح است (همانند تناسخ) شنیده است و می تواند برای رد آنها استدلال بیاورد.

1. **با تفاوت تفکر سنی و شیعی درباره خلافت بعد از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آشناست و دلائل (قرآنی، تاریخی، روایی و عقلی) حقانیت شیعه را می داند.**

***دبستان 1:***

* ماجرای غدیر و واقعه رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و توطئه سقیفه را داستان وار شنیده است.
* محبت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و حضرت امیر (علیه السلام) را پیدا کرده است و سعی می کند بگونه ای آن را ابراز کند. برخی خصوصیات این بزرگواران را که باعث می شود به آنها محبت پیدا کند شنیده است. چند فضیلت ساده از فضائل حضرت علی علیه السلام (مقایسه با سایر مسلمانان معاصر ایشان) را شنیده است. با برپایی جشن غدیر و ولادت آن بزرگوار محبتش را نسبت به ایشان نشان می دهد.
* اسامی ائمه معصومین علیهم السلام را به ترتیب می تواند بگوید.

***دبستان2:***

* ماجرای غدیر یادآوری شده است و آیات ناظر به غدیر را با ترجمه آن شنیده است. پیام رسول اکرم (ص) در غدیر (من کنت مولاه فهذا علی مولاه) را فهمیده است و آن را حفظ کرده است.
* چند روایت پیامبر اکرم (ص) و چند آیه از قرآن که در منزلت حضرت علی (ع) آمده است با داستانهای مربوطه شنیده است (حدیث منزلت، آیه مباهله، حدیث ثقلین، آیه اطیعوا الله..، آیه انما ولیکم الله...)
* جریان سقیفه و علت انحراف بعد از رسول اکرم (ص) را شنیده است.
* محبت پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) و سایر معصومین به طرق مختلف در دل او نشسته است و بگونه ای این محبت را ابراز می کند.
* اسامی ائمه معصومین علیهم السلام و برخی کنیه های مشهور ایشان را می داند و از سیره هریک از معصومین حداقل دو داستان شنیده است. (یکی از منابع خوب در این زمینه کتاب «داستان راستان» است)

***متوسطه1:***

* با مصائب اهل بیت علیهم السلام با محوریت شهادت حضرت زهرا (س) و مظلومیت حضرت علی (ع) آشنا شده است و از عوامل این مصائب بیزاری می جوید. (یکی از منابع خوب کتاب «کشتی پهلو گرفته» است)
* روایات پیامبر اکرم (ص) و آیات قرآن در فضائل حضرت علی (ع) که در مقطع قبلی شنیده بود با معنی حفظ کرده است و توضیحات مربوط به آن را فهمیده است.
* تفاوت اعتقادات اصلی اهل تسنن و شیعیان، و برخی تفاوتها در رفتار دینی بین آنها را می داند.
* دلایل حقّانیت امامت حضرت علی (ع) و سایر معصومین را اجمالا می داند. این دلایل، تاریخی، عقلی، فقهی، روایی و شخصیتی است که با انواع آنها آشنا شده است. (کتابهای «شبهای پیشاور»، «آنگاه هدایت شدم»، «المراجعات» و همچنین فیلمها و مصاحبه های استدلالی مستبصرین در این زمینه مناسب است.)
* علاقه اش به پیامبر اکرم (ص) و حضرت امیر (ع) و سایر معصومان بیشتر شده است و برای نشان دادن این علاقه فعالیتهای متنوعی می کند. بیزاری اش از دشمنان آن حضرات که پشتگرم به دلایل منطقی است بیشتر شده است.
* از سیره هریک از معصومان چندین مورد را شنیده است و سعی می کند این سیره را مبنای رفتاری خودش قرار دهد. این آشنایی می تواند به مناسبتهای تولد یا شهادت ایشان به او یاد آوری شود.
* با تاریخ اسلام و زندگی معصومین علیهم السلام اجمالا آشنا شده است. دشمنان هریک از آنها را در دوران زندگی شان می داند.
* با اعتقادات شیعه درباره مهدویت و امام زمان (ع) آشناست و روحیه انتظار فرج در او سرزنده است.
* اطلاعات مربوط به تاریخ تولد، تاریخ شهادت و برخی اطلاعات دیگر را از منابع مختلف استخراج کرده است و بر اساس آن نموداری جامع ترسیم کرده است؛ و از طریق آن نمودار می تواند تاریخ امامت، مدت امامت و هم عصر بودنشان با امام قبلی و بعدی و مزار ایشان و مکان های زندگی شان در دوران حیات و احیانا نام مادرهای بزرگوارشان و ...را نشان دهد و سعی می کند از آنها تحلیلهای متفاوتی استخراج کند.

***متوسطه2:***

* برخی شبهات اهل سنت نسبت به شیعه را می تواند با پاسخ آنها بیان کند. با دلایل حقانیت شیعه از کتابهای اهل سنت آشناست. با نحوه برخورد اهل سنت با حقایق شیعه و سانسور آنها نیز آشناست.
* می تواند بیان کند چرا شیعه است و چرا سنی نیست. (کتابهای آقای حداد پور با این نام شاید کمک کند)
* با برخی نکات مهم تاریخ تحلیلی زندگی ائمه علیهم السلام مخصوصا غدیر و مهدویت و عاشورا آشنا شده است و می تواند برای دیگران نیز بیان کند.
* در جلسات ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام شرکت می کند و اندوه خود را برای این مصیبت ها نشان می دهد. کتابهایی که در این باره نوشته شده است در برنامه خواندنش می گذارد (مثل کتابهای «کشتی پهلو گرفته» و «آفتاب در حجاب» و «خداکند تو بیایی» و «لهوف یا آهی سوزان بر مزار شهیدان» و «آنجا که حق پیروز است»....)
* در زمان شادی های امامان معصوم مثل اعیاد غدیر و قربان و فطر و سالروز های تولد معصومین علیهم السلام شاد است و به نحوی این شادی را نشان می دهد.
* می تواند اغلب احادیث و آیات قرآن مهم که در فضایل اهل بیت و حقانیت امامت وارد شده است بیان کند و در مقام دفاع از حریم امامت برآید. این حدیث ها همانهایی هستند که قبلا با آنها آشنا شده است.
* انواع دلایل حقّانیت تشیع و امامان معصوم (ع) را بطور مبسوط تر می تواند بیان کند.
* با انواع فرقه های فعال تسنن اجمالا آشناست (وهابیت، ناصبیان، فرق چهارگانه اهل سنت و تفاوت بسیار آنها در محبت به اهل بیت)
* شبهات اصلی که اهل سنت به خلافت و امامت علی بن ابیطالب (علیه السلام) وارد می کنند شنیده است و می تواند رفع شبهه کند. حتی اصل کتب اهل سنت را ببیند و موارد را از آن استخراج کند.
* با مطالبی از تاریخ تحلیلی امامان علیهم السلام و اهمیت آنها در احیای اسلام آشناست (می تواند گزیده هایی از کتابهایی مثل «سیرتنا و سنتنا» و «نقش ائمه در احیاء دین»، «همراه با راستگویان» را بیان کند)
* موضوع وحدت شیعه و سنی را بدون افراط و تفریط می فهمد.

**ب- واجد تقید عقلانی به احکام شرعی**

1. **به اصول ومبانی دین اسلام اعتقاد و باور قلبی دارد. ایمان قلبی او همراه با اطمینان عقلی است.**

***دبستان1:***

* با روشهای متفاوت مخصوصا خطابی ایمان قلبی به تمامی اصول دین پیدا کرده است و در هنگام بدست آوردن این ایمان قلبی متذکر پشتوانه عقلی آنها نیز بوده است.
* می داند که بسیاری باورها وجود دارد که بخاطر نداشتن پشتوانه عقلی و منطقی باید از آنها دوری کرد.
* ارزشهای دینی برای او اهمیت دارد و نسبت به خدشه دار شدن آنها حساس است.
* داستانهایی از باورهای قوی برخی مومنان را شنیده است و می داند که آنها بدون دلیل چنین باورهایی را نداشته اند. (داستانهایی از تقواپیشگان بزرگ، یا داستانهایی از ایمان قوی شهداء و استقامت ایمانی آنها را شنیده است)

***دبستان2:***

* ایمان قلبی خود را بیشتر کرده است و با کمک مربیانش توانسته با عوامل کمرنگ بودن ایمان قلبی اش مقابله کند.
* داستانهایی بیشتر درباره ایمان مستحکم بزرگان همچون شهدا و مجاهدان و بزرگان ایمانی شنیده است و علاقمند شده است که مثل آنها باشد.
* از آنجا که لازمه ایمان درست آن است که متعلق ایمانی بخوبی فهمیده شود معنای بسیاری از عناصر اعتقادی خود همچون عظمت و لطف خداوند، معنای درست معاد، معنای عدل الهی را بطور ملموس درک کرده است.
* محبت خداوند را درک کرده است و دوست دارد از دوستداران خداوند باشد.
* در موقعیت های مختلف متذکر اعتقادات خود می شود.

***متوسطه1:***

* به رشد ایمان قلبی خود اهتمام دارد و می تواند دربرابر افراد بی ایمان از ایمان خود دفاع کند و به ایمان خود افتخار کند. از بیان و عمل بر اساس ایمانش از هیچ ملامت کننده ای نمی ترسد.
* در هنگام مواجهه با عواملی که در ایمانش خلل وارد می کند سعی می کند با کمک مومنان آگاه و عالم مانع خدشه دار شدن ایمانش بشود.
* علت نیاز به پشتوانه عقلی برای ایمان را می داند و باورهایی که با مبناهای غیر عقلی به انحراف کشیده شده است می شناسد. نمونه هایی از آنها را در تاریخ اسلام می شناسد.
* از ایمانهای کور و خطرناک مثل باورهای باطل انتحاری های داعش دوری می کند و علت بطلان آنها را می داند.
* با برخی نشانه های ایمان واقعی و مستحکم در آیات و روایات آشنا شده است.
* رفته رفته محبت خداوند در دل او رشد می کند و معنای برخی صفات خداوند مثل خالق بودن، عالم بودن، قادر بودن، قیوم بودن، غافر بودن، رازق بودن و .. را بخوبی فهمیده است و از آنها معنای گنگ و نامناسب در ذهنش ندارد.
* برخی ماجراهای افراد تازه مسلمان و علت اعتقادشان به اسلام و تشیع را شنیده است.
* اعتقادش به معاد بصورتهای مختلف در او افزوده شده است بگونه ای که نگران نتیجه اعمالش در قیامت است و شوق به نعمتهای بهشتی در او زنده می ماند.

***متوسطه دوم:***

* رفته رفته از ایمان تاجران (برای بهشت) و بردگان (از ترس جهنم) دوری می کند و ایمانش به خداوند و عشق او بیشتر می شود. تفاوت این سه نوع ایمان را فهمیده است و علاقمند است که ایمان آزادگان را داشته باشد.
* تفاوت ایمان «السابقون» و «اصحاب الیمین» را بخوبی فهمیده است. بجای خوب بودن مسابقه در خوبتر بودن و تقرب به خداوند برای او اهمیت پیدا می کند.
* با معنای رضایت خداوند آشناست و رضوان الهی را ترجیح می دهد و یکی از دعاهای او رسیدن به رضایت الهی است. داستانهایی درباره کسانی که رضایت خداوند را بر هر چیز دیگر ترجیح داده اند می داند.
* برخی عوامل سست شدن ایمان قلبی را می داند و بجای فرقه گرایی، ایمان عاقلانه حنیف را اهمیت می دهد. بین قلبی و عقلی بودن ایمان افراط و تفریط نمی کند.
* علت انحراف برخی فرقه های منحرف دینی را می داند (مثل صوفیه، عرفانهای کاذب، معنویت گرایی های بدون شریعت، ایمانهای التقاطی مثل اسلام لیبرالی یا سوسیالیستی)
* تفاوت علم الیقین، عین الیقین و حق الیقین را شنیده است.
* سعی می کند استقامت و صبر بر باورهای اصلی دینی اش داشته باشد. غیرت عاقلانه دینی دارد و از ابراز ایمان خود در میان دیگران خجالت نمی کشد و به آن نیز افتخار می کند.

***دبستان دخترانه:***

* غیر از موارد ذکر شده در دبستان یک و دو، زنان مومن را شناخته است و از ایمان آنها درس گرفته است. در راس این زنان ایمان حضرت زهرا (س) حضرت زینب(س) حضرت خدیجه (س) حضرت مریم (س) را فهمیده است.
* با ایمان عمیق مادران ایثارگران و شهدا آشنا شده است و داستانهایی از زندگی این بزرگواران که با تربیت ایمانی مادرانه شان بزرگانی را پرورش داده اند می داند.
* ایمان قلبی او حیا و حجاب را برای او مهم کرده است و بر خودآرائی ترجیح داده است. داستانهایی از زنانی که این ترجیح ها را داده اند شنیده است.

1. **اصول و مبانی و احکام دین مبین اسلام را می شناسد و به آنها پایبند است (سطح پایبندی: اهمیت دادن به انجام واجبات، غیرت در ترک محرمات، برای همه و سطوح بالاتر برای افراد خاص).**

***دبستان1:***

* دلایلی برای تسلیم بودن دربرابر دستوراات الهی را شنیده است.
* دلایلی درباره محبت به خالق مهربان شنیده است و فهمیده است که خداوند در هر لحظه بر اعمال ما نظارت دارد و با ثبت اعمال آشنا شده است. بزرگی و عظمت خداوند برای او گفته شده است. در نتیجه عمل به دستورات خداوند برای او مهم می شود. پاداش های اخروی در عمل به دستورات خداوند را شنیده است.
* کمابیش به این باور رسیده است که دستورهای خداوند بیشتر برای بهتر شدن ماست و فایده اصلی اش به خود ما بر می گردد.
* برخی احکام ساده مربوط به نجاسات و مطهرات و نماز و برخی دستورهای اخلاقی مبتنی بر دستور الهی را شنیده است و انگیزه پیدا کرده است که دستورهای الهی را انجام دهد.
* برخی احکام مربوط به حیا و پوشش بدن (متناسب با پسرانه و دخترانه) را می داند و حیا در او نضج گرفته است.

***دبستان2:***

* دلایل بیشتری را برای تسلیم بودن در برابر احکام الهی فراگرفته است و می تواند برای دیگران آنها را بگوید.
* معنای عالم محضر خداوند است را فهمیده است و رفتارهایی از خود نشان می دهد که این باور را جدی گرفته است.
* عظمت و جلال خداوند در عین رحمت گسترده اش را فهمیده است. معنای رحمت خداوند و لزوم شکر گزاری از او را درک کرده است و قدرت لایزال او را باور کرده است و در نتیجه عظمت خداوند را باور کرده است.
* مساله آگاهی خداوند از اعمال آشکار و پنهان ما و همچنین اندیشه های ما را می داند.
* با برخی پاداش های اخروی برای عمل به دستور های خداوند و برخی کیفرهای آن برای سرپیچی از فرامین او آشنا شده است.
* این باور در او تقویت شده است که اوامر الهی برای رشد و بهتر شدن ماست. بهتر بودن را در رشد معنوی و مادی متعادل می داند. افتخارات دنیایی را در پرتو رشد الهی می بیند.
* مفهوم تقلید را به همراه دلیل اجمالی آن و همچنین نحوه انتخاب مرجع تقلید را می داند. با رساله های عملیه آشناست. حدود تقلید را هم می داند.
* در او رفته رفته غیرت در ترک محرمات و جسارت در انجام واجبات رشد یافته است. در دخترانه حیا و حجاب را فهمیده و از روی اختیار آن را انتخاب می کند و خود را مقید به آن می داند و نسبت به رعایت آن حساسیت دارد. داستانهای متعددی از کسانی که در انجام واجبات جسارت به خرج داده اند و کسانی که در ترک محرمات غیرت نشان داده اند شنیده است.
* رساله عملیه مخصوص خود را دارد. برخی احکام را می تواند از رساله عملیه استخراج کند. با احکام بیشتری از نجاسات و مطهرات آشنا شده است؛ احکام بیشتری را درباره نماز (مثل مکان و لباس نمازگزار، ارکان و واجبات و مستحبات نماز) را فهمیده است.با برخی احکام روزه آشناشده است. اجمالا درباره احکام خمس و زکات و حج شنیده است.
* احکام مربوط به پوشش مردان و زنان و احکام نگاه کردن را می داند، و نسبت به رعایت آنها توجه دارد.
* آز آنجا که باید در بحث رعایت احکام هماهنگی بین مدرسه و والدین وجود داشته باشد، او رعایت احکام را برای هر موقعیتی باور دارد.

***متوسطه1:***

* دلایل عقلی و نقلی اطاعت از خداوند در احکام شرعی و اخلاقی و تبعیت از معصومین علیهم السلام را می تواند بیان کند. دلایل عقلی و نقلی تقلید از مراجع تقلید را می داند.
* نه تنها رحمت و مهربانی خداوند را باور کرده است، بلکه ابهت و جلال و جبروت خداوند را هم درک کرده است. معنی تقوا را بخوبی فهم کرده است و عزم دارد که متقی باشد.
* برخی شبهات عمده در مورد رعایت احکام (در دخترانه به خصوص درباره حیا و حجاب) را شنیده است و برای آنها پاسخ دارد. علت اینکه برخی افراد احکام شرعی را رعایت نمی کنند می داند و از این جهت این افراد را نمی پسندد.
* حرام ها و حلال ها را فراگرفته است و احکام آنها را می داند. برخی احکام را از رساله عملیه استخراج کرده است و برای دیگران می تواند بیان کند. رفته رفته عادت کرده است که اگر مساله شرعی را نمی داند مراجعه مداوم به رساله عملیه داشته باشد.
* احکام بیشتری را درباره نماز و روزه فهمیده است، و احکام اصلی مربوط به حج و زکات و خمس و انفال را شنیده یا از رساله دیده است.
* برخی از مستحبات (و مکروهات) مهم را می داند؛ و علاقمند به انجام مستحبات شده است. روزه هایی مستحبی گرفته است. برخی مستحبات نماز را رعایت می کند.
* احکام مربوط با اخلاقیات (مثل حرمت غیبت، دروغ، تهمت، تمسخر، توهین...) را فهمیده است و در رعایت آنها تلاش می کند.
* غیرت در ترک محرمات و جسارت در انجام واجبات دارد. این غیرت و جسارت در دخترانه در مورد حیا و حجاب هم هست. بگونه ای توانایی پیدا کرده است که اگر در آشنایان و دوستانش بی توجهی به آن وجود دارد هم از حجاب خود دفاع می کند و هم از این که آنها به حجاب و حیا بی توجهی می کنند ناراحت است و ابراز ناپسندی کار آنها را می کند.
* احکام بلوغ را می داند و نسبت به تقوای جنسی حساسیت پیدا کرده است. احکام بیشتری را درباره پوشش و نگاه کردن یاد گرفته است. محارم نسبی و سببی را می داند. نسبت به رعایت حیا در خانواده خود حساسیت دارد و واکنش مناسب نشان می دهد.
* می تواند در رعایت واجبات و پرهیز از محرمات از خانواده خود حساسیت بیشتری داشته باشد.

***متوسطه دوم:***

* می تواند برای اطاعت از اوامر الهی (در فرمایش معصومین) استدلال و توجیه های لازم را بیاورد. دلایل عقلی و نقلی تقلید را می تواند بیان کرده از آنها دفاع کند.
* شبهاتی را که درباره معنویت گرایی بدون شریعت است می داند و می تواند پاسخ مناسبی به آنها بدهد. معنای «لااکراه فی الدین» را با بی بندو باری نسبت به رعایت احکام شرعی خلط نمی کند.
* نسبت به نگاههای شریعت گریز مثل اخلاق بدون شریعت، معنویت بدون شریعت، خدمت های اجتماعی بدون شریعت بدبین است و اشکالات اینگونه گرایشهای دینی را می فهمد.
* مسئولیت خود را نسبت به خداوند فهمیده است و از عصیان در برابر فرامین الهی می گریزد و از آن می ترسد. اگر هم به گناهی مرتکب شد در خود احساس ناراحتی می کند و برای انجام گناهان توجیه نمی سازد. از لجبازی در انجام گناهان می پرهیزد.
* مفهوم حجت شرعی را می داند و می تواند برای هر رفتارش (حتی بازی و تفریح) حجت شرعی ارائه کند.
* به گونه ای پرورش یافته است که وقتی منافع مادی اش (در دخترانه همچنین جلوه گری دخترانه) با اوامر الهی تعارض پیدا می کند جانب رعایت دستورهای الهی را می گیرد و از منافعش صرف نظر می کند.
* شبهات مشهور درباره برخی احکام مثل دیه، قصاص، عدم تساوی ارث مرد و زن می داند و سعی می کند پاسخ آنها را به دست آورد.
* احکام بیشتری درباره عبادات را فرا گرفته است. احکام اصلی معاملات مثل خرید و فروش، شراکت، قرض و ربا، خرید قسطی و سلف، روابط اجتماعی و برخی احکام دیگر مورد نیازش را می داند.
* علی رغم تعبد به احکام دینی، برخی از حکمت های عبادات و احکام را می داند. غیرت در ترک محرمات و جسارت در انجام واجبات دارد.
* سعی می کند احکام مربوط با اخلاقیات (مثل حرمت غیبت، دروغ، تهمت، تمسخر، توهین...) را رعایت کند و در مقابل کسانی که به این اخلاقیات بی توجه هستند موضع دارد.

***دخترانه:***

* از آنجا که دختران زودتر به سن بلوغ می رسند لذا برخی از موارد ذکر شده در بالا را زودتر انجام می دهد.
* حیا و حجاب را از روی اختیار انتخاب کرده است و از این انتخاب خود راضی است.

**ج- دیندار متعبّد و متمسّک به قرآن و عترت**

1. **با ویژگی های پیامبر اکرم (صلی ا... علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام) آشناست و آنها را دوست دارد. با نقاط مهم زندگی اهل بیت (علیهم السلام) و احادیث و اخبار ایشان آشناست . رفتار و احادیث ایشان را در تمامی شئونات زندگی ملاکی برای تشخیص حقانیت و حجتی برای رفتار خود و محیط پیرامون خود می داند. به اهل بیت (علیهم السلام) علاقه دارد و به زیارت و حضور نزد آنها اهتمام دارد. با آنها ارتباط قلبی دارد. توسل به اهل بیت (علیهم السلام) نزد وی جایگاه بالایی دارد.**

***دبستان 1:***

* برخی از وقایع مهم زندگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را بگونه ای تاریخی شنیده است. با شنیدن این وقایع به آن بزرگوار علاقمند شده است.
* داستانهایی درباره منش و رفتار پیامبر اکرم و عظمت خلقیات آن حضرت شنیده است و دوست دارد همانند آنها این منش ها را در خود تقویت کند.
* وقایع مهم زندگی امامان را شنیده است و محبتش به آنها بر اساس روش زندگی و علم و فضل آن بزرگواران روز به روز بیشتر گردیده است.
* صلوات بر پیامبر و اهل بیت ایشان را کاملا یاد گرفته است و عادت کرده است که وقتی نام آن بزرگواران را می شنود صلوات بفرستد.
* نه تنها در برنامه هایی که به مناسبت تولد یا شهادت معصومان برگزار می شود شرکت می کند بلکه می خواهد خودش نیز در برگزاری آن مشارکت داشته باشد.
* با زیارت پیامبر و معصومان آشناست و احتمالا با خانواده به زیارت برخی از امامان و امام زادگان رفته است.

***دبستان 2:***

* با تاریخ اجمالی زندگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) چه قبل از بعثت و چه بعد از آن در مکه و مدینه آشناست و با افتخار و عظمت از آن یاد می کند.
* برخی داستانهای دیگر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیده است و این داستانها در او انگیزه رفتار بر طبق رفتار پیامبر را برانگیخته است.
* علاقمندی اش را به پیامبر اکرم ابراز می کند و صلوات را از روی محبت به ایشان می گوید.
* با شنیدن احادیث منقول از رسول خداوند، آنها را بهترین دستور العمل زندگی اش می داند.
* وقایع مهم زندگی امامان شیعه علیهم السلام را شنیده است و نوع عمل عبادی، سیاسی و علمی آنها را بهترین الگو برای رفتارهای خود می داند.
* به دنبال فراگرفتن برخی روایات منقول از امامان است و وقتی آنها را می شنود سعی می کند آنها را سرلوحه کارهایش قرار دهد.
* توسل به معصومان را برای شفاعت نزد خداوند و برآوردن حاجاتش توسط خداوند مهم می داند.
* به زیارت معصومان اهمیت می دهد و علاقمند است به زیارت برود.

***دبیرستان 1:***

* با ویژگی های پیامبر اکرم (ص)، که باعث افزایش اعتقادات او محبت به ایشان و درک عظمتشان می شود در قالب داستانهای مهم زندگی آن بزرگوار آشنا شده است.
* تاریخ زندگی پیامبراکرم (ص) را (در حد کتاب فروغ ابدیت) می داند. با غزوه ها و اتفاقات مهم زندگی و حکومت پیامبر ص آشناست.
* با مطالعه زندگی پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت علیهم السلام با دلایل عقلی، نقلی و شهودی آنها را دوست دارد و ایشان را الگوی خود می داند. و سعی می کند رفتارها و قول حضرات معضومین علیهم السلام، دلیل همه رفتارها، سخنان و افکارش باشند.
* شوق زیارت حرم های مقدس اهل بیت غلیهم السلام را دارد و برای این شوق، علاوه بر محبت، دلایل عقلی و نقلی و دینی دارد.
* با معنا و مفهوم دقیق توسل به پیامبر ص و اهل بیت علیهم السلام آشناست و پاسخ شبهات مربوط به این موضوع را می داند. فرق بین توکل و توسل را می داند و جایگاه هر کدام را می شناسد. می داند در توسل، حضرات معصومین علیهم السلام حتما درخواست ایشان را می شنوند اما اجابت آن لزوما در همان صورت و قالب که مدنظرش می باشد، شاید رخ ندهد.

***دبیرستان 2:***

* با ویژگی های پیامبر اعظم ص، خصوصا از دید محبتی و اعتقادی و همچنین با عظمت حضرت آشنا شود. (وقایع داستان های مهم و موثر و ...)
* تاریخ تحلیلی زندگی پیامبرص را می داند. (در سطح کتب دکتر شهیدی)
* در مسیر توسل و محبت نسبت به اهل بیت علیهم السلام جدی می باشد. سعی می کند در این راستا هر هفته در یک برنامه ذکر و توسل در قالب یک هیات شرکت کند.
* ابراز ارادت و محبت به اهل بیت علیهم السلام را فقط منحصر در ذهن و قلب خویش نمی داند و در این راستا سعی می کند کارهای عملی مثل فعالیت و کمک در یک هیات یا مجموعه ای که مروج فرهنگ، تفکر و محبت حضرات معصومین علیهم السلام را انجام دهد.
* در مسیر ابراز محبت عملی به پیامبر و اهل بیتش علیهم السلام، مراقب افکار، سخنان و رفتارهای خودش می باشد تا خدای ناکرده بر خلاف منویات و سیره ایشان نباشد و موجبات ناراحتی ایشان، خصوصا ناراحتی حضرت حجت ارواحنا فداه را فراهم نکند.
* سعی می کند برای تک تک لحظات زندگی و همه امور زندگی اش حجت و دلیلی منطبق بر قول و فعل و نظر معصومین علیهم السلام داشته باشد.
* در بروز مشکلات و رخداد وقایع سعی می کند با ارتباط قلبی ای که با پیامبر و اهل بیتش علیهم السلام برقرار کرده، از ایشان کمک بگیرد و مشکلاتش رو مدیریت نماید.

1. **نماز خواندن برای او یک ارزش است و از نماز خواندن خجالت نمی کشد. نماز را کاملا بلد است. اگر روزی نماز نخواند نگران می شود. با تلفظ صحیح مخارج حروف نماز را صحیح می خواند. معانی الفاظ نماز را می داند و آشنایی نسبی با ابعاد محتوایی نماز دارد. احکام مبتلی به نماز را می داند. عزمی دارد که نماز را مرتب و اول وقت بخواند.**

***دبستان 1:***

* نماز خواندن معلمانش را در اول وقت مرتب دیده است. اهمیت دادن معلمان به نماز در مقابل تمامی کارهای دیگر در موقعیتهای مختلف به او گوشزد شده است.
* سوره حمد و توحید را مرتب در مناسبتهای مختلف همخوانی کرده است و برای معلمش نیز خوانده است.
* معلمان برای او و دوستانش نماز جماعت تشکیل داده اند و برخی به انتخاب و اختیار خودشان و بدون اجبار پشت سر معلمشان نماز می خوانند. معلمان نیز هر چند وقت یکبار یکی یکی را ترغیب به نماز خواند می کنند. نمازخوان ها مورد تحسین واقع می شوند.
* نماز های یومیه را می شناسد و می داند هرکدام چند رکعت است.
* تمامی اذکار واجب نماز را شنیده است و سعی کرده است تمامی آنها را حفظ کند.
* اذان و اقامه را می شناسد و در صورت تمایل علاقمند به اذان گفتن است.
* سعی کرده است وضو گرفتن صحیح را یاد بگیرد.
* کسانی که با خانواده شان به مسجد می روند به بقیه نشان داده می شوند و مورد تحسین لفظی قرار می گیرند.
* سعی می کند نماز را بدون غلط بخواند.

***دبستان 2:***

* نماز خواندنِ معلمانش را در اول وقت مرتب دیده است. اهمیت دادن معلمان به نماز در مقابل تمامی کارهای دیگر در موقعیتهای مختلف به او گوشزد شده است.
* داستانهایی درباره نماز شنیده است و شکر خداوند و کمک خواستن از او را به عنوان علتهایی برای نماز خواندن می داند.
* با ثواب نماز آشنا شده است و می داند کسانی که نماز نخوانند مستوجب کیفر اخروی خواهند گردید.
* نماز جماعت برای او تشکیل شده است، و رفته رفته با تحسین و گزارش نماز خواندن او به خانواده، تمایل به نماز پیدا کرده است.
* گزارش نمازخواندن او در منزل بطور مرتب از خانواده پرسیده شده است و اگر توجه به خواندن نماز داشته باشد مورد تحسین جمعی می گردد. اگر نماز نخوانده باشد ملامت نمی شود بلکه ترغیب به نماز خواندن می شود.
* برای کسانی که سعی می کنند مرتب نماز بخوانند موقعیتی ممتاز در مدرسه در نظر گرفته شده است.
* معلمانش برای یک به یک آنها وقت گذاشته است و از درست خواندن نماز در مقابل معلمان تایید گرفته است. با دوستانش برنامه هایی برای همیاری در نماز خواندن گذاشته است.
* مخارج حروف را در درس قرآن یک به یک یاد گرفته است و با تمرین سعی می کند قرآن و مخصوصا سوره حمد را با رعایت مخارج حروف بخواند.
* احکام لباس نمازگزار ( مخصوصا پاک و حلال بودن) و مکان نماز گزار را شنیده است.
* ارکان و واجبات نماز را می داند. برخی مستحبات نماز را شنیده است.
* نماز خواندن در مسجد برای او یک ارزش شده است.
* معنای تحت اللفظی سوره حمد و توحید و سایر اذکار نماز را می داند.

***دبیرستان 1:***

* در مدرسه برنامه نماز جماعت دارند که با تشریفات غیر وقت گیر و غیر خسته کننده این زمان برای او برنامه ای مهم برای زندگی اش می شود.
* آیات و روایات درباره نماز و ضرورت آن را شنیده است و می تواند آنها را توضیح دهد.
* نماز را درست با مخارج حروف می خواند و معلمانش صحت نماز خواندن او را تایید کرده اند.
* معانی الفاظ نماز را یک به یک نه فقط به صورت تحت اللفظی که با بسط معنایی آنها بگونه ای که برای او بخوبی قابل فهم و دست یافتن باشد می داند.
* ارتباط مداومی بین خانه و مدرسه است به گونه ای که احساس می کند نماز های پنجگانه او از هر دو ناحیه مورد توجه است. با کمک تحسین های پدر و مادر و مدرسه، رغبت او به نماز خواندن بیشتر شده است. در مرحله بعد برنامه هایی بین مدرسه و منزل گذاشته شده است که جدی تر به نماز خواندنش توجه می شود، بگونه ای که در نهایت کاملا خود انگیخته نماز های خود را می خواند. این برنامه ها بگونه ای است که این باور در او احیا شده است که مساله نمازخواندن مساله او و خدای او و پاسخگویی او در آخرت است و به عنوان مساله مدرسه یا خانه به آن نگاه نمی کند. در زمانی که نمی خواهد نماز بخواند به او تحمیل نشده است و رفته رفته انگیزه های درونی او بیشتر شده است.
* احکام نماز جماعت، نماز مسافر، نجاسات و مطهرات و وضو و تیمم را می داند و سعی می کند این مسائل را در رساله های عملیه ببیند.
* مستحبات وضو، نماز و همچنین نمازهای مستحبی را شنیده است و در او رغبتی برای انجام برخی از آنها ایجاد شده است.
* انواع فضیلت های نماز اول وقت را شنیده است.
* جسارتِ افتخار به نمازخواندن در جمع کسانی که نماز نمی خوانند دارد و سعی می کند ارتباطش را با این افراد محدود کند.

***دبیرستان 2:***

* نماز خواندن را مهمترین اعمال دینی خودش می داند. سعی می کند مرتب نماز بخواند. نماز اول وقت برای او یک ارزش شده است. اگر یکبار نماز نخواند نگران می شود و قضای آن را بجا می آورد.
* با برخی ابعاد معنوی نماز آشنا شده است.
* رفته رفته حضور قلب در خواندن نماز برای او یک ارزش می شود و سعی می کند رابطه خودش و خدای خودش را یک رابطه معنادار کند.
* نماز شب و کیفیت آن و فضائل آن را شنیده است. در نظر او کسانی که نماز شب می خوانند افراد ارزشمندی دانسته می شوند.
* برخی دیگر از احکام نماز را از رساله عملیه خوانده است.
* کمابیش به این باور رسیده است که نماز از هرکار دیگری مهم تر است و توانسته است درک کند که «به نماز نگویید کار دارم، به کار بگویید نماز دارم»
* سعی می کند بازهم از معلمان یا بزرگان دینی تایید بگیرد که نمازش را درست می خواند.

1. **کلیه دستورات خداوند را برای خودش و جامعه مفید می داند. عبد است چون می فهمد که خداوند از او در هر لحظه چه می خواهد. در مسیر فهم عاقلانه خواست خداوند از او در هر لحظه از روی منطق عبودیت دارد. برای آنکه خواست خداوند را در کلیه کارها بفهمد روش عاقلانه ای را که خود خدا خواسته که آنگونه باشد انتخاب می کند و عبودیت او بر اساس درک عاقلانه است. اهمیت اطاعت از خداوند را درک می کند و وقتی عاقلانه خواست خداوند را در هر لحظه و هر کار فهمید، کاملا نسبت به آن تابع می شود. برای درک دستور خداوند عاقلانه رفتار می کند و سرسپردگی او کور و بی دلیل و از روی حماقت و تعصب نیست. اطاعت رضایتمند دارد. جاهل متنسک نیست. فقط عابد و صرفا اهل انجام مناسک نیست بلکه عبد فرمانبردار خداوند است.**

***دبستان 1:***

* با دلیل گوش کردن به حرف بزرگتر آشناست.
* خداوند و گوش کردن به حرف او را دوست دارد.
* فهمیده است که فرمانهای الهی مبنای عقلی دارد حتی اگر ما این مبانی را هنوز ندانیم.
* فهمیده است که برخی همچون داعش با اینکه حاضرند به قول خودشان برای خدا جان خود را بدهند و اهل عبادت هستند ولی به علت آن که پیروی عاقلانه نسبت به دین ندارند منحرف شده اند و باعث می شود تا علی رغم زحمتهای زیادی که در راه دین می کشند ولی جهنمی بگردند.
* فهمیده است افراط در عبادت و بی توجهی به سایر وظایف الهی کار مقبولی نیست.

***دبستان 2:***

* با کلمه «عبد» و معنی آن بصورت کلی آشناست. فرق آن را با اطاعت کورکورانه می داند. می تواند برای عبد بودن و اطاعت کورکورانه نمونه هایی را مثال بزند.
* برخی داستانهای مواجهه پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم با جاهلان متنسک را شنیده است. در تاریخ اسلام با ماجراهای خوارج و دینداران قاتل امام حسین (ع) آشنا شده است و می داند سرسپردگی عاقلانه در گرو درسهایی است که امامان ما داده اند.
* خداوند را دوست دارد و این علاقمندی دراو ایجاد شده است که از روی محبت به دستورات خداوند توجه کند.
* می تواند چند مثال بزند که چگونه با این که فردی به امور دینی پایبند است ولی چون تفکر کافی در درستی و نادرستی رفتارهایش نکرده است لذا به انحراف کشیده شده است.
* به اهمیت تفکر عمیق درباره عالم و خداوند و مسیر درست برای زندگی اش اجمالا آگاهی پیدا کرده است.
* می داند چون خداوند ما را دوست داشته، برای رشد ما دستورهایی صادر کرده است.

***دبیرستان 1:***

* مفهوم تکلیف و اطاعت از خداوند را می داند.
* برای پیروی از دستورهای خداوند در جستجوی دلیل منطقی است تا همراه با انگیزه مندی عاطفی پیروی خود را از خداوند داشته باشد.
* کلیه دستورات خداوند را در همه زمینه های مادی و معنوی به نفع خود و جامعه می داند.
* با برخی خرافات دینی و غیر دینی آشنا شده است و فهمیده است چون دلیل لازمی برای پذیرش آنها وجود ندارد نمی توان به آنها باور داشت. از خرافات دینی بیزار است.
* در خصوص اهمیت عاقلانه بودن پیروی از خداوند برای او صحبت شده است. می داند برای درک دستور خداوند نیاز دارد روایات و آیات را با موازین عقلی ارزیابی کند تا بتواند وظیفه الهی خودش را بداند.
* با دو عبارت «جاهل متنسک» و «عالم متهتک» آشنا شده است و از هر دو دسته بیزار شده است و دوست دارد دینداری داشته باشد که مبرای از این دو نوع دینداری باشد.
* از دخالت افراطی عقل در امور دینی نیز پرهیز می کند.

***دبیرستان 2:***

* . اهمیت اطاعت از خداوند را درک می کند. در اغلب امور منفعت خود را در کشف نظر خداوند درباره آن موضوع و پیروی از آن می داند. کلیه دستورات خداوند را برای خودش و جامعه مفید می داند.
* در مسیر کشف و فهم نظر خداوند در موضوعات مختلف سعی می کند عاقلانه و در حد خودش عالمانه برخورد کند.
* دلایل مختلف نقلی، عقلی، عاطفی و... را برای لزوم اطاعت از دستورات خداوند می داند.
* به جهت داشتن دلایل مختلف عقلی و نقلی و عاطفی برای اطاعت از خداوند، این اطاعت در حد سرسپردگی به دستورات خداوند است.
* عبد است چون وقتی عاقلانه خواست خداوند را در هر لحظه و هر کار فهمید، کاملا نسبت به آن تابع می شود.
* برای آنکه خواست خداوند را در کلیه کارها بفهمد روش عاقلانه ای را که خود خدا خواسته که آنگونه باشد انتخاب می کند و عبودیت او بر اساس درک عاقلانه است.
* برای درک دستور خداوند عاقلانه رفتار می کند و سرسپردگی او کور و بی دلیل و از روی حماقت و تعصب نیست.
* جاهل متنسک نیست. فقط عابد و صرفا اهل انجام مناسک نیست بلکه عبد فرمانبردار خداوند است.
* در مقابل خرافه های دینی و غیر دینی موضع می گیرد و نشان می دهد که مخالف اینگونه باورهایی است.
* اشکالات مرید و مرید بازی را می داند و از اینگونه رفتارها دوری می کند. سیر سلوک معنوی را در اطاعت محض از یک جریان فکری و دینی نمی داند.
* حتی بزرگان دین را چون بر مدار حق می بیند قبول دارد و منحرفان را نه به خاطر خودشان که به خاطر باطل بودنشان نفی می کند لذا اگر در آنها رفتار حقی را دید به حق بودن آن رفتار اقرار می کند.

1. **قرآن را صحیح و روان می خواند. معنی اغلب آیات قرآن را که کلمه سخت ندارند می فهمد و با ترجمه نسبی آنها آشناست. معانی حدود 50 آیه از آیات الهی را که در زندگی اش نقش مهمی دارند ، می داند و در اثر استفاده زیاد آنها را حفظ شده است. سعی می کند برنامه های زندگی اش بر اساس منطق و سنت های جاری در قرآن تنظیم کند..**

***دبستان 1:***

* می داند قرآن کریم کتاب آسمانی مسلمانان است که از طرف پروردگار به پیامیر گرامی اسلام نازل شده است. با جایگاه قرآن بطور کلی در زندگی اش آشناست.
* بطور کلی می داند خداوند حرفهایش با بندگانش در رابطه با نحوه درست زندگی کردن را در قرآن فرموده است.
* تعداد سوره ها و اجزاء قرآن را می داند.
* روخوانی سوره حمد و سور نیمه دوم جزء سی ام قرآن را بلد است.
* ترجمه سوره حمد و توحید و قدر را می داند.
* سوره های حمد و توحید و قدر و کوثر و ناس و فلق و نصر را از حفظ است.
* حداقل 30 آیه یا فرازی از آیه که برای او انتخاب شده است حفظ شده است و معنی آنها را می داند.
* در موقعیت هایی قرار گرفته است (توسط خانه و مدرسه) که با قرآن سروکار داشته و مانوس گردد. هر چند وقت یکبار آیاتی از قرآن را به صورت ترتیل یا تحقیق شنیده است.

***دبستان 2:***

* قرآن را کتابی نازل شده از طرف خداوند برای بهترین نوع زندگی می داند، که در آن خداوند مشخص کرده است که از بندگانش در مورد نحوه رفتار در زندگی توقعاتش را گفته است.
* روخوانی سور جزء سی ام را بلد است.
* با آیه الکرسی آشناست، روخوانی آن را بلد است و معنی آن را بطور کلی می داند.
* با نقش برخی آیات قرآن در زندگی روزمره و اثر قرآن بر زندگی یک مسلمان بطور کلی آشناست، در این رابطه داستان هایی را شنیده است.
* سعی کرده است 10 سوره دیگر از جزء سی قرآن را هم حفظ کند.
* حداقل 40 آیه یا فراز از آیات را حفظ کرده است و معنای آنها را می داند. کمی درباره مصداقهای عمل به آنها را شنیده است.
* برخی ترتیل ها را از یک یا چند قاری مشهور شنیده است و سعی کرده است با آنها مخصوصا در ماه مبارک رمضان همخوانی کند.
* برخی قاریان مشهور قرآنی را می شناسد و برخی از تلاوتهای زیبای آنها را شنیده است. به شنیدن تلاوتهای زیبای قرآنی تمایل دارد.

***دبیرستان 1:***

* روخوانی سه جزء آخر قرآن را بطور خاص تمرین کرده است و بطور نسبی بر روخوانی کل قرآن مسلط است.
* می تواند آیات قرآن کریم را ترتیل خوانی کند. با موارد تجویدی در حد رعایت تجوید واجب در نمازهای یومیه آشناست و آنها را در نماز و ترتیل خوانی رعایت می کند.
* سوره های جزء سی ام، آیه الکرسی، آمن الرسول، آیه نور، آیه ولایت (آیه55 سوره مبارکه مائده)، آیه مربوط به غدیرخم و سوره های مبارکه الرحمن، یاسین، واقعه و جمعه را به خوبی می تواند روخوانی کند و برخی از آنها را از حفظ کرده است و محتوای کلی آنها را شنیده است.
* 50 آیه یا فراز از آیات دیگر را بخوبی یاد گرفته است. معنی آنها را می داند و سعی کرده است آنها را از حفظ داشته باشد. با مصداقهای عملی این آیات کمابیش آشناست.
* با برخی از کتابهای تفسیر قرآن آشنا شده است و آنها را تورق کرده است. می تواند تفسیر هر آیه را از آنها نشان دهد و بازنویسی کند.
* سعی می کند در زندگی روزمره و مراودات و تعاملاتش کاربردهای قرآن را کشف کند و اثری از آیات قرآن کریم در زندگی اش ایجاد شود. سعی می کند تا حدودی نسبت خود و برخی کارهایش را با برخی آیات قرآن که بلد است، مشخص کند.
* در ماه مبارک رمضان بخش زیادی از قرآن را خوانده است. و با علاقه برای خواندن قرآن در آن زمان وقت می گذارد. به شنیدن آیات قرآن مخصوصا از جانب قاریان خوش الحان علاقمند است. برنامه هایی برای انس با قرآن دارد. سعی کرده است برخی قرائت های زیبای قرآنی را برای خود جمع آوری کند.

***دبیرستان 2:***

* بر روان خوانی کل قرآن مسلط است و هر صفحه با با کمتر از سه غلط می خواند. ترتیل قرآن را یاد گرفته است.
* حداقل 60 آیه دیگر یا فراز از آیات را حفظ کرده است و معنای آنها را می داند. کمی درباره مصداقهای عمل به آنها را شنیده است.
* چند نوع ترجمه مشهور قرآن را می شناسد و آنها را دیده است. می تواند ترجمه هر آیه قرآن که از او خواسته شود از این ترحمه ها پیدا کرده و بازنویسی کند. سعی می کند معانی برخی از آیات را بداند.
* با نرم افزارهای مشهور تفسیر قرآن و نحوه استفاده از آنها آشناست.
* می تواند تفسیر برخی آیات مهم و متناسب با زندگی اش را از تفاسیر استخراج کند و آنها را فهمیده و بازنویسی نماید.
* با آیات مهم و کاربردی قرآن آشناست. سعی دارد در انجام امور مهم زندگی اش، موضع گیری ها، قضاوتها، تفکرها و... اثر و ردپایی از تاثیر دستورات و مفاهیم قرآن و نظر خداوند، بر آنها دیده شود.
* با کاربردهای قرآن کریم در نحوه کمک به تصمیم گیری های درست در زندگی آشناست. سعی دارد به کمک قرآن کریم نظر خداوند را در بفهمد. و علاقمند است از طریق آیات قرآن به سنت های جاری در جهان هستی که خداوند بر اساس آنها امور عالم را تدبیر می کند، پی ببرد.
* به صورتهای مختلف با قرآن انس دارد و از شنیدن قرآن لذت می برد و سعی می کند ارتباطش را با قرآن مداوم کند.

1. **اعتقاد دارد حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) امام زنده و حاضر هستند و ایشان را آخرین منجی عالم بشریت می داند. خود را از منتظران قیام حضرت می داند. اعتقاد دارد انتظار فرج یکی از بهترین اعمال است. در راه زمینه سازی ظهور حضرت تلاش می کند.**

***دبستان 1:***

* اسامی ائمه معصومین علیهم السلام، بویژه اسم حضرت حجت ارواحنا فداه را می داند.
* با القاب و کنیه های حضرت حجت عج آشناست. معنی "صاحب الزمان"، "حجت"، "مهدی موعود" و سایر القاب حضرت را می داند.
* هرگاه به نحوی اسم حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه بیاید پس از آن «عجل الله تعالی فرجه» می گوید.
* ویژگی های کلی حضرت اعم از زنده بودن، عمر طولانی، غایب از نظرها بودن، ناظر بودن حضرت به اعمال ما را می داند.
* حضرت مهدی ارواحنا فداه را دوست دارد. داستان های زیبایی درباره زندگی حضرت و کمک های ایشان به مردم بلد است.

***دبستان 2:***

* می داند خداوند اراده کرده است، یک منجی برای نجات نهایی بشریت ظهور کند، که در کلیه مذاهب و ادیان به این امر تصریح شده است. حضرت را امام زنده ای می داند که ان شاءالله ظهور خواهند و زمین را ازظلم و جور نجات می دهند. حضرت را منجی همه مردم کره زمین می داند.
* برخی آیات و روایات که ناظر به ظهور ایشان به عنوان مهدی موعود است شنیده است.
* اعتقاد دارد خداوند ازطریق پیامبر اعظم ص حضرت حجت عج را که نهمین فرزند از نسل حضرت حسین علیه السلام هستند را به بشریت معرفی فرموده و مژده آمدنش را داده است.
* با دلایلی در مورد طولانی بودن عمر شریف حضرت آشناست.
* مطالبی پیرامون غیبت و نحوه آن را شنیده است.
* با ماجرای ازدواج حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و تولد حضرت حجت عج آشناست.
* دعای فرج و همچنین دعای سلامتی حضرت را می داند. برای ظهور حضرت دعا می کند.

***دبیرستان 1:***

* با تاریخ زندگی حضرت مهدی عج و همچنین دلایل غیبت آشناست.
* مطالبی را درباره وقایع ظهور، علائم و نحوه آن و همچنین شرایط دنیا و مردم پس ازظهور حضرت را می داند.
* علاقمند است در دوره ظهور و همچنین در دوره غیبت خود را سرباز حضرت بداند و در این راستا تلاش هایی بکند.
* داستان هایی از تشرف افراد به حضور حضرت را شنیده است. در دلش شوق ملاقات با حضرت را دارد. سعی می کند در حد توان همه جا به یاد امامش باشد و هیات ها و دعاها و نمازهایش برای سلامتی و ظهور حضرت دعا می کند. به حضرت خیلی علاقمند است و ارادت و محبت خود را به حضرت ابراز می دارد.
* با دعای عهد و معانی آن آشناست و سعی می کند سحرگاهان آنرا بخواند.

***دبیرستان 2:***

* درباره شرایط ظهور و تمهیدات آن مطالب زیادی را می داند.
* سربازی حضرت، حتی در دوره غیبت را افتخار خود می داند و به همین دلیل برای زمینه سازی ظهور حضرت فکر می کند و فعالیت هایی را در آن راستا انجام می دهد. همیشه سعی می کند بین فعالیت های خود و زمینه سازی حقیقی برای ظهور حضرت عج ارتباطی برقرار کند.
* مفهوم انتظار و ویژگی های منتظران حضرت را می داند. انتظار فرج را صرفا خواسته قلبی نمی داند و آن را یک "عمل"، بلکه افضل "اعمال" می داند، لذا در این راستا فعالیت هایی را برای خود در نظر گرفته و انجام می دهد.
* رابطه انقلاب اسلامی ایران و ظهور حضرت حجت ارواحنا فداه را می داند. انقلاب را یکی از زمینه سازهای ظهور می داند.
* شوق دیدار با حضرت و همچنین ظهور حضرت را در دلش دارد. با دعای ندبه آشناست و معنای آن را اجمالا می داند. گاهی اوقات در مراسم دعای ندبه شرکت می کند یا آن را خودش می خواند.

1. **در موقعیت های مختلف سعی می کند دعا و تضرع به درگاه خداوند داشته باشد. سعی دارد در عبادت خشوع داشته باشد. خواندن نماز شب را کار مستحبی با توفیق بالایی می داند. در حد توان اهل نوافل است.**

***دبستان 1:***

* دعا کردن و برخی صورتهای آن را در مدرسه یاد گرفته است.
* توقع استجابت فوری دعاهایش را ندارد.
* در خلوت خودش، رازونیاز کردن با خدا را آموخته است و برخی مواقع آن را انجام می دهد.
* با برخی دعاهای ارزشمند مثل دعا برای پدر و مادر و سلامتی خانواده و عاقبت به خیر شدن آشنا شده است و آنها را از دعاهای پایین تر بهتر می داند.
* سعی می کند در نماز و دعا آرامش داشته باشد.
* می داند برخی نمازها واجب و برخی مستحب هستند.

***دبستان 2:***

* دعاکردن را در برنامه های روزانه اش قرارداده است و مربیانش موقعیتهای مختلفی را برای آن بوجود آورده اند.
* با برخی ادعیه ماثوره کوتاه آشناست و بیشتر دوست دارد همانگونه دعا کند که معصومین به ما آموخته اند.
* علت عدم استجابت تمامی دعاهایمان را فهمیده است و لذا از عدم استجابت فوری دعاهایش اندوهگین نمی شود.
* با برخی دعاهای ارزشمند دیگر مثل دعا برای سرنوشت اسلام و مسلمین ویا آمرزش مرحومان و یا آمرزش گناهان و یا درخواست افزوده شدن به علم و معرفت و ایمان و یا رضای خداوند و آبرو داشتن نزد معصومین آشنا شده است.
* برخی نمازهای مستحبی را می شناسد و در مواردی هم آنها را خوانده است.

***دبیرستان 1:***

* نام بسیاری از دعاهای مهم مثل کمیل، فرج، تعقیبات نمازها، ندبه، افتتاح، ابوحمزه ثمالی و مناجات شعبانیه را شنیده است و کما بیش می داند کجا می تواند به آنها دسترسی پیدا کند.
* برای او خواندن دعاهای رسیده از جانب معصومین بیشتر اهمیت دارد.
* چندین دعای قرآنی را از حفظ دارد و بر اساس آن فهمیده است که چه دعاهایی ارزنده تر هستند.
* مطالب بیشتری درباره دلایل استجابت یا عدم استجابت دعاها فهمیده است.
* دعا در اماکن متبرکه را برای خود غنیمت می شمارد.
* می داند نافله های نمازهای واجب چند رکعت هستند و چگونه باید خوانده شوند.
* با نحوه خواندن نماز شب آشناست و داستانهایی درباره بزرگانی که به این نماز اهمیت می دادند شنیده است.
* برخی نمازهای مستحب در ایام سال مخصوصا در رمضان را شنیده است و آنها را از مفاتیح الجنان می تواند پیدا کند.

***دبیرستان 2:***

* با فلسفه دعا کمابیش آشناشده است.
* برخی دعاهای مهم را حداقل یکبار خوانده است. کم کم لذت دعا کردن با خداوند را چشیده است.
* با فضیلتهای بیشتری از خواندن نماز شب آشنا شده است و سعی کرده است مواردی هم نماز شب را بخواند.
* فهمیده است که برای تمامی کارهایش باید از خداوند کمک بطلبد.
* دعاکردن را در جهت فعالیت بیشتر می داند و نه تنبلی.

**د- هدفمند و ارزش مدار و تعالی جو**

1. **مشاهیر و معاریف بزرگ مذهبی و ملی را می شناسد و دلیل اهمیت و بزرگی آنها را در تاریخ ملی و دینی می داند. برای او رسیدن به نقاط قوت آنها و دلیل بزرگی شان اهمیت دارد و ارزشمند است..**

***دبستان 1:***

* اسامی چند شاعر، دانشمند متفکر ایرانی را شنیده است.

***دبستان 2:***

* چند دانشمند ایرانی تاریخی دیگر را می شناسد و برخی وقایع زندگی آنها یا آثارشان را می داند.
* چند شاعر فارسی زبان و اسامی دیوانهای مشهورشان را می داند و از هریک چند شعر فقط شنیده است.
* نام چند قهرمان ملی را شنیده است و علت قهرمان بودن آنها را به اجمال می داند.

***دبیرستان 1:***

* سعی کرده است اسامی دانشمندان مهم ایرانی در تاریخ ایران و معاصر را جمع آوری کرده و تاریخ تولد و وفات آنها را از انواع منابع اطلاعاتی استخراج کند.
* در جدولی نام دانشمندان را بر حسب تاریخ تولدشان به ترتیب نوشته است و در آن جدول کتابهای مشهورشان را نیز آورده است. به وجود آنها در تاریخ کشور افتخار می کند و علیت بزرگی آنها را می داند.
* نمودار تاریخ زندگانی دانشمندان را ترسیم کرده است و نسبت میان آنها را از حیث تقدم و تاخر و میزان عمرشان، از نمودار، تجزیه و تحلیل کرده است.
* همانند اقدامات فوق برای شاعران و ادبای مشهور، استخراج اسامی، تهیه جدول تولد و وفات، اثر ادبی شان و نهایت نمودارهای آن را انجام داده است. اهمیت هریک از شاعران و کارهای بزرگی که برای ادبیان کشور انجام داده اند را شنیده است.
* برای قهرمانان ملی و مذهبی نیز عین اقدامات فوق را انجام داده است. از همه آنها با عظمت یاد می کند و دوست دارد یکی از قهرمانان ملی باشد.
* تاریخ ابتدا و انتهای سلطنت پادشاهان ایران را در جدولی تنظیم کرده است و نمودار تاریخی آن را کشیده است. سپس با تلفیق جدول حکومت پادشاهان و قهرمانان و شعرا و دانشمندان نسبت بین تمامی آنها را از روی نمودار بیان می کند.

***دبیرستان 2:***

* می تواند درباره دانشمندان و شعرا و نویسندگان و قهرمانان ملی و مذهبی مطالبی را بیان کند و برای دیگران تجزیه و تحلیلی از آنها داشته باشد. در سخنانش از آنها به عظمت و نیکی یاد می کند و به وجود آنها افتخار می کند.
* دانشمندان علوم تجربی و ریاضی و پایه گذاران برخی تکنولوژی های مهم را در تاریخ ایران و جهان به همراه کارهای بزرگی که انجام داده اند می شناسد. تاریخ زندگی آنها را در جدولی تنظیم کرده است و سپس نمودار آنها را ترسیم نموده است. می تواند نسبت دانشمندان ایرانی و غربی را از روی نمودار تجزیه و تحلیل کند.
* جدول و نموداری که در دوره دبیرستان یک درباره شاعران، نویسندگان، دانشمندان و قهرمانان درست کرده است درباره مهمترین این دسته افراد در 100 سال اخیر بطور مجزا تنظیم کرده و می تواند از روی نمودار نسبت بین آنها را تجزیه و تحلیل کند. برای این منظور نیازی به حفظ کردن تاریخ ها و یا کتابها و غیره نیست بلکه بتواند بخوبی آنها را از روی اطلاعات تجزیه و تحلیل کند. علت بزرگی هریک را می داند و تاثیر آنها را بر ایران شناخته است. خود نیز علاقمند است فردی تاثیر گذار در تاریخ کشور باشد.

1. **برای زندگی خود هدف اجمالی برخاسته از ارزشها دارد و برنامه و طرح دارد. در اهداف و امور کوتاه مدت و بلند مدت زندگی اش اهل اولویت بندی است و سبک زندگی اسلامی را می داند.**

***دبستان 1:***

* در هنگام آگاهی درباره معاد و آخرت، اهمیت ترجیح عمل برای آخرت در مقابل زندگی دنیا را شنیده است.
* می تواند برخی اهداف میان مدت را برای خود ترسیم کند و درباره آنها بیندیشد.
* سبک زندگی غربی بطور اجمال برای او مورد پسند نیست.

***دبستان 2:***

* می تواند اهداف میان مدتی را (مثل برنامه ای که برای دوران دبیرستان یک در نظر دارد، یا اجمالا شغل مورد نظرش برای آینده) برای خود انتخاب کند و درباره آنها مختصرا بحث کند.
* با هدف رضایت خداوند کمابیش حتی به صورت شعاری آشناست.
* داستانهایی درباره کسانی که اهداف معنوی بالایی داشته اند و آن را بر زندگی دنیایی شان ترجیح داده اند شنیده است.
* چندین داستان دلنشین از زندگی شهدا را که بطور ضمنی اهداف بلند آنها مطرح شده است خوانده یا شنیده است.
* گفتار ساده شده از قرآن و معصومان که بگونه ای اهداف دنیوی کم ارزش و اهداف اخروی با ارزش نشان داده شده است شنیده است.
* داستانهایی از جوامع دیگر که افراد در آنها ارزشهای اخلاقی را بر ارزشهای مادی ترجیح داده اند خوانده یا شنیده است.
* می تواند سبک زندگی غربی را بطور اجمال نقد کند و مزیت سبک زندگی اسلامی را در برخی ابعاد نشان دهد.

***دبیرستان 1:***

* درباره رشته و شغلی که در نظر دارد بحث کرده است و می تواند علت انتخاب شغل خود را بیان کند. سپس این علت ها را در گفتگوی بین دانش آموزان و معلمان مورد ارزیابی قرار داده است.
* درباره اهمیت هدف «خدمت به مردم» چه از لحاظ منطقی و چه از نظر دینی فکر کرده است و مطالبی شنیده است.
* فرصتهایی برای او فراهم شده است که درباره هدف نهایی زندگی فکر کند گرچه به جواب نرسد.
* داستانهای متعدد دیگر درباره کسانی که اهداف بالایی را نسبت به سایر اهداف ترجیح داده اند مثل بزرگان دین، دانشمندان، شهدا و نیک نامان شنیده یا خوانده است.
* فهمیده است که می تواند ضمن داشتن زندگی آسوده می توان به اهداف بالاتری هم رسید و ضمن تلاش برای داشتن یک زندگی با رفاه نسبی، آخرت اندیشی را هدف اصلی خود قرار دهد.
* از افرادی که هدفهای پست مثل پول، شهرت کاذب (سلبریتی ها)، مقام، خوشگذرانی، زیبایی و مد را تنها هدف خودشان کرده اند بیزار شده است.
* می تواند بین زندگی در جوامعی که رفاه ظاهری بسیار خوبی دارند (مثل امارات) و زندگی در جامعه اسلامی که در آن عزت ملت، زندگی در راه خداوند، دلسوزی های اجتماعی برای یکدیگر، آخرت اندیشی، زندگی سرشار از معنویت و ارتباط با خداوند، حیات طیبه، عدم تمکین درمقابل ستمگران و دنیا دوستان، نوکری نکردن برای مستکبران مهم است ارزیابی کرده و با فکر در این باره دومی را انتخاب کرده است و افتخار به این زندگی را نشان داده است.
* با اولویت اهداف بلند مدت نسبت به اهداف میان مدت و اهداف میان مدت نسبت به اهداف کوتاه مدت آشناشده است. می داند درس خواندن خود یک نوع انتخاب اهداف بلند مدت به اهداف کوتاه مدت است و می تواند ارزش این انتخاب را بیان کند.
* از نوجوانانی که تمامی تلاششان خوشگذرانی و بازی و شهرت و پیروی از لذت جویان است بیزار است و آنها را به چشم حقارت نگاه می کند و در جمع هایی که آنها قرار دارند از انتخاب خود خجالت نمی کشد.
* ابعادی از سبک زندگی اسلامی را که متفاوت از زندگی غربی در اغلب جوامع است می شناسد و می تواند درباره آن توضیح دهد.

***دبیرستان 2:***

* در دوران دبیرستان2 ، بجای بحث درباره زندگی خوب، جهت گیری خود را به سمت خوب ترین نوع زندگی کرده است. (ترجیح دادن السابقون نسبت به اصحاب الیمین)
* آرمان گرایی را که متناسب با روحیه خطر پذیری جوانان است در خود تقویت کرده است.
* درباره هدفهای اخروی بیشتر شنیده است. آیات و روایات بیشتری درباره ترجیح آخرت به دنیا خوانده یا شنیده است.
* داستانهای واقعی از قهرمانان بزرگ شنیده است و برای او قهرمان بودن اهمیت پیدا کرده است.
* قهرمانی در ورزش، سینما، داشتن فالوور، زندگی لاکچری، موسیقی، چهره رسانه ای شدن در نظر او یک به یک کم ارزش شده است و بجای آن قهرمانی در شجاعت، کمک به مردم، ایثار، جنگاوری در مقابل دشمن، دفاع از میهن و اسلام، تاثیر گذار اجتماعی بودن (برای کارهای صالح)، مخصوصا دانشمند بودن برای او یک به یک ارزشمند تر می گردد.
* برای برخی که درجات فکری بالاتری دارند برترین هدف «محبوب ترین افراد نزد خداوند بودن» و یار امام زمان (علیه السلام) بودن شناخته شده است و در این راه خود را نسبت به بقیه در مسابقه ای مداوم نسبت به دیگران می داند که از بازماندن از این هدف احساس اندوه کند و توفیقاتش برای او اشتیاق بیشتر ایجاد کند.
* وقایعی از بزرگان علم و دین درباره تلاش مداوم آنها برای رفتن به سمت برترین اهداف شنیده است.
* آیات و روایات متعدد دیگری درباره اهداف الهی شنیده است.
* می تواند برخی شاخصه های سبک زندگی اسلامی را بیان کند.

1. **با روش های مراقبه و محاسبه نفس، خود کنترلی انجام می دهد. از گناه و زمینه های لغزش و گناه دوری می کند. افکار و اعمال ناپسند را در شان خود نمی داند.**

***دبستان 1:***

* با مفهوم تمایلات و دوست داشتنی ها در زندگی آشناست.
* با شنیدن «نه» در برابر درخواست ها و تمایلاتش ازطرف خانواده و مربیان مدرسه آشناست.
* می داند همیشه همه امور بر اساس خواست و میل شخصی اش نمی تواند پیش برود.
* پدر و مادر شرایطی تمرینی را برای او بوجود آورده اند که بتواند مخالف تمایلات نفسانی اش رفتار کند.

***دبستان 2:***

* می داند در زندگی روزمره سختی ها و تلخی هایی رخ می دهد و باید تحمل کند. اگر در انجام کار یا بازی زمین بخورد و دردش بگیرد، شنیده است که این درد و تلخی جزئی از زندگی است، و اگر تحمل کند رفع می شود. در این رابطه داستان هایی شنیده است و الگوهایی را می شناسد.
* گاهی اوقات تمرین هایی به او داده شده است که به مدت مشخصی برخی خواسته های مشروع خود را کنترل کرده و سپس آنها را انجام دهد. مثلا در یک زمان مشخصی اصلا حرف نزند یا در زمانی مشخص از هرگونه خوردن و آشامیدن خودداری کند. او فهمیده است که اینگونه کارها را برای رسیدن به فضیلت تقوی انجام می دهد و لذا از اینگونه تمرینها راضی است.
* تا حدودی با فلسفه روزه که تمرین نه گفتن به برخی تمایلات حلال می باشد، آشناست. در ایام ماه مبارک برخی روزها روزه کامل یا یا نیمه (معروف به کله گنجشکی) می گیرد
* تا حدودی در صحبت هایش دقت دارد که حرف زشت نزند و مراقب صحبت کردنش است.
* از اینکه مرتکب کار بد شود خجالت می کشد. کسانی را که رفتارهای نامناسب دارند تقبیح می کند.

***دبیرستان 1:***

* تا حدودی با تمایلات نفسانی حرام آشناست. می داند که برخی از آنها لذت های زودگذر دارند ولی عاقبت نامطلوبی به دنبال می آورند و در این زمینه با مثالهایی مثل اعتیاد آشنا شده است.سعی می کند در هنگام گرسنگی از خوراکی هایی که در دسترسش می باشد و نمی داند دقیقا برای چه کسی است، پرهیز کند.
* مراقب نگاه حرام در فضای حقیقی و مجازی، گناهان زبان و خطورات فکری خویش است.
* مفهوم تقوی و رعایت حلال و حرام الهی در برخورد با تمایلات خویش را می داند. در شان خود نمی بیند که به عنوان بنده و محب خداوند مرتکب اعمال و افکار ناپسند شود.
* در رابطه مراقبت از چشم و دست و پا و زبان و فکر داستان هایی شنیده است.

***دبیرستان 2:***

* با مفهوم هوی نفس و مبارزه با آن آشناست. برخی آیات و روایات در این زمینه را می داند، در این رابطه داستان هایی را شنیده است.
* در زندگی روزانه اهل محاسبه ودقت و توجه کلی در اعمالش می باشد، مراقب است حرام الهی از دستش در نرود. در مراقبت از چشم و دست و زبان و فکر و موضع گیری هایش کوشاست.
* با مفهوم لذت حقیقی آشناست، در شان خود نمی بیند هر نوع لذت جویی را امتحان کند.
* در خلوت و تنهایی به چشم همیشه ناظر خداوند متعال و شاهدان و گواهان روز جزا که اعمال روزانه را رصد می کنند، توجه دارد.

1. **به دلیل اعتقاد به توکل به خداوند در انجام امور، در مواجهه با موانع و مشکلات هیچوقت به آنها به عنوان بن بست نگاه نمی کند و احساس درماندگی نمی کند و با بردباری به دنبال روش حل مساله اش می گردد. با یاری خواستن از خداوند و استعانت از صبر و نماز مشکل را حل می کند. در زندگی اش جز خدا از چیزی و کسی نمی ترسد. توسل به اهل بیت علیهم السلام را در مسیر توکل به خدا می داند.**

***دبستان 1:***

* بطور کلی و اجمالی با مفهوم صبر آشناست.
* مربیانش الگوی خوبی برای او در صبر کردن بوده اند.
* مربیانش کمک خواستن از خداوند را به او متذکر شده اند.
* در تمامی امور زندگی مخصوصا سختی ها سعی می کند از خداوند کمک بخواهد.
* داستان هایی درباره اهمیت بردباری و صبر در بروز مشکلات و امور زندگی شنیده است.

***دبستان 2:***

* معنای کمک خواستن از خداوند را می داند و فهمیده است هرگونه کمک خواستن از خداوند به معنای اجابت فوری نیست و برخی مواقع نیز اجابت آن ناممکن است و یا متضاد با درخواست دیگر و یا به ضرر اوست. به هرحال در صورت وجود موانع، اجابت اخروی حتما وجود خواهد داشت.
* در حلقه های گفتگو درباره صبر و کمک خواستن از خداوند با دوستانش بحث کرده است و درباره شرایط آن اندیشیده است. علت
* علل عدم استجابت دعا در برخی مواقع را فهمیده است و توقعاتش را در این زمینه درست تنظیم می نماید. کمابیش معنای توکل به خداوند را فهمیده است.
* با جایگاه صبر و بردباری در جریان مسائل زندگی و اهمیت آن در رستگاری اخروی آشناست.
* داستان هایی درباره توسل مردم به اهل بیت علیهم السلام، و کمک ایشان به مردم شنیده است.

***دبیرستان 1:***

* با معنا و مفهوم صبر و توکل و توسل از منظر مفاهیم دینی آشناست.
* برخی از آیات اصلی را که درباره اهمیت صبر و توکل و یاری خواستن از خداوند است می داند.
* در حلقه های گفتگو و بحث های کلاسی با مربیانش معنای عمیق توکل را بگونه ای فهمیده است که نه از آن تنبلی و بی تلاشی را نتیجه گرفته است و نه دل نگرانی درباره نتایج فعالیتهایش را پیدا کند.
* با مفهوم خداترسی و نترسیدن از هیچ کس جز خدا با تکیه بر توکل و توسل آشناست.
* در موضوع توکل و توسل الگوهای خوبی را می شناسد.

***دبیرستان 2:***

* جایگاه و دلایل عقلی و نقلی کمک گرفتن از صبر و نماز، در بروز مشکلات را می داند. نه تنها صبور بودن بلکه توصیه به صبر را از وظایف خود و از عوامل ثمربخشی در آخرت می داند.
* با آیات و روایات مربوط به توکل،توسل و صبر آشناست.
* ارتباط بین توکل به خدا پس از نهایت سعی و کوشش و به بن بست نرسیدن در تلاشهایش را می داند.
* الگوهایی از صبر، توکل، خداترسی و اطمینان ناشی از آن در زندگی را شناخته است.
* در مفهوم نترسیدن از هیچ کس جز خدا، الگوها و مصادیق خوبی را می شناسد.

1. **برای خود ارزش های متعالی دارد و از بسیاری از ضد ارزش ها بیزار است. و برای خود نظامی از ارزش ها و ضد ارزش ها تعیین کرده است.**

***دبستان 1:***

* برخی ارزشهای پسندیده را می شناسد و برخی ضد ارزشها را شنیده است.

***دبستان 2:***

* می تواند چندین مورد از ارزشهای والا را برشمارد و ضد ارزشهای مقابل آن را توضیح دهد.

***دبیرستان 1:***

* می تواند ارزشهای والا را از ارزشهای کمتر مهم تشخیص دهد و سلسله مراتبی از ارزشها و ضد ارزشها را کمابیش نشان دهد.
* با نظام ارزشها که متشکل از مجموعه ارزشهای یک فرد در یک ساختار است آشناست.

***دبیرستان 2:***

* می تواند با ارزشیابی گفتار و کردار و رفتار و افکار برخی افراد جامعه نشان دهد که کدامیک از نظام ارزشی متعالی تری برخوردار هستند.
* اگر از او بخواهند می تواند نشان دهد برترین نظام ارزشی که برای خود انتخاب کرده است چیست.

**ه- متخلق به اخلاق حسنه**

1. **نسبت به حق الناس و کلیه حقوق فراتر از حقوق مالی، اعم از حقوق عرضی و آبرویی، وقتی، اعتقادی و..... حساسیت بالایی دارد و به عدم تضییع آن اهمیت می دهد.**

***دبستان 1:***

* معنی لفظی و مفهومی "آبرو" ، "ارزش وقت خود و دیگران" را می داند.
* داستان هایی در مورد عدم تضییع وقت و آبروی دیگران شنیده است.

***دبستان 2:***

* معنای حق الناس را فقط منحصر در اموال و مسائل مادی نمی داند.
* در حلقه های دوستان و مربیان در مورد حق الناس و شقوق مختلف آن صحبت کرده است.
* معلمین الگوهای خوبی برای ایشان در رعایت حقوق دیگران در زمینه های مختلف وقتی، آبرویی و شخصیتی، اعتقادی و.... است.

***دبیرستان 1:***

* با احکام شرعی و آداب عرفی مربوط به عدم تضییع وقت و آبرو و سایر حقوق اطرافیان و مردم و جامعه آشناست.
* برای رعایت حق الناس در همه زمینه ها انگیزه و عزم راسخ و بالایی دارد.

***دبیرستان 2:***

* با برخی دلایل عقلی و نقلی رعایت حق الناس در زمینه مسائل مالی، عرضی، اعتقادی و ... آشناست.
* مراقب است با فعالیت هایش وقت و ذهن مردم بی دلیل درگیر نشود. با حقوق عامه آشناست. عزم راسخی دارد تا رعایت حقوق عامه را در فعالیت های اجتماعی اش انجام شود.

1. **پایبند به حیا و عفت در تمامی رفتارهایش است و اهل اباحه گری نیست. از نگاهش مراقبت می کند.**

***دبستان 1:***

* لفظ حیا و محرم ونامحرم را شنیده است و بطور اجمالی معنی کلی آنها را می داند.
* آداب بهداشتی و رفتاری و اجتماعی دستشوئی رفتن را می داند.
* نقاط خصوصی بدنش را می شناسد و آنها را به کسی نشان نمی دهد و اعضای خصوصی دیگران را نمی بیند، چون می داند خداوند این کار را دوست ندارد. این کار به عنوان باحیا بودن می شناسد.

***دبستان 2:***

* اغلب مصادیق حیا وعفت را هم از باب عفت و هم باب شرع مقدس می شناسد.
* غیرت نسبت به محارم را در رابطه با حیا می فهمد.
* می داند چه کسانی محرم او هستند و محرم بودن به چه معنایی است.
* احکام نگاه کردن را بلد است. نگاه به تصاویر حرام را زشت و حرام می داند و نسبت به آن بسیار خویشتندار است.
* اگر کسی از موارد بی حیایی و بی عفتی نزد او سخن بگوید یا اینگونه موارد را به او نشان دهد نه تنها اورا نهی از منکر می کند بلکه واکنش جدی نسبت به آن موارد دارد.
* داستانهایی درباره افرادی که عفت به خرج داده اند (همچون حضرت یوسف علیه السلام) و ارزش کار آنها شنیده است.
* با حیای کلام آشناست و دارای عفت کلامی است.

***دبیرستان 1:***

* مصادیق حیا را در کلام و بیان مسائل جنسی هنگام صحبت با دیگران می داند.
* برخی آیات و روایات را درباره لزوم رعایت عفت شنیده است.
* بی حیائی و بی عفتی برخی افراد جامعه مخصوصا آنچه که در غرب رواج دارد نه تنها مذمت می کند بلکه نشان می دهد که از اینگونه رفتارها بیزار است. می تواند مواردی از رعایت حیا و عفت را نشان داده و آنها را تحسین کند.
* عفت چشم و عفت نگاه کردن مخصوصا به تصاویر جنسی را می شناسد و نسبت به رعایت آن جدی است.
* در هنگامی که رفتاری از او سرزند که احتمال داشته باشد در آن حیا و عفت رعایت نشده باشد ناراحت می شود و پس از آن پشیمان می شود و از خداوند مغفرت می طلبد.
* عواقب اخروی بی توجهی به حیا و عفترا می تواند برای دیگران بازگو کند.
* یکی از مهمترین دلایل رعایت حیا و عفت را لزوم اطاعت از خداوند می داند.

***دبیرستان 2:***

* مفهوم حیا در نزد پروردگار در انجام واجبات و مستحبات و ترک محرمات و مکروهات را می داند.
* انواع مجازات های اسلامی را درباره انحرافهای جنسی می داند.
* از هرگونه رفتاری که در آن شائبه انحراف اخلاقی باشد دوری می کند و اهمیت پرهیز از شبهات در این زمینه را فهمیده است.
* احکام نگاه کردن را می داند و در مواجهه با نامحرم نه تنها چشم خود را می پوشاند بلکه سعی می کند با بیشترین حجب و حیا صحبت کند و از خندیدن با او پرهیز می کند.
* محرم های نسبی و سببی را می شناسد و نحوه محرم بودن آنها را می داند.

داستانهای بیشتری را درباره جوانانی که علی رغم درگیر شدن در فضای بدور از عفاف، سعی نموده اند عفت خود را حفظ کنندو تمجید از اینگونه رفتارها را شنیده اند.

1. **در نوع پوشش و وضعیت ظاهری به عرف متدینین عمل می کند و از استفاده از لباس شهرت پرهیز می کند.**

***دبستان 1:***

* مفهوم کلی داشتن الگوی خوب و بد را می فهمد.
* در رابطه با پوشش مناسب داستان هایی را شنیده است و الگوهایی را می شناسد.
* خانواده اش سعی کرده اند او را از پوشیدن لباسهای نامتناسب با فرهنگ ایرانی اسلامی بدور بدارند.

***دبستان 2:***

* نسبت پوشش مناسب و حیا را می داند. پوشش نامناسب را نوعی بی حیایی می داند.
* پوشش مناسب مردان و زنان را در موقعیت های مختلف می شناسد.
* برخی الگوهای نامناسب پوشش بد را می شناسد و نسبت به آنها واکنش مذمت کردن دارد.
* نظر دین در مورد پوشش مناسب و نامناسب را بطور کلی می داند. دوست دارد طوری لباس بپوشد که مردمان متدین می پسندند.
* نسبت به تمیزی و زیبایی پوشش خود توجه دارد.

***دبیرستان 1:***

* با احکام مربوط پوشش آشناست.
* الگوهایی در زمینه پوشش مناسب را می شناسد.
* با برخی مضرات پوشش نامناسب آشناست و می تواند از پوشش مناسب دفاع کرده و اشکالات پوشش نامناسب را بیان کند..
* با عرف متدینین بطور کلی آشناست. عرف متدینین در موضوع پوشش را می شناسد.
* همواره از پوشش تمیز، زیبا ولی ساده استفاده می کند.

***دبیرستان 2:***

* با برخی دلایل عقلی و نقلی استفاده از پوشش مناسب و عدم استفاده از پوشش نامناسب آشناست.
* احکام مربوط به پوشش و لباس شهرت و برخی مصادیق لباس شهرت را می داند.
* فرق بین لباس شهرت یا بر طبق مد را با لباس زیبا و ساده که حیا و عفت در آن رعایت شده باشد می داند و این دو را باهم خلط نمی کند. در پوشیدن لباس شلختگی ندارد.

1. **هر کاری را به عهده بگیرد متعهدانه و دلسوزانه آن را انجام می دهد و آدم با وجدان و با انصافی است. به عدالت و انصاف شهره دارد.**

***دبستان 1:***

* داستان هایی از مسئولیت پذیری و دلسوزی در انجام کار را شنیده است.
* در مدرسه مسئولیتهای هرچند کوچک به او داده شده است.

***دبستان 2:***

* با الفاظ "تعهد"، "دلسوزی"، "عدالت" و"انصاف" و معنا و مفهوم اجمالی آنها آشناست. مدرسه این مفاهیم را برای او توضیح داده است.
* در حلقه های تفکر درباره این مفاهیم با سایر دوستانش صحبت کرده است و رک بهتری نسبت به آن پیدا کرده است.
* داستان هایی درباره آدم های متعهد و با انصاف شنیده است و دوست دارد در کارهایش مثل یکی از آنها باشد. در این رابطه نام چند الگو را بلد است.
* در انجام کارهای درسی و غیر درسی سعی می کند کارهایش را متعهدانه و دلسوزانه انجام دهد.
* سعی می کند در برخورد با دوستانش با عدالت و انصاف برخورد کند، در این زمینه داستان هایی شنیده است.

***دبیرستان 1:***

* داستانهایی اززندگی رهبران و الگوهای الهی درباره انجام متعهدانه کار ورعایت عدالت و انصاف شنیده است.
* مفهوم عدالت را به همراه برخی آیات وروایات آن می داند.
* تعهد و مسئولیت پذیری را در معلمهایش بخوبی دیده است و در این زمینه آنها را الگوی خود قرار داده است.
* در حلقه های گفتگو مواردی را که در مدرسه خلاف عدالت و مسئولیت پذیری است بررسی و تجزیه و تحلیل کرده است.

***دبیرستان 2:***

* با مفهوم عدالت و انصاف و دلایل عقلی و نقلی آن و برخی مصادیق و شئونات آن آشناست.
* با مفهوم کار متعهدانه ودلیل آن و همچنین شرینی آن آشناست.
* فهمیده است که مسئولیت پذیری یکی از لوازم ضروری موفقیت در آینده است لذا سعی می کند برنامه ای تمرینی در این زمینه در مدرسه داشته باشد و مدرسه نیز برای این منظور با برنامه هایش کمک کرده است.
* خانواده او به علل واهی همچون درس، از دادن مسئولیت به او کوتاهی نکرده اند، بگونه ای که پس از دبیرستان بتواند بسیاری از کارهای خودش را در جمع های گوناگون، خودش (با مشورت با دیگران) انجام دهد.
* از سربارِ دیگران شدن بیزار است.
* نسبت به اجرای عدالت در موضوعات مختلف در پیرامون خود و همچنین سطح کلان جامعه و کشورسعی می کند حساس باشد و در این راستا در صورت نیاز امر به معروف و نهی ازمنکر و همچنین کارهای عملی انجام می دهد.
* در برخوردها و تعاملات اجتماعی سعی میکند اهل رعایت عدالت و انصاف باشد.
* در مدرسه برنامه های درسی او بگونه ای تنظیم شده است که خود اتکائی را تمرین کرده باشد.

1. **از عیب جویی و غیبت دیگران و نیش و کنایه زدن و مسخره کردن آنها پرهیز می کند. به شدت از تهمت زدن به دیگران دوری می کند. اسرار دیگران را افشا نمی کند.**

***دبستان 1:***

* می داند برخی حرفها بد هستند و نباید گفته شود، مفهوم حرف زشت وبد را می داند و انجام نمی دهد.
* بطور اجمال با مفهوم عیب جویی و غیبت و مسخره کردن و تهمت زدن آشناست و داستان هایی در مذمت این موضوعات شنیده است. می داند خداوند عیب جویی و غیبت و مسخره کردن و تهمت زدن را دوست ندارد.

***دبستان 2:***

* در حلقه های گفتگو با سایر همکلاسی هایش درباره عیب جویی و غیبت و مسخره کردن و تهمت زدن بحث کرده است و معلم ضمن داستانهایی که برای آنها گفته است این بحث را جذاب نموده است. در این رابطه داستان هایی شنیده است و آنها را گناه می داند.
* بطور کلی می داند چه مواردی جزء اسرار مردم است و می داند نباید آنها را فاش کند. افشای اسرار مردم را گناه می داند.

***دبیرستان 1:***

* آیاتی که در قرآن در مذمت این صفات ناپسند آمده است بلد است و می تواند آنها را بکار برد.
* مده است بلد است و می تواند آنها را بکار برد.با برخی دلایل عقلی و نقلی دوری از عیب جویی و غیبت و مسخره کردن و تهمت زدن آشناست. آنها را ازنظرشرعی گناه می داند و تا حدودی احکام آنها را می داند.
* داستان هایی در رابطه با این موضوعات شنیده است.
* به دوستان واطرافیانش در رابطه با عیب جویی و غیبت و مسخره کردن و تهمت زدن و افشای اسرار دیگران در صورت بروز امر به معروف ونهی ازمنکر می کند.

***دبیرستان 2:***

* احکام مربوط به غیبت، تهمت، تمسخر، عیب جویی و نیش و کنایه زدن را از رساله های عملیه ای که این موارد را گفته اند خوانده است.
* دلایل عقلی ونقلی دوری از عیب جویی و غیبت و مسخره کردن و تهمت زدن را می داند.
* برخی داستانهای سیره معصومین در برخورد با این صفات رذیله شنیده است.
* برای خودش زشتی آنها را جا انداخته است. برای دیگران می تواند در رابطه زشتی انجام این کارها دلیل بیاورد. تاثیر شیوع این گناهان بر تخریب روابط بین مردم را می داند.
* قوانین کشور را درباره مجازات کسانی که با این رفتارها باعث سلب آبروی فرد یا تشویش اذهان دیگران نسبت به افراد می گردد می داند و مرجع رسیدگی به آن را می شناسد.

1. **انتقادپذیری را لازمه رشد خود می داند. به جای نقد و قضاوت خود افراد، هنر نقد منصفانه و مشفقانه افکار و اعمال و گفته ها و نوشته های دیگران را بلد است.**

***دبستان 1:***

* داستان هایی درباره شیوه صحیح انتقاد کردن و نقدپذیری شنیده است.

***دبستان 2:***

* با الفاظ و کلیات تعریف مفاهیم "انتقاد", "نقدپذیری"و "قضاوت" آشناست و در حلقه های گفتگو درباره آن بحث کرده است.
* انتقاد پذیری را در مربیان خود بخوبی دیده است.
* مدرسه موقعیت هایی را برای او بوجود آورده است تا به نقد مدرسه، دوستان خود و یا برخی اشکالات جامعه بپردازد و نقدهای او را اصلاح کرده و راه درست انتقاد کردن را به آموخته است.
* به همراه شنیدن داستان هایی در این مورد، تمرین هایی نیز در مورد نحوه انتقاد صحیح و چگونگی برخورد درست با نقد دیگران درباره خود داشته است.

***دبیرستان 1:***

* فرق بین قضاوت درباره شخصیت و قضاوت درباره افکار و سخنان و اندیشه های دیگران را می داند. سعی می کند درباره شخصیت دیگران قضاوت نکند. در مورد افکار و سخنان دیگران در صورت لزوم و داشتن توانایی قضاوت می کند.
* احکام شرعی مربوط به قضاوت درباره دیگران، انتقاد کردن درست، نحوه صحیح نقدپذیری را بصورت اجمالی می داند.

***دبیرستان 2:***

* با فنون نقد صحیح و تفکر انتقادی آشناست. در انتقاد از موضوعات، اتفاقات و اشخاص اهل رعایت انصاف می باشد. اهل نقد مشفقانه است.
* سعی می کند در برابر نقد دیگران از خودش یا مواضعش، نه موضع انفعالی داشته باشد و نه موضع تند و خصمانه. انتقاد شنیدن از خود و افکارش را لازمه رشد فکری و شخصیتی خودش می داند.

1. **در کلیه امور فردی و اجتماعی زندگی، اهل تدبیر و برنامه است. در همه امور به رعایت نظم اهمیت می دهد و عادت به نظم دارد. سعی می کند در وقت و برنامه و همه شئونات زندگی اعم از مسائل مالی، مناسک مذهبی، خوراک، پوشاک، بازی و استراحت و ... نظم را رعایت کند.**

***دبستان 1:***

* داستان هایی از شیرینی نظم شنیده است.
* با لفظ نظم و معنی اجمالی آن آشماست.

***دبستان 2:***

* با معانی کلی و اهمیت نظم، برنامه ریزی و تدبیر آشناست و در حلقه های گفتگو درباره آن تفکر نموده است.
* با برخی مصادیق نظم آشناست.
* در مصادیقی از نظم با اندیشیدن "تدابیری" سعی می کند نظم را اجرا کند.
* داستان هایی از کارگشایی تدبیر داشتن در کارها شنیده است.

***دبیرستان 1:***

* آیات و روایتی درباره نظم و تدبیر می داند. با جزییات مصادیق زیادی از نظم آشناست و سعی می کند در حد خودش آنها را رعایت کند.
* با لوازم تدبیر، اعم از برنامه ریزی درست و دقیق، اطلاعات کافی در مورد موضوع داشتن، نظم در کار و... آشناست.
* با نظم در فکر آشناست و فکر منظم را از فکر مغشوش تمیز می دهد.

***دبیرستان 2:***

* با چند روش برنامه ریزی و فنون مربوط به آن آشناست. سعی می کند با تمرین های تقویت اراده، برنامه ریزی انجام شده در کارهایش را عملی کند.
* برخی از مفاهیم اولیه مدیریت مخصوصا مدیریت راهبردی آشناست (مثل نقاط ضعف، نقاط قوت، تهدید ها و فرصت های یک برنامه مدیریتی و روش تنظیم یک برنامه مدیریتی قوی تر) و نمونه های ساده ای از آن را انجام داده است.
* در انجام کلیه امور تدبیر را لحاظ می کند.
* عزم جدی برای منظم کردن همه فعالیت ها و شئونات زندگی اش دارد.
* با آیات و روایات، سخنان بزرگان دینی و غیر دینی و دلایل عقلی و نقلی داشتن نظم و تدبیر در تمام شئونات زندگی آشناست.

1. **خوش قول است و به عهد خود وفا می کند. از خلف وعده بیزار است.**

***دبستان 1:***

* داستان هایی درباره وفای به عهد و خوش قولی شنیده است.
* با لفظ خوش قولی آشناست.

***دبستان 2:***

* معنای الفاظ "خوش قولی"و "وفای به عهد" را می داند و به مناسبت در حلقه های گفتگو درباره آن اندیشیده است.
* در این باره داستان هایی شنیده است و تا حدودی مصادیق آن را می شناسد.

***دبیرستان 1:***

* چند آیه و روایت که بر وفای به عهد تاکید می کند می داند.
* با تعریف دقیق خوش قولی و وفای به عهد در مفاهیم دینی آشناست و احکام آن را می داند.
* نسبت به موضوع وفای به عهد حساس است و نسبت به آن امربه معروف و نهی از منکر می کند.
* در هنگامی که وفای به عهد نکرده است بهانه تراشی نمی کند و عذرخواهی می کند.

***دبیرستان 2:***

* با آثار خوش قولی در زندگی دنیوی و اخروی آشناست.
* با آیات و روایات مربوط به وفای به عهد آشناست.
* اگر وعده دهد در زمانی در موقعیتی حاضر شود همه تلاشش را می کند که زودتر حاضر شود تا مبادا به علل ناخواسته نتواند سر موعد حاضر شود. در این زمینه برنامه ریز اش را طوری می کند که احتمال عوامل ناخواسته را در نظر بگیرد.
* حتی اگر به علل ناخواسته در موعد مقرر حاضر نشد تقصیر را متوجه آن عوامل نمی کند و خود را مقصر می داند. از بهانه تراشی برای بی تعهدی خود دوری می کند.

1. **روحیه جوانمردی و فروتنی دارد. از ستوده شدن توسط دیگران ابا دارد. منش بزرگوارانه ای دارد. خوش مشرب خوش سفر و مهربان است.**

***دبستان 1:***

* داستان هایی درباره روحیه بزرگ منشی و جوانمردی، فروتنی، خوش مشرب و مهربان بودن شنیده است.
* با لفظ و مفهوم "مهربان بودن" با اطرافیان را آشناست.

***دبستان 2:***

* با الفاظ و مفهوم جوانمردی، تواضع و فروتنی آشناست و در حلقه های گفتگو درباره آن اندیشیده است.
* داستان هایی درباره جوانمردی و بزرگ منشی و معاشرت نیکو با مردم و مهربانی کردن به آنها شنیده است.
* داستان هایی درباره خوبی و شیرینی همسفر خوب و خوش سفر شنیده است.

***دبیرستان 1:***

* در زمینه داشتن روحیه فتوت و جوانمردی الگوهای دینی و ملی را می شناسد.
* با آیات و روایات دینی و ادبی در رابطه با داشتن روحیه جوانمردی و تواضع در برابر مردم آشناست.

***دبیرستان 2:***

* با آیات و روایات در نکوهش علاقمندی به تعریف شدن توسط دیگران و مذموم بودن آن آشناست.

1. **شخصیتی آرام در عین حال پر تلاش، منطقی ولی عاطفی و متین ، باوقار در عین حال متواضع و شوخ طبعی دارد. خشم خود را تحت عقل و اختیار و اراده خویش کنترل می کند.**

***دبستان 1:***

* فرق بین شوخ طبعی و تمسخر را می داند.
* داستان هایی درباره افراد پرتلاش شنیده است.
* لطیفه های سالم و بانمک بسیار زیادی از مربیان خود شنیده است و مربیان خود را افرادی خنده رو دلنشین می داند.

***دبستان 2:***

* معنی لفظ "منطقی" بودن را می داند وبا مفهوم آن بطور اجمالی آشناست
* با مفاهیمی مثل وقار در عین تواضع و شوخ طبعی در عین متانت مخصوصا در حلقه های گفتگو آشنا گردیده است و می تواند آنها را بازگو کند، و این رفتارها را در مربیان خود دیده است.
* با مفهوم خشم و کظم غیظ آشناست و داستانهایی را از معصومین در این باره شنیده است.
* در حلقه دوستان و در حضور مربیان نحوه صحیح شوخی کردن را تمرین و درباره آن صحبت کرده است.
* تعدادی ماجرا و داستان خنده دار از مربیان خود شنیده است و در کتاب ها خوانده است و می تواند برای اطرافیان خود تعریف کند. اخمو بودن را نمی پسندد و سعی می کند خنده رو باشد.

***دبیرستان 1:***

* با جایگاه تلاش و پرتلاش بودن در منابع دینی و عقلی آشناست.
* مرز بین تکبر و تواضع، فرق بین انغعال و تواضع، ربط بین وقار و عطوفت را می شناسد. مرزبندی بین شوخ طبعی و تمسخر را می شناسد و در عین شوخ طبعی سعی می کند خدای ناکرده در دام تمسخر دیگران نیافتد.
* فرق بین شوخی و تمسخر، لطیفه و سخن هجو و هزل و متانت و وقار و شخصیت سبک داشتن را می داند. مربیان الگوهای خوبی برای ایشان در شوخ طبعی و "هنر" شوخی کردن، هستند.
* سعی می کند در عین پر تلاش بودن و جدیت در انجام برنامه ها و ماموریت ها، از عطوفت نسبت به اطرافیان غافل نشود و کلا فقط به فکر خود و برنامه هایش نباشد.
* با الگوهایی در موضوع خشم و کنترل آن و نحوه صحیح استفاده از خشم آشناست.

***دبیرستان 2:***

* از تکبر بیزار است ولی عزت را ارزشمند می داند. فرق تکبر و عزت را فهمیده است. تواضع را صفت والای انسانی می داند و داستانهایی از معصومین در این باره شنیده است. تواضع را با ذلت خلط نمی کند و از ذلت بیزار است.
* تفاوت بین آرامش و رفاه را می داند. در عین تلاش برای رسیدن به رفاه خود و خانواده اش، دست یابی به آرامش در زندگی، اولویت اول اوست.
* با آیات و روایات مربوط به خشم و اهمیت کظم غیظ آشناست. موضع وی در مورد خشم، انفعالی نیست و به موقع، طبق نظر شرع مقدس و مصادیقی که شارع مقدس مشخص کرده خشمگین می شود. معنای اشداء علی الکفار رحماء بینهم را بخوبی می فهمد.
* اهل لطیفه گویی است. از بازگویی جوکهایی که در آن تمسخر قوم، گروه یا فردی است خودداری می کند و نسبت به گوینده آن واکنش نشان می دهد. به خندیدن و خندان بودن توجه دارد. سعی می کند هنر شوخی کردن را از الگوهایی که می شناسد، یاد بگیرد. با لطایف و ماجراهای شنیدنی و خواندنی قرآنی، تاریخی، ادبی آشناست و برای سرگرم کردن دیگران در اوقات فراغت از آنها استفاده می کند.

1. **در تصمیم گیری ها و انجام کارها مشورت می کند، از تجربه دیگران استفاده می کند.**

***دبستان 1***:

* مدرسه برای او موقعیتهایی را پیش آورده است که در آن دانش آموزان گروهی یا کلاسی مشورت کنند و درباره آن موقعیت تصمیم بگیرند.
* مربیانش به تجربه های او در مسائل جزئی اهمیت داده اند.

***دبستان 2:***

* برخی از کارهای مدرسه را بصورت گروهی انجام می دهد و با نحوه تصمیم گیری جمعی و عدم مخالفت با تصمیم اکثریت در کارهای اجرایی آشناست.
* در حلقه های گفتگو درباره اهمیت و مزایای مشورت و استفاده از تجربیات دیگران بحث کرده است.
* از مشورت با افراد ناباب و نادان پرهیز می کند.

***دبیرستان 1:***

* داستانهایی درباره مشورت صحیح و نتایج آن و فوائد استفاده از تجربیات دیگران شنیده است.
* بسیاری از کارهای مدرسه را با مشورت با دوستان یا مربیانش انجام می دهد.
* چون خانواده او در برخی کارها از او مشورت خواسته اند و به نظر او اهمیت داده اند لذا او نیز برای فعالیتهایش از پدر و مادر مشورت می گیرد.
* با نحوه های مشورت در جامعه در میان مردم آشناست.

***دبیرستان 2:***

* آیات و روایاتی درباره مشورت و اهمیت آن و همچنین در سیره معصومین شنیده است.
* با انواع حلقه های مشورتی و آداب مشورت آشناست و نمونه هایی از آنها را در کشور و سازمانها می شناسد.
* نحوه ثبت مشورت ها در جلسات و نحوه اجرایی کردن تصمیم های جمعی را یاد گرفته است.
* بخوبی فهمیده است اگر در تصمیمی جمعی، نظر فردی مخالفی داشته باشد در مقام اجرا، پس از تصمیم گروه، کاملا تابع جمع بوده و همانند موافقان در اجرای تصمیم، فعالانه مشارکت می کند.
* اگر در اثر مشورت از دیگران، نتیجه مطلوب حاصل نشد و یا دچار مشکل شد، علت نتیجه را نه اصل مشورت، بلکه نقص توان ادراکی انسانها می داند، لذا تجربه بد، باعث بی توجهی او به مشورت خواستن در آینده نمی شود.

1. **در بین دوستان و بستگان و آشنایان به دیانت و نیک اندیشی و نیک رفتاری شهرت دارد و شناخته می شود. در کارهای خیر مردم به وی امید دارند و از بدی اش در امان هستند.**

***دبستان 1:***

* برای او اهمیت دارد که دیگران درباره او چگونه می اندیشند و به نظر دیگران نسبت به خود بی تفاوت نیست.
* در مدرسه کسانی که رفتارخوب دارند و افکار نیک را مطرح می کنند یا جلوه های خوبی از دینداری نشان می دهند تحسین شده اند. او نیز علاقمند است همچون آن افراد باشد.
* دیده است چقدر برای پدر یا مادرش مهم است که آنها نزد دیگران مخصوصا فامیل، مشهور به نیک اندیش و خیرخواه بودن باشند و ازاین که کسانی دیگر آنها را بد بدانند بیزار هستند.

***دبستان 2:***

* مربیانش با او بگونه ای رفتار کرده اند که بهترین بودن نزد سایر همکلاسیهایش برای او بسیار ارزشمند باشد و سعی می کند در مشهور بودن به خوبی با دیگران رقابت کند.
* یاد گرفته است هر از چند وقت یکبار از معلمانش بخواهد که بگویند رفتار او به چه صورتی است و چه کند تا درمیان معلمانش به خوبی مشهور باشد و چه کند تا اگر مشهور به رفتار ناپسندی است این شهرت را از خود بردارد.

***دبیرستان 1:***

* در حلقه های تفکر درباره اهمیت شهرت به خیر و پرهیز از شهرت به ناپسند بحث کرده است.
* داستانهایی در تمجید از کسانی که مشهور به خیر بوده اند و مردم از آزار آنها در امان بوده اند شنیده است.

***دبیرستان 2:***

* دیدگاه قرآن و معصومین را درباره شهرت به خیر و نیکی و امنیت مردم از آزار مسلمانان را شنیده است و دوست دارد اینگونه باشد.
* اگر کسی از او دلگیر شود سعی می کند در اسرع وقت آن دلگیری را برطرف کند.
* وقتی می فهمد دیگران به خیر او امیدوار هستند و او را به نیکی می شناسند خوشحال می شود و این امر باعث تکبر و منت گذاری بر مردم و توقعات نابجا در او نمی شود.

1. **برای وقت و عمرش ارزش قائل است. از دیدن حرام پرهیز می کند و به حرف سودمند گوش می دهد. در گفتار به حداقل سخن سودمند اکتفا می کند. از انجام کار لغو پرهیز می کند.**

***دبستان 1:***

* دیده است سایر بزررگانش مثل پدر و مادر و یا مربیانش چقدر نسبت به استفاده از وقت حساسیت نشان می دهند و از نگاه به محرمات می پرهیزند و در هنگامی که حرفهای بیفایده زده می شود به آن توجه نمی کنند.

***دبستان 2:***

* درباره ارزش عمر و اهمیت بهترین استفاده از وقت، مخصوصا با برنامه ریزی درست، مطالبی را شنیده است و فراخور حال در حلقه های تفکر درباره آن بحث کرده است.
* پدر و مادر و مربیانش الگوهای خوبی در این زمینه بوده اند.

***دبیرستان 1:***

* با نمونه هایی از افراد موفق که بهترین استفاده را از عمر خود نموده اند آشنا شده است.
* با اهمیت برنامه ریزی برای کارها که موجب بهره وری بیشتر از وقت و امکانات می شود آشنا شده است و برخی روشهای برنامه ریزی را می داند.
* حداکثر تلاشش را می کند که برای کارهایی که برای او فایده ای ندارد (همچون برخی بازیهای رایانه ای، جستجوی بیفایده در اینترنت و شبکه های اجتماعی، موبایل) کمتر وقت بگذارد.

***دبیرستان 2:***

* با ارزیابی وقتهایی که در طول روز یا هفته برای کارهای متفاوتش گذاشته است آشناست و جداولی برای آنها ترسیم می کند. محاسبه النفس در سنت دینی نیز صورتی از آن است. سعی می کند هرچند وقت یکبار مثل هرماه یا هرسال وقت بگذارد ببیند در مدت گذشته چقدر توفیقات داشته است و برای کسب توفیقات بیشتر در آینده برنامه ریزی کند.
* با روشهای گوناگون استفاده بهینه از وقت آشنا شده است.
* برای او کم سخن گفتن و سخن گفتن در موارد فایده بخش اهمیت دارد.
* چنان قدرتی را پیدا کرده است که می تواند از هرگونه نگاه کردن به حرام بخوبی پرهیز کند.

نه تنها مواظب است که حرفهای باطل و مطالب حرام نشنود بلکه تا می تواند از شنیدن حرفهایی که نه فایده دارد و نه ضرر نیز اجتناب می کند.

1. **با همه، اهل رفق و مداراست ولی در انتخاب دوست دقت می کند. و در انتخاب دوست با کسانی که می خواهد با آنها انس بگیرد و همنشین شود حساسیت لازم را دارد.**

***دبستان 1:***

* دوست ندارد با سایر دوستانش دعوا کند یا از آنها دلخوری به دل بگیرد.
* دوستان بسیاری دارد.
* اگر از دوستی رفتار نامناسبی دید تا برطرف شدن آن اشکال، همنشینی اش را با او کمتر می کند.

***دبستان 2:***

* ارزش دوست و نحوه انتخاب دوست را یاد گرفته است.
* سرسختی با دیگران را خوب نمی داند و درباره نرمخویی مطالبی را شنیده است یا در حلقه های گفتگو درباره آن بحث کرده اند.

***دبیرستان 1:***

* با داستانهایی درباره نحوه انتخاب دوست و ارزش دوست خوب و ضررهای دوست بد آشنا شده است.
* می تواند توضیح دهد برای انتخاب دوست چه حساسیت هایی را باید داشته باشد و پس از دوستی چه ملاطفت هایی را باید نسبت به دوستش داشته باشد و از کدام منفعتهایش باید در مواقع لزوم چشم پوشی کند.

***دبیرستان 2:***

* می تواند بیان کند چرا برخی کسان را دوست خود گرفته است و چه ویژگی هایی در آنها دیده است که لازم می داند با آنها دوست باشد و چه صفات بدی را در آنها ندیده است تا از دوستی آنها نگران نباشد.

**توانمند در تجزیه و تحلیل درست امور فردی، اجتماعی و سیاسی**

1. **حجت آوردن برای کارهایش اهمیت دارد. برای انجام هر کاری مبنا دارد. نقد کردن شرایط تحمیلی جامعه برایش مهم است. شرایط را نقد می کند سوال می کند و استدلال می خواهد. تصمیمات و رفتارهایش لزوما بر اساس شرایط زمانه و جو جامعه تنظیم نمی شود. (همج رعاع نیست). بلکه خودش برای رفتارهایش مبنا دارد و می تواند برای کارهایش استدلال های شرعی و یا عقلی و یا تجربی و یا تاریخی و .... ارائه کند. توجیهاتش مطابق با واقعیت به همراه دلیل است (باور صادق موجه). استدلال وجوب رجوع جاهل به عالم را می فهمد و جایگاه استفاده از رساله عملیه و رجوع به مراجع تقلید را می داند.**

***دبستان 1:***

* معلمانش سعی کرده اند که برای انجام بسیاری از کارهایشان برای او دلیل موجه بیاورند تا تمرین حجت داشتنِ کارها برای او جا بیفتد.
* برخی نقدها را درباره رفتار برخی افراد و گروهها شنیده است. برخی باورهای خرافی مردم را شنیده است و می تواند توضیح دهد که چرا این باور ها خرافه است و توجیه درستی ندارد.
* از او برای انجام برخی کارهایش دلیل خواسته شده است و توجیه های درست او تحسین شده است.
* یکی از مهم ترین دلیلها و توجیهات کارها را یعنی اطاعت از دستور خداوند شنیده است.

***دبستان 2:***

* در حلقه های گفتگو، برخی رفتارهای نامناسب افراد که درنظرشان درست جلوه می کند مورد بحث قرار داده است و با همفکری با دوستانش سعی کرده است توجیه های منطقی برای نامناسب بودن آنها داشته باشد.
* می داند بسیاری از افراد با دلایل واهی دنباله روی افراد دیگر هستند. با مساله فالوور بودن در شبکه های مجازی آشناست و می تواند فالوور بودن بسیاری را نقد کند. او داستانهایی از عاقبت بد کسانی که چشم و گوش بسته تابع دیگران هستند شنیده است.
* او بین پیروی ناموجه از افراد و پیروی موجه از آنها می تواند فرق بگذارد.
* معلمانش سعی کرده اند توجیه برخی کارهای خودشان و یا برخی رفتارهای درست اجتماعی را به او بگویند.
* او تقریبا توانایی پیدا کرده است که برای برخی کارها دلیل بیاورد.

***دبیرستان 1:***

* از معلمانش ویژگی الگوپذیری نوجوانان و جوانان را شنیده است و نسبت به آن هشیار شده است.
* می تواند انواع الگوهای مرسوم در جامعه را نشان دهد و سعی می کند قدرت ارزیابی الگوهای نوجوانان را بدست بیاورد.
* برای او رفتار نوجوانانی که هم رنگ جماعت شدن برایشان اهمیت دارد کم ارزش شده است: مثل نوع لباس پوشیدن، نوع آرایش موی سر، نوع سخن گفتن، نوع باهم بودن، استفاده از دخانیات، نوع عکس العمل نسبت به جنس مخالف و نوع خوشگذرانی و نوع خودنمایی. او ارزشهای نوع انتخاب زندگی اش را بسیار بالاتر از آنها می داند. در جمع چنین افرادی از انتخابهای خودش خجالت نمی کشد.
* با تحلیل های اخلاقی و معنوی رفتار های اجتماعی آشنا شده است.
* برای او توجیه بسیاری از کارها بخاطر دستور الهی (که به نفع انسانهاست) جا افتاده است. پیروی از خداوند بجای پیروی از سایر انسانها را فهمیده است.
* سعی می کند با دلایل سطحی و بی مبنا رفتار خود را تنظیم نکند و از توجیه های احساسی حتی برای وظایف دینی دوری کند.
* انگیزه ای دارد که به شناخت دلایلِ درستِ بسیاری از کارها دست پیدا کند و دنبال آن است که به معرفتش برای انتخاب زندگی درست بیفزاید، در نتیجه انگیزه دارد که روز به روز به علم خودش در این جهت بیفزاید.
* از افراط در دلیل خواستن دوری می کند و می داند دلیل برخی مطالب را می توان بعدا فراگرفت یا به این سادگی ها نمی تواند دست پیدا کند. لذا از پرسشهای بیفایده خودداری می کند. معلمانش به او یاد داده اند که اگر دلیل امری را نمی داند بگوید نمی دانم و سپس از طریق درست به دنبال جواب برود.
* معنای تقلید کورکورانه را می فهمد و آن را از تقلید عالمانه تمیز می دهد. شعر ها و داستانهایی درباره عواقب تقلیدهای کورکورانه شنیده است. بین تقلید جاهل از جاهل و جاهل از عالم تفکیک قائل می شود. به همین جهت تقلید از علمای دین را نه به عنوان پیروی از یک مراد بلکه به عنوان پیروی از کسی که می تواند بخوبی دستور الهی را استخراج کند می داند؛ در نتیجه خود را کاملا مقید به حکمی که مراجع تقلید می دهند می داند.
* از معلمانش یاد گرفته است که چه حجت شرعی و عقلی پشت بسیاری از رفتارهای فردی، اجتماعی و سیاسی و اقتصادیِ درست نهفته است. سعی می کند خودش نیز حجت شرعی مواردی از رفتارهایش را نشان دهد.

***دبیرستان 2:***

* می تواند پیروی های کورکورانه برخی هم سالانش را در نحوه زندگی نقد کند و برای دیگران دلیل نامناسب بودن آنها را بیان کند.
* انگیزه های فعالیتهایش را بگونه ای طراحی می کند که اعمال عادی اش نیز بتواند حجت های شرعی داشته باشد و گرچه برخی فعالیتهایش (مثل بازی، غذاخوردن، خوابیدن، درس خواندن) همانند دیگر همسالان خودش است ولی ارزش معنوی بسیار بیشتری پیدا کند.
* درباره هدف خداوند از خلقت انسان بحثهای لازم را شنیده است.
* بگونه ای زندگی و هدف آن برای او استوار شده است که چرخش های تند و متفاوت در زندگی اش دیده نمی شود.
* می تواند از تقلید از مراجع تقلید و دنباله روی از حکم های آنها با دلیل دفاع کند.
* با انواع استدلالهای عقلی، نقلی، تاریخی، تجربی، شرعی آشناست و محدوده هریک را بخوبی می داند.
* برخی از آنها چنان با قرآن و معانی و کاربردهای آیات قرآن مانوس شده است که برای استدلال بسیاری کارهایش می تواند آیه ای از قرآن را از حفظ بیان کند.

1. **در کنارِ داشتن مرجع های سیاسی و اجتماعی سعی می کند دارای قدرت تجزیه و تحلیل و درک سیاسی باشد، نسبت به مسائل سیاسی ایران و جهان حساسیت و توجه دارد سعی می کند به خوبی آنها را با منطق تجزیه و تحلیل کند. دارای دیدگاهی است که منطق سیاسی او را مشخص می کند. با وقایع و اتفاقات عمده سیاسی و تاریخی آشناست و سعی می کند با دیدگاه ها و مکاتب سیاسی و اجتماعی مختلف آشنا شود. در مواقعی که متوجه می شود موضعی درست است تمام سعی اش را در دفاع از آن انجام می دهد. اهل طرفداری بی چون و چرا از جناح ها و گروه های سیاسی نیست.**

***دبستان 1:***

* درباره اتفاقاتی که پیرامونش در محیط خانه و مدرسه رخ می دهد، حساسیت دارد و سعی می کند درباره آنها حرف بزند و توضیحاتی بدهد و آنها در حد خودش تحلیل کند. نسبت به صحت و عدم صحت و حق یا ناحقی اتفاقات موضع دارد.
* جایگاه رهبر و اسم رهبرجمهوری اسلامی را می داند.
* می تواند یک خبر از اخبار داخلی هفته را اجمالا بیان کند.

***دبستان 2:***

* بصورت کلی ساختار و ارکان نظام جهوری اسلامی را می شناسد. فرق بین رهبر و رئیس جمهور را می داند. اسامی بنیانگذار جمهوری اسلامی، رهبر و روسای قوا و جایگاه آنها را می داند.
* حداقل هفته ای یکبار اخبار سراسری را می بیند و درباره برخی خبرها سعی می کند گزارش و توضیحی بدهد.
* در طول هفته، معلم یک زمان یک ربع را اختصاص می دهد تا دانش آموزان اطلاعات خود را درباره اخبار آن هفته تبادل کنند تا تشویقی شود همه اطلاعات خود را در این باره افزایش دهند. معلم سعی کرده است در برخی موارد تحلیل اولیه اخبار را از دانش آموزان بخواهد.
* فرق بین نظامات جمهوری و شاهنشاهی را می داند و مزیت جمهوری بر سلطنت و برتری جمهوری اسلامی را بر جمهوری شنیده است.

***دبیرستان 1:***

* با برخی اصطلاحات و مکاتب عمده سیاسی کمابیش آشناست. مانند لیبرالیسیم، سوسیالیسم، کمونیسم، مارکسیسم، دموکراسی و ....
* بطور مرتب هفته ای سه بار اخبار سراسری صدا و سیما را دنبال می کند. می تواند چند اتفاق مهم کشور و دنیا را که در اخبار مطرح میشود دنبال کند و تا حصول نتیجه یا سرانجام آن خبر و اتفاق درباره آنها صحبت، تحلیل، پیش بینی و جمع بندی نماید.
* گفتگوهای کلاسی برای او تدارک دیده شده است که در آن با دیگر دوستانش درباره اخبار تبادل نظر و بحث کنند. معلم در ضمن این گفتگوها، کژاندیشی ها را در تحلیل اخبار متذکر می شود و مغالطات بکار رفته در آنها را با کمک خود دانش آموزان استخراج می کند. روش های تجزیه و تحلیل خبر را کمابیش می داند.
* بطور کلی با مفاهیمی چون جبهه حق و باطل، جریان حق و باطل آشناست.
* بطور اجمالی با تاریخ معاصر ایران، بخصوص اتفاقات قبل و بعد انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی آشناست.
* بطور اجمالی با تاریخ معاصر جهان، بخصوص رنسانس، انقلاب صنعتی، اتفاقات قبل و بعد جنگ جهانی اول و دوم، انقلاب فرانسه و انقلاب بلشویکی روسیه آشناست.
* در تحلیل مسائل سعی می کند ردی از اطلاعات تاریخی ای که دارد، آشکار باشد.

***دبیرستان 2:***

* بطور مستمر اهل دنبال کردن و پیگیری حداقل یک وعده خبری است.
* با مکاتب عمده سیاسی، اجتماعی و دینی در دنیا آشنایی دارد و علاقمند است نسبت به آنها اطلاعات بیشتری کسب کند. معایب و مزایای برخی از آنها را شنیده است و به این وسیله توانایی بیان معایب و مزایای جریانهای فکری و اجتماعی معاصر برای او بیشتر شده است.
* با تاریخ تحلیلی اسلام، ایران باستان، ایران پس از اسلام، ایران معاصر و تاریخ جهان آشنایی دارد.
* با اصول تحلیل سیاسی آشناست و می تواند ارزشها و ضدارزشهای نهفته در اخبار سیاسی را نشان دهد و برخی از آنها را مورد چالش قرار دهد.
* سعی می کند برای خودش در تحلیل های سیاسی و اجتماعی اصول و چارچوب های فکری و عقیدتی داشته باشد و درکنار سواد رسانه ای در تحلیل هایش آنها را استفاده کند.
* سعی می کند نسبت به اتفاقات داخل و خارج از کشور بخصوص اتفاقات امت اسلام، حساسیت لازم و موضعگیری غیر متعصبانه ولی حق مدارانه داشته باشد و آن را بیان کند و حتی المقدور بصورت مکتوب در فضای مجازی منتشر کند.
* با جریان های عمده سیاسی و اجتماعی داخل کشور آشناست و نسبت به آنها موضع دارد. اهل باندبازی و حمایت باندی از هیچ جریانی نیست.
* سعی می کند در حوادث و اتفاقات مربوط به کشور یا امت اسلام، موضع و تحلیل درست را تشخیص دهد و در حد بضاعت بر روی آن با انتشار در رسانه ها یا هر عملی که مقدور باشد تاکید کند. در نظر او بی تفاوتی نسبت به وقایع روز امری پسندیده نیست.
* می تواند ادعای «عقیده هر شخص برای خودش محترم است» را نقد کند. احترام به همه عقاید را باور ندارد و ارزشمند دانستن باور به عقیده حق برای او مهم تر است. کثرت گرایی افراطی را نمی پذیرد.

1. **از افراط و تفریط و التقاط (میانه گیری بین جبهه حق و باطل) در کلیه امور دینی و غیر دینی پرهیز می کند. در همه امور میانه روی و اعتدال دارد. فرق بین اعتدال و التقاط را می داند.**

***دبستان 1:***

* داستان هایی درباره پرهیز از افراط و تفریط و رعایت میانه روی و اعتدال در موضوعات مختلف دینی و غیردینی شنیده است.
* لفظ اعتدال را شنیده است.

***دبستان 2:***

* الفاظ افراط، تفریط، التقاط، اعتدال و میانه روی را شنیده است و در حلقه های گفتگو درباره آن تفکر نموده است لذا معانی آنها را بطور اجمالی می داند و با برخی از مصادیق آنها آشناست.
* داستان هایی درباره افراط، تفریط، التقاط، اعتدال و میانه روی در موضوعات دینی و غیردینی شنیده است.

***دبیرستان 1:***

* با احکام شرعی و اخلاقی افراط، تفریط، التقاط، اعتدال و میانه روی بطور کلی و با مصادیق آنها تا حدود زیادی آشناست.
* داستان هایی در این رابطه شنیده است.
* با مفهوم التقاط در مسائل اعتقادی و دینی آشناست. در حوزه مسائل شخصی مراقب است در دام التقاط نیافتد.

***دبیرستان 2:***

* معنی و مصادیق التقاط را بطور کامل می داند و ارتباط آن با معنی نفاق و مصادیق آن را می داند.
* با مصادیق التقاط در رویدادها و اتفاقات سیاسی و اجتماعی و اعتقادی آشناست. رخداد التقاط را در اتفاقات سیاسی و اجتماعی و اعتقادی می تواند تشخیص دهد. با عواقب رخی فرقه های التقاطی آشناست.

1. **در همه امور تفکر و دقت دارد. افکار، رفتار، گفتار و اعمالش بر پایه عقل است. اول فکر می کند بعد صحبت یا عمل می کند. از کارهای غیر عقلانی و خرافه دوری می کند.**

***دبستان 1:***

* مربیانش وقتی از او پاسخ به یک پرسش را می خواهند نمی گذارند بلافاصله جواب دهد و از او می خواهند مدتی را فکر کند، سپس جواب دهد. به این وسیله تمرین فکر کردن و عجله نکردن برای یافتن پاسخ را به آموخته اند.
* بازیهایی فکری را که نیاز به تامل و فکر کردن و متمرکز شدن دارد بازی کرده است و آن بازی ها را در برنامه هایش قرار داده است.

***دبستان 2:***

* بازیهای فکری متعددی بازی کرده است و در نتیجه از تفکر لذت برده است.
* از حل معماها لذت می برد و موقعیتهای متعددی برای حل معما برای او بوجود آمده است.
* در حلقه های تفکر درباره فکر کردن و عاقلانه تصمیم گرفتن بحث کرده است.
* در حلقه های تفکر با برخی انواع روشهای تفکر غیر عقلانی یا غیر منطقی آشنا شده است. برخی مغالطات را می شناسد و می تواند آنها را تشخیص دهد.

***دبیرستان 1:***

* با اهمیت فکر کردن و تعقل نمودن که در آموزه های دینی آمده است آشنا شده است.
* می داند اموری که باید احساسی باشد وقتی ارزشمند هستند که در پیشینه شان مبنایی عقلانی داشته باشند.
* منطقی بودن را دوست دارد و از مطالب غیر منطقی رنج می برد.
* سعی کرده است بگونه ای رفتار و گفتار و اعمالش را تنظیم کند که هرگاه از او درباره آنها سوال شود بتواند منطقی و عقلانی از آنها دفاع کند.
* با کژاندیشی ها و مغالطات بیشتری آشناشده است.

***دبیرستان 2:***

* می تواند غیرمنطقی بودن و یا غیر عقلانی بودن را در گفتار و رفتار دیگران و یا گروههای سیاسی و اجتماعی نشان دهد.
* مهمترین امر عقلانی را فعالیت برای آخرت و رضای خداوند می داند.
* قدرت تجزیه و تحلیل عقلانی رفتارها و گفتارهای اجتماعی را پیدا کرده است. از تجزیه و تحلیل احساسی بدور است.
* با خرافات آداب و رسوم یا خرافات مذهبی که هیچ مبنای عقلانی ندارد مبارزه می کند.

1. **به قوانین و مقررات رسمی کشور و سایر مجموعه ها در چارچوب قوانین شریعت اسلام احترام می گذارد و آنها را رعایت می کند. سلسه مراتب در هر مجموعه ای را می فهمد و به اهمیت نقش رهبری در گروه و وظایف اعضا واقف است و رفتار مناسب را انجام می دهد.**

***دبستان 1:***

* با مفهوم قانون که برای وضعیت بهتر جامعه کلاسی اش است آشناست و موقعیتهایی برای او پیش آمده است که با کمک سایر همکلاسهای خود قوانینی را وضع کنند.
* التزام به قراردادهای اجتماعی را در حد قوانینی که خود وضع کرده است می فهمد و وضع مجازاتهایی برای تخطی از قوانین را لازم و درست می داند.

***دبستان 2:***

* با ضرورت وضع قوانین برای کل مدرسه آشنا شده است و آن را می پذیرد. از او خواسته شده است که با کمک دیگر همکلاسهایش قوانینی برای کل دانش آموزان مدرسه در جهت بهتر شدن شرایط وضع کند.
* می تواند درباره لزوم التزام به قانون صحبت کرده و برای آن دلیل بیاورد و نشان دهد که خود را ملتزم به قوانین می داند.
* لزوم رهبر برای هرگروه را می فهمد و برای کارهای گروهی خود رهبر انتخاب می کند.
* با تصمیم گیری جمعی آشناست و تمرین کرده است که اگر تصمیم جمعی خلاف نظر او باشد تابع تصمیم جمعی باشد.
* لزوم اطاعت از رهبری گروه را در محدوده قوانین مدرسه می فهمد و به آن باور دارد.

***دبیرستان 1:***

با برخی از قوانین کشور آشناشده است و نحوه شکل گیری قوانین و دلایل آن را فهمیده است و می داند اگر کسی از قوانین کشور تخطی کند چه برخوردهای قانونی با او می شود و این مجازات ها را لازمه نظم اجتماعی می داند.

* التزام نداشتن به قوانین را کاری ناشایست می داند و از آن بیزار است. اگر بتواند دربرابر کسانی که به قانون تمکین نمی کنند واکنش مناسب (حتی درحد اعلام برائت از آنها) نشان می دهد.
* فوائدی را که از برخی قوانین متناسب با خودش بدست می آورد فهمیده است و از این که تحت حمایت قانون است راضی است.
* کارکرد هریک از قوا و زیر مجموعه هایشان در کشور و نسبت آنها را باهم فهمیده است و با عناصر اصلی قانون اساسی آشنا شده است.
* مدرسه بسیاری از کارهای خود را در قالب یک حکومت فرضی و با مناسبات عناصر حکومت واقعی که دانش آموزان در آن شریک هستند انجام می دهد و به این وسیله دانش آموز خود بازیگر یک نظام گروهی می گردد و در آن زندگی می کند و مشکلات آن و راه حل آن مشکلات را عملا متوجه می شود.

***دبیرستان 2:***

* موقعیت هایی برای او پیش آورده شده است که گروههای کاری تشکیل دهد و در آنها با وضع قوانین خاص آن گروه، اجرای آن و لزوم داشتن رهبری برای آن و تدوین مجازاتهایی برای تخطی از قوانین گروه را در پیشبرد اهداف گروه درک کرده است و کلیه این اقدامات را برای آن انجام می دهد.
* به قوانین و مقررات رسمی کشور و سایر مجموعه ها در چارچوب شریعت اسلام احترام می گذارد و آنها را رعایت می کند.
* سلسه مراتب را در هر مجموعه ای می فهمد و به اهمیت نقش رهبری در گروه و وظایف و مسئولیتهای هریک از اعضا واقف است و رفتار مناسب را انجام می دهد.

1. **به حاکم شدن احکام اسلامی در سطح جامعه و همه شئونات زندگی بشری، اعتقاد دارد و در راستای بسط و اجرای احکام و قوانین شریعت اسلامی تلاش می کند. اصل ولایت فقیه را از اصول پیشرو و منطقی اسلام برای اداره جامعه می داند. اعتقاد دارد بهترین راه برای داشتن جامعه ای اسلامی در اصل ولایت فقیه است. در بین نظام های موجود سیاسی و حکومتی و اداره کشور نظام ولایت فقیه را با ضرر کمتر و فایده بیشتر می داند؛ و رشد بهتر مادی و معنوی مردم و جامعه را در حاکم بودن این سیستم بر جامعه می داند.**

***دبستان 1:***

* "لفظ" "ولایت فقیه" را شنیده است و معنی آن را می داند.
* بطور کلی با نحوه حکومت داری پیامبر و حضرت علی علیه السلام که برای بسط اندیشه اسلامی در سطح جامعه و اداره جامعه و حکومت، زحمت کشیده اند آشناست ودر این زمینه داستان هایی را بلد است..

***دبستان 2:***

* در نظر وی جامعه ای خوب است که ملاک های مادی و معنوی را با هم داشته باشد. به جنبه ربوبیتی خداوند نیز معتقد است. اعتقاد دارد در تمام زمینه های زندگی بهترین نظر، نظر خداوند است که هم ملاک های مادی و هم ملاک های معنوی را جهت خوشبختی انسانها مد نظر داشته و آنها رادر قالب دین عرضه کرده است.
* اعتقاد دارد، انسان ها می توانند تمامی شئونات و تک تک لحظات زندگی خود را بر اساس نظرخداوند تنظیم نمایند. برای او زندگی در جوامعی که فقط به ملاک های مادی می اندیشند، نامطلوب است. جامعه ای را دوست دارد که در آن پیشرفت های مادی و معنوی بر پیشرفت های صرفا مادی ارجحیت دارد.در این زمینه داستان هایی واقعی را شنیده است.
* بطور کلی برخی احکام اسلامی در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی اسلام را که مطلوب جوامع سکولار نیست راشنیده است. مانند قاعده نفی سبیل، قصاص، ربا و ...

***دبیرستان 1:***

* احکام دین، و کلیه فعل و قول های حضرات معصوین علیهم السلام را در کنار قرآن، به عنوان نظر خداوند و احکام الهی قبول دارد.
* با برخی احکام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی اسلام آشناست و خودش به این نظر رسیده است که بهترین راه برای پیاده شدن این احکام نظریه ولایت فقیه است.
* با فلسفه ولایت فقیه در قانون اساسی کشور آشناست.
* مساله تقلید را می داند و اعتقاد دارد فقها در دوره غیبت ائمه معصومین علیهم السلام، احکام و نظرات خداوند را درباره تک تک شئونات زندگی، از دل قرآن و قول و فعل معصومین علیهم السلام، در معیت عقل استخراج می کنند و برای مردم تبیین می نمایند.
* اعتقاد داردبرای اجرای احکام الهی در شئونات فردی و اجتماعی خودش و مردم موظف به تبعیت از مراجع عظام تقلید هستند.

***دبیرستان 2:***

* اعتقاد دارد در تمامی شئونات اجتماعی و فردی افراد باید احکام ونظر خداوند جاری و ساری باشد.
* جاری شدن ولایت خداوند بر مردم را در پرتو جاری شدن احکام و دستورات خداوند متعال در کلیه سطوح جامعه، می داند. اعتقاد دارد با جاری شدن احکام و دستورات خداوند در جامعه و با عمل مردم به آنها خداوند پرستیده می شود.
* می داند برای جاری شدن احکام و دستورات خداوند در همه زمینه ها و در همه سطوح جامعه باید افراد مدیر باتقوایی رهبرجامعه باشند، که مسلط به مبانی دینی و احکام و حدود شرعی اسلام و نحوه جاری ساختن آنها در جامعه باشند. این مساله را به عنوان مبنای عقلی "ولایت فقیه" شناخته است.
* برخی دلایل عقلی و نقلی موضوع ولایت فقیه را می داند و می تواند برای عموم مردم در اثبات عقلی و نقلی ولایت فقیه استدلال بیاورد.
* با مشکلات سایر مکاتب سیاسی جهت اداره جامعه و حکومت آشناست.
* با مشکلات سایر مکاتب سیاسی رایج در دنیا، جهت اداره جامعه و حکومت آشناست. مزیت ولایت فقیه نسبت به سایر روش های حکمرانی می داند و آن را عقلانی ترین، عملی ترین و موفق ترین شیوه حکمرانی می داند. با بعضی نتایج حکومت فقها آشناست. برخی داستان های تاریخی درباره این موضوع را بلد است.

**ز- توانمند برای حضور پاک و موثر در اجتماع**

1. **نسبت به اوضاع پیرامون خود و جامعه بی تفاوت نیست و موضع مناسب دارد. نسبت به مشکلات و مسائل جامعه دغدغه دارد و با راه حل های برطرف کردن مشکلات و مسائل جامعه کم و بیش آشناست.**

***دبستان 1:***

* داستان هایی درباره مسئولیت پذیری اجتماعی و حساس بودن به اتفاق پیرامون، در سطح خانواده و مدرسه شنیده است.
* نسبت به اتفاقات و برخوردها و حوادثی که در مدرسه یا در خانه برای او و یا دوستانش پیش می آید توسط مربیان حساس شده است. بگونه ای با او رفتار شده است که در مقابل حوادث واکنش های مناسب نشان می دهد و در نظر او و دوستانش بی تفاوتی نسبت به وقایع پیرامون ناپسند جلوه داده شده است.

***دبستان 2:***

* نسبت به اتفاقاتِ محیط پیرامونی اعم از خانواده و مدرسه و همچنین محلة سکونت و شهر خویش حساس است و داستان های بیشتری در این رابطه شنیده است.
* با ایجاد سوال هایی حساسیتش نسبت به موضوعات مطروحه در بند قبل تحریک شده و در آن باره ها از او نظر خواسته شده است لذا سعی می کند موضعی حداقلی در برابر مسائل پیش آمده داشته باشد. موضع داشتن وی در برابر مسائل مورد نظر منجر به صحبت کردن وی درباره فعالیتی مرتبط با آن و مشخص کردن وظیفه او در برابر آن مسئله می گردد.
* در طول سال، حداقل درباره پنج اتفاق پیرامونی اش با دوستان و معلمانش بحث و تبادل نظر داشته است. در قبال آن اتفاقات حساسیت و موضع دارد و درباره راه حل های احتمالی در رابطه با مشکلاتِ پیش آمده در اثر اتفاق صحبت هایی می کند. برخی از صحبت هایش می تواند منجر به تعریف فعالیتی برای او و همکلاسی هایش باشد.

***دبیرستان 1:***

* نسبت به مسائل و مشکلات جامعه علاوه بر پیرامون و شهرش، در سطح ملی حساسیت دارد. در این رابطه موضع دارد و آن را اعلام می کند. در این رابطه الگوهای خوبی را می شناسد.
* همیشه این نکته را می داندکه در کنار داشتن حساسیت و بیان دغدغه، باید به راه حل های آن دغدغه ها هم فکر کند و در کنار بیان دغدغه، درباره نظریاتی که به حل مسائل کمک می کند نیز صحبت نماید.
* مربیان همواره الگوی وی در این موضوع هستند که در کنار بیان دغدغه هایشان همواره اشاره هایی به راه حل های مشکلات نیز می نمایند.
* مرز میان حساس بودن نسبت به موضوعات و بیان دغدغه و سیاه نمایی و القا و ایجاد حس ناامیدی را می شناسد و سعی می کند همواره به آن توجه داشته باشد.

***دبیرستان 2:***

* حساس و دغدغه مند در سطح مسائل و معضلات امت اسلام علاوه بر سطوح مورد اشاره در مقاطع پایین تر می باشد.
* با اعتماد به نفس و باور به مسئولیت خود نسبت به مشکلات و مسائل امت اسلام اظهار نظر می کند. شاید راه حل های موثری نیز به ذهنش برسد و آن را می تواند به طرق مختلف از جمله با استفاده از ابزار رسانه بیان کند. در این مسیر مرز میان حساس بودن نسبت به موضوعات و بیان دغدغه و سیاه نمایی و القا و ایجاد ناامیدی و حس ناامیدی را می شناسند.
* نسبت و مرز مسائل ملی و مسائل بین المللی مرتبط با امت اسلام را می شناسد.
* از بیان دغدغه و حساسیت هایش نسبت به موضوعات مطروحه در جاهایی که بیان آنها لزومی ندارد و همچنین از تکرار بیجا پرهیز می کند.
* توانایی نسبی اهم و مهم کردن دغدغه ها و مشکلات و مسائل کشور و امت اسلام را دارد.

در بیان راه حل ها مسایل را بصورت جهانی می بیند، بصورت منطقه ای ایده می دهد و بصورت محلی در برخی موضوعات توانایی اجرای ایده اش را دارد. موضع گیری اش می تواند تبدیل به عمل شود. از دل یک دغدغه، یک فعالیت خاص انسانی، اجتماعی یا جهادی بیرون می آید.

1. **حالت درونی خوش آمدن از خوبی و اشمئزاز از بدی در وي ایجاد شده است. نسبت به مسائل به وجود آمده در جامعه با توجه به معیار حق و ناحق بودن آنها جاذبه و دافعه دارد. نسبت به حق و اهل حق جاذبه (تولی) و نسبت به باطل و اهل باطل دافعه (تبری) دارد. با فلسفه تولی و تبری آشناست.**

***دبستان 1:***

* نسبت به کارهای خوب کشش و حس خوبی دارد. نسبت به کارهای بد کشش و حس خوبی ندارد. آدم های پیرامونش را به دلیل کار خوب و بدی که انجام می دهند دوست دارد یا از آنها بدش می آید. در این دو زمینه مربیان الگوی وی هستند.
* با داستان هایی که باعث می شود انجام کارهای خوب و آدم های خوب برای او خوشایند باشد و انجام کارهای بد و آدم های بد منفور او می گردد آشنا شده است.

***دبستان 2:***

* می تواند نشان دهد که چه کسانی و چه رفتاری را باید دوست داشت و از چه کسانی و چه کرداری باید بیزار بود.
* موقعیت هایی برای او فراهم شده است که در آن محبتش را نسبت به انسانهای خوب به ویژه خوبترین آنها یعنی پیامبر و خاندانشان ابراز می کند و ناخوشنودی اش را از انسانهای بد و دشمنان الهی به روشنی نشان می دهد.

***دبیرستان 1:***

* با مصادیق تولی و تبری آشناست. همه دوستان خدا را دوست دارد و ازهمه دشمنان خدا بیزار است و با آنها «دشمنی» می کند. در این رابطه بر اساس علایق شخصی و گزینشی عمل نمی کند.

***دبیرستان 2:***

* مفهوم جاذبه و دافعه در مناسباتش با فامیل، دوستان و جامعه را می داند و فقط دنبال جذب نیست و جاذبه و دافعه را توامان دنبال می کند.
* در تشخیص مصادیق جاذبه و دافعه و تولی وتبری مرعوب جو جامعه نیست.
* حق و مفهوم حق در قالب «جبهه» حق را می شناسد و در راه دفاع از آن تلاش خود را می کند.
* باطل و مفهوم باطل را در قالب «جبهه» باطل می شناسد و در راه ایستادگی در برابر آن تلاش می کند.

1. **دغدغه مند بودن نسبت به مسائل و مشکلات مهم و موثر پیرامونش و جامعه را یک فضیلت می داند وکم وبیش با راه حل های برطرف کردن آنها آشناست. نسبت به مسائلی که منفور یا محبوب دینی است حساسیت دارد. هنر و مهارت کمک به مردم در انتخاب راه خیر و مواجهه مثبت (امر به معروف ) و دوری از راه باطل و مواجهه منفی (نهی از منکر) را دارد. سعی می کند در جامعه راه خیر شناخته، و معروف و راه باطل ناشناخته و منکر شود. شجاعت اجتماعی در ترغیب افراد به کار خوب (امر به معروف) و مواجهه با انحرافات جامعه و منحرفین (نهی از منکر) را دارد.**

***دبستان 1:***

* مربیان الگوی وی در سوق دادن دوستانش به مصداقهایی ساده از کارهای خوب (مثل سلام کردن و جواب سلام دادن، رعایت نوبت و صف و ...) هستند. مربی سعی کرده اند با یادآوریِ مکرر آن کار خوب توسط دانش آموزان به یکدیگر، آن کار خوب در جمعشان «معروف» شود. تمرین امر به معروف در این مقطع در محدوده محیط مدرسه است.
* داستان هایی از بزرگان و اولیاء الهی در تذکر دادن به یکدیگر شنیده است.
* مربیان الگوی وی در ترک دادن دوستانش از مصداقهای ابتدائی از کارهای بد (مثل دروغ گفتن، باز گذاشتن شیرآب، تمسخر دیگران) هستند. در اثر یادآوری های مکرر آن کار بد توسط دانش آموزان به یکدیگر، آن کار بد در جمعشان «منکر» شده است. تمرین نهی از منکر در این مقطع در محدوده محیط مدرسه است.

***دبستان 2:***

* برخی مصادیق مشخص معروف و منکر «دینی» را می شناسد، و می داند چرا از لحاظ دینی برخی معروف و برخی منکر هستند. سعی دارد در محیط «مدرسه» و «خانه» نسبت به امر اثر گذار به امور خیر و نهی متناسب از بدیها اقدام کند، و دراین راه «شجاعت» لازم را دارد. به عنوان مثال معلم می تواند با دانش آموزان قرار بگذارند که پنج کار خوب را به یکدیگر یادآوری کنند تا بین شان معروف شود و از پنج کار بد همدیگر را نهی کنند تا آن کار بد بین شان منکر شود.
* با لفظ امر به معروف و نهی از منکر آشناست و می داند این دو واجب الهی هستند.

***دبیرستان 1:***

* به معنی ضمنی امر به معروف و نهی از منکر، یعنی شناخته کردن خوبی ها و ناشناخته ساختن بدی ها آگاهی پیدا کرده است.
* امر به معروف و نهی از منکر را همانند نماز و روزه از وظایف الهی می داند.
* با اهمیت و ضرورت امر به معروف و تاثیر آن بر سلامت خود و جامعه آگاه است.
* با ویژگی های امر به معروف و نهی از منکر همچون یقین به معروف بودن یک کار، مراتب داشتن، روشهای گوناگون آن و احتمال تاثیرگذاشتن در حد یک صفحه رساله های عملیه آشناست.
* وقتی با شرایط لازم و مراتب خاص، امر به معروف و نهی از منکر می کند از ملامت هیچکس خجالت نمی کشد و نمی ترسد یعنی «شجاعت اجتماعی» لازم را دارد.

***دبیرستان 2:***

* اغلب مصادیق امر به معروف و نهی از منکر را بر اساس دستورات شرع مقدس می شناسد.
* با روش های امر به معروف و نهی ازمنکر و «هنر تذکر زبانی» و احکام آنها آشناست و می تواند به شبهات عمده آن پاسخ دهد.
* مفهوم «امر کردن» در امر به معروف و نهی از منکر را می داند. فرق امر به معروف و نهی از منکر را با کار فرهنگی، کار خیر، موعظه، نصیحت و ... می داند.
* با مفهوم دینداریِ گزینشی در انجام واجبات و ترک محرمات آشناست و به دلیل ترس، خجالت، منافع، تمایلات شخصی و نفسانی و ... امر به معروف و نهی از منکر را ترک نمی کند.
* در انجام امر به معروف و نهی از منکر گزینشی عمل نمی کند و اهل اهم و مهم کردن مصادیق این دو عمل واجب است.
* امر به معروف و نهی از منکر را نه تنها در سطح فردی و در محیط مدرسه، بلکه در خانواده و اجتماع، با رعایت شرایط و مراتب آن، انجام می دهد و نه تنها از آن خجالت نمی کشد بلکه شجاعت اجتماعی لازم را برای آن بدست آورده است.
* امر به معروف و نهی از منکر در سطح کلان جامعه نیز برایش موضوعیت دارد و به امر به معروف و نهی از منکر مسئولین در هر رده ای توجه دارد.

1. **روحیه ایثار و جهادگری را دوست دارد. اهل کار خیر و کمک به دیگران خصوصا همکلاسی ها و اطرافیان در همه زمینه های مادی و معنوی است.کمک به دیگران و انفاق را مایه راحتی و سبکباری خود می داند.شهادت را یک فضیلت می داند و نسبت به شهادت حس خوبی دارد و شهید و شهادت برایش ارزشمند و محترم است.**

***دبستان 1:***

* به دوستانش در اتفاقاتی که رخ می دهد و در نیازهای روزمره کمک می کند.
* تمرین می کند در خوردن خوراکی ها و استفاده از وسایلش بدون درخواست قبلی دوستانش را شریک کند.
* داستانهایی ابتدایی درباره ایثار و شهادت شنیده است.

***دبستان 2:***

* با مفهوم از خودگذشتگی و ایثار و همینطور بخل بطور کلی آشناست. داستانهایی درباره ایثار و از خودگذشتگی (مخصوصا در زندگی معصومان) شنیده است و دوست دارد اینگونه باشد.
* با لفظ شهادت و مفهوم آن بطور کلی آشناست. شهادت را به دلیل ایثار جان، بزرگترین ازخودگذشتگی می داند. با جایگاه شهیدان نزد خداوند آشناست. علاقمندی نیکان در توفیق یافتن به شهادت شنیده و یا دیده است.
* شهدای مشهور انقلاب، دفاع مقدس و سایر اتفاقات امت اسلام در دوره معاصر را کمابیش شنیده است و دلیل برجستگی آنها را بطور کلی می داند و به آنها علاقمند است.
* حضرت امام حسین علیه السلام را به عنوان سید شهیدان، می شناسد.
* می داند همه ائمه معصومین علیهم السلام، بجز حضرت حجت ارواحنافداه، به شهادت رسیده اند و شهید هستند.
* داستان هایی از شهدای صدراسلام و شهدای معاصر شنیده است.

***دبیرستان 1:***

* مفهوم انفاق، ایثار و مواسات و فرق این مفاهیم با یکدیگر را می شناسد.
* مفهوم شهادت را به همراه برخی آیات و روایات آن و منزلت والای شهید می داند.
* داستان ها و وقایع زیادی از زندگی شهدای بزرگ تاریخ اسلام از صدر اسلام تاکنون بلد است.
* کتاب زندگینامه چند شهید بزرگ را مطالعه کرده است.

***دبیرستان 2:***

* با مفهوم ایثار و مواسات به همراه آیات و روایات مربوط به آنها آشناست. سعی می کند در حد توان، اهل ایثار و مواسات باشد.
* با مفهوم جهاد و کار جهادی در همه زمینه ها، و نه فقط در امور نظامی، بطور کامل به همراه آیات و روایات مربوط به آنها آشناست و مشتاق کارهای جهادی است.
* شهادت را پاداش جهاد می داند. به دلیل داشتن روحیه جهادی و انجام کارهای جهادی شوق شهادت در دل دارد.

1. **با رعایت اولویت ها در اجتماع حضور دارد. دوست دارد در مسجد و هیات و سایر اجتماعات مذهبی حضور داشته باشد.**

***دبستان 1:***

* به شرکت در برنامه های جمعی مدرسه و پایه علاقمند است. در برنامه های جمعی مدرسه و پایه شرکت می کند.
* به شرکت در برنامه های دورهمی و میهمانی های فامیلی علاقمند است و در آنها شرکت می کند.
* به سوالات مربیان درباره دورهمی های فامیلی و میهمانی پاسخ می دهد و درباره آنها صحبت می کند و خاطراتی در این زمینه تعریف می کند.
* داستان هایی درباره اهمیت حضور در اجتماعات مختلف شنیده است.

***دبستان 2:***

* هر از چندگاه با پدر در برنامه نماز جماعت مسجد محله شرکت می کند.
* در مناسبت های خاص مثل دهه محرم و ماه مبارک رمضان به همراه خانواده در برنامه هیات ها بویژه هیات های فامیلی یا هیات های دوستان و آشنایان خانوادگی و یا هیات مدرسه شرکت می کند.
* در برنامه هایی مثل راهپیمایی اربعین، 22بهمن، روز قدس و ... به همراه خانواده شرکت می کند.
* به همراه خانواده در مراسم هایی مثل استقبال از حجاج فامیل و .... شرکت می کند.

***دبیرستان 1:***

* به همراه خانواده در مراسم های خانوادگی مثل ختم درگذشتگان فامیل و آشنایان و ... شرکت می کند.
* برای شرکت در مراسم های هیات محله یا هیات های دیگر برنامه دارد.
* هر چند وقت یکبار در برنامه های نماز جماعت و سایر برنامه های مسجد محله به تنهایی شرکت می کند.
* می داند که دینداری بدون حضور اجتماعی ناقص خواهد بود و حضور اجتماعی را یکی از وظایف آینده خود می داند.
* داستانهایی درباره دغدغه های اجتماعی و فعالان این حوزه شنیده است.

***دبیرستان 2:***

* سعی می کند گذشته از حضور در مسجد محله و اقامه نماز در سایر برنامه هایی که می تواند نقش فعالی داشته باشد نیز شرکت کند.
* علاقمند است برای کمک به همشهریان یا هموطنان فقیر و محروم عضو خیریه یا یک گروه جهادی باشد.
* غیر از موارد قبلی، علاقمند به شرکت در فعالیت های اجتماعی مثل راهپیمایی 13آبان و شرکت در برنامه تشییع پیکر شهدا است و سعی می کند در آنها حضور فعالی داشته باشد«ها آ.
* شرکت در برنامه های دسته جمعی خانوادگی و همچنین فعالیت های اجتماعی مثل نمازجماعت، هیات، راهپیمایی هاو ... را برای خودش مفید، لازم و پر اهمیت می داند.
* برای فعالیتهای اجتماعی اش پس از دوران دبیرستان فکر کرده است و سعی می کند در این باره برنامه داشته باشد.
* برای خودش الگوهایی از فعالان اجتماعی را دارد و به فعالیتهای آنها آگاهی پیدا کرده است.
* به آرزوهای بزرگ برای داشتن بیشترین تاثیر اجتماعی و یا مسئولیت اجتماعی اندیشیده است و علاقمند به محقق کردن آنهاست.

1. **اهل خدمت به اجتماع و کشور است. سعی می کند برای خودش در زمینه های مختلف هویت در نظر بگیرد. داشتن هویت ملی و اسلامی و انقلابی برایش مهم است. دلسوز آینده کشور است و برای پیشرفت آن تلاش می کند. سرنوشت امت اسلامی برایش مهم است و نسبت به آن موضع دارد.**

***دبستان 1:***

* علاقمند است، در انجام امور خانه به مادرش کمک کند.
* با نام و نام خانوادگی خویش بطور کامل آشناست. نام و نام خانوادگی پدر و مادر و پدربزرگ و مادربزرگ های خویش را می داند.
* با مفهوم خانواده آشناست.
* باالفاظی مانند کشور، وطن، انقلاب اسلامی و .... آشناست.
* پرچم کشور و رنگها و نشان وسط آنرا می شناسد.
* به ایرانی بودن خود افتخار می کند.

***دبستان 2:***

* با کلیات خانواده خود آشناست. می داند پدر و مادرش و پدر بزرگ و مادر بزرگش اهل چه شهر و منطقه ای هستند و ریشه اش از کجاست. هویت خانوادگی خود را می شناسد.
* با مفهوم کمک به همکلاسی و همنوع آشناست.
* با مفهوم انقلاب اسلامی و کسانی که برای آن دلسوزی می کنند بطور کلی آشناست.
* با نمادهای ملی اعم از آثارتاریخی در زمینه های مختلف ابنیه، ادبیات و با تاریخ ایران بصورت کلی آشناست.
* برای پرچم کشورش احترام قائل است و در اتاقش و بر روی دیوار کلاس و ... پرچم کشورش قرار دارد. هر روز در صبحگاه به پرچم ملی ادای احترام می کند.
* با دلایلی کلی به هویت ایرانی خود افتخار می کند و آرزوی داشتن هویت دیگری را نمی کند.

***دبیرستان 1:***

* سعی می کند شجره نامه ای خانوادگی برای خود درست کند که در آن تا نسل پدرِ پدر بزرگ تمامی افراد و فامیل (از عمو، عمه، خاله، دایی و همسران و فرزندانشان در این دونسل) مشخص باشد.
* با مفهوم هویت شخصیتی و خانوادگی و ملی و امت اسلامی... آشناست.
* اگر از از هویت او پرسیده شود می تواند حداقل 15 ویژگی هویتی خود را در زمینه هایی مثل خانوادگی، ملی، جغرافیایی، تاریخی، اسلامی و شیعی، انقلابی بیان کند سپس می تواند هویت شخصیتی خود را بطور اجمال تعریف کند. هویت شخصیتی خود را در کارهای ارزشمندی که کرده است مثل مطالبی که می داند، کتابهایی که خوانده است، فعالیتهای ورزشی و هنری که کرده است، مهارتهایی که دارد، دوره های دانشی که گذرانده است، تقید دینی که دارد، مشارکت های اجتماعی که داشته است و... می داند. هویتهای کاذبی مثل نوع لباس پوشیدن و آرایش موی سر، برخی رفتارهای نامناسب داشتن مثل سیگار کشیدن، علاقمندی اش به سلبریتی های ورزشی و سینمایی، فالور داشتن، استفاده از نمادهای نامناسب را در شان خود نمی داند. برای او تشبه به انسانهای صالح ارزشمند است و از تشبه به ناصالحان بیزار است.
* با مفهوم هویت انقلابی آشناست و برای خود این هویت را قائل است
* برای خود رزومه درست کرده است و مرتب آن را تکمیل می کند.
* با دلیل و منطق به ایرانی بودن و انقلابی بودن خود افتخار می کند.

***دبیرستان 2:***

* با مفاهیمی همچون هویت صادق، هویت کاذب، بی هویتی در عصر جدید آشناست و می تواند آنها را تحلیل کند.
* تلاش دارد که هویت شخصی خود را همانند دوره قبل در تمامی ابعاد تکمیل کرده و به ثبات هویتی در این زمینه برسد.
* از تعصب در مواردی که هویت غیراختیاری اوست همانند شهر و خانواده و ملیتی که دارد خودداری می کند و هویت های دیگر را برای خودشان قابل احترام می داند. اما در هویتهای اختیاری خود به مواردی که حق است پافشاری می کند و از موارد ناحق بیزاری می جوید.
* دلسوز آینده کشور است و برای پیشرفت آن تلاش می کند.
* سرنوشت امت اسلامی برایش مهم است و نسبت به آن موضع دارد.

1. **دفاع از مظلوم و ایستادگی در برابر ظلم را وظیفه خود می داند. خود را در برای رفع ظلم از همه مظلومین عالم در حد توان، مسئول می داند.**

***دبستان 1:***

* داستانهایی از کسانی که از مظلوم دفاع کرده اند و در برابر ظالم ایستاده اند شنیده است و علاقه پیدا کرده است مانند آنها باشد.
* معنای ظلم، ظالم و مظلوم را شنیده است.

***دبستان 2:***

* می تواند درباره لزوم دفاع از مظلوم و ایستادگی دربرابر ظالم دلیل بیاورد و بگونه ای بیان می کند که خود نیز راه افرادی که اینگونه بوده اند دنبال خواهد کرد.
* معلم موقعیتهای فرضی را برای آنها بیان کرده است که به نحوی ظلمی واقع شده است و از دانش آموزان می خواهد که درباره آن به گفتگو بپردازند.

***دبیرستان 1:***

* چندین قهرمان مدافع مظلومان و داستانهای آنها را می شناسد و به آنها علاقه مند است.
* در بحث و گفتگوی گروهی به این نتیجه رسیده است که اگر ظلمی به او شد نباید منافع زودگذر باعث پذیرش ظلم در او شود.
* ظلمهای فردی و ظلمهای اجتماعی را می شناسد و بین آنها تفکیک قائل می شود و می داند چگونه باید در برابر هریک از این انواع ظلم از مظلوم دفاع کند.
* آیات و روایاتی درباره دفاع از مظلوم و مبارزه با ظالم شنیده است. عافیت طلبی مانع از تلاش او در این راه نمی شود و شجاعت لازم را دارد.
* برخی از ظلمهای عالم مثل ظلمهای دوران استعمار و ستمهای آمریکا در صد ساله اخیر را می شناسد و مبارزان بزرگ علیه این ظلمها را (مثل گاندی، چگوارا، ماندلا، سید حسن نصر الله، امام خمینی) می شناسد.

***دبیرستان 2:***

* اخبار مظلومان گوشه و کنار عالم را دنبال می کند و علاقمند است به یاری آنها بشتابد.
* با مطالعه تاریخی چند راه مبارزه با ظلم را یاد گرفته است و خود نیز می تواند راههایی دیگر را پیشنهاد بدهد.
* به صورتهای مختلف در محدوده توانش نسبت به انواع ظلمها واکنش نشان می دهد. (تقبیح آنها در شبکه های اجتماعی و یا فضای مجازی یا گفتگوهای دوستانه یا خانوادگی)

1. **به کار کردن و زحمت کشیدن برای اینکه سربار دیگران نباشد از طریق کسب روزی حلال اهمیت می دهد و نسبت به حق الناس حساسیت و دقت نظر دارد. همچنین نه تنها به حقوق مردم اهمیت می دهد از آن مهم تر به بیت المال که خزانه اموال عمومی جامعه و حکومت اسلامی است به مراتب بیشتر از حق الناس اهمیت می دهد و نسبت به آن دقت نظر دارد. از مال شبهه ناک و حرام پرهیز می کند. با راه های کسب روزی حلال و حرام آشناست. انضباط مالی دارد.**

***دبستان 1:***

* با لفظ "بیت المال" و "حق الناس" و مال "حلال و حرام" آشناست.
* در رابطه با اهمیت داشتن شغل و کارکردن و کسب روزی حلال داستان هایی را شنیده است.

***دبستان 2:***

* در رفت و آمد روزانه در مدرسه و ... نسبت به عدم تضییع اموال مردم حساسیت دارد و نسبت به حق الناس در استفاده از وسایل همکلاسی هایش توجه دارد.
* مربیانش موارد عدم توجه به حق الناس و بیت المال را مرتب در موقعیت های گوناگون به نرمی به او گوشزد کرده اند.
* مربیان حساسیت های جدی او را نسبت به حق الناس تحسین کرده اند.
* نظر خداوند نسبت به حق الناس را می داند و با عواقب اخروی عدم رعایت آن آشناست.

***دبیرستان 1:***

* با برخی آیات، روایات و احکام مربوط به حق الناس آشناست و می تواند آنها را برای دیگران بازگو کند.
* بصورت کلی با احکام کسب و کار و تکالیف شرعی مسائل مالی آشناست.
* احکام و مصادیق بارز و مشهور مال حرام و شبهه ناک را می داند.
* در تلاش است تا با مهارت های راه اندازی کسب و کار شخصی در دوره تحصیل و با توجه به شرایط ایام تحصیل آشنا شود و بگونه ای آنها را بکار برد.
* برخی مسئولیتهای مالی خانواده (مثل بعضی خریدها) را به عهده می گیرد.
* احکام خمس و زکات و سایر مسائل مالی در اسلام را می داند و سعی می کند با انضباط مالی به آنها عمل کند.

***دبیرستان 2:***

* به دنبال راه اندازی کسب و کاری حلال در ایام تحصیل، با توجه به مهارت هایی که در دوره متوسطه اول یاد گرفته است، می باشد و ضمن آن سوادمالی خود را نیز افزایش می دهد.
* نسبت به عدم ورود مال حرام و شبهه ناک در زندگی اش حساسیت و دقت بالایی دارد.
* در مسائل شرعی، در انجام تکالیف مالی و رعایت حقوق مالی مردم، نظم و حساسیت بالایی دارد.
* نسبت به بی توجهی ها به بیت المال حساسیت دارد و از آنها بیزاری می جوید.
* داستانهای متعددی را از حساسیت بسیار اولیاء دین به بیت المال و حق الناس شنیده است و می تواند آنها را برای دیگران نیز بگوید.

1. **کار گروهی و تشکیلاتی را می شناسد و در انجام کارهای فردی و اجتماعی به آداب و قواعد آن پایبند است. به سلسله مراتب در کار گروهی اهمیت می دهد. انعطاف های لازم را در کار گروهی دارد. تقوی جمعی را رعایت می کند.**

***دبستان 1:***

* لفظ "کارگروهی"، "کارجمعی"، "انجام دسته جمعی" کار و... را شنیده است.
* چند کار جمعی در قالب بازی و ... را بلد است و مدرسه بسیاری از کارهای دانش آموزان را گروهی انجام می دهد و تمرینهای متعددی برای تقویت کار گروهی او انجام داده است.
* به انجام بازی های جمعی وگروهی علاقمند است.

***دبستان 2:***

* مفهوم کار جمعی و اجزای یک گروه را می داند. مفهوم سرگروه و عضو گروه را می داند.
* برخی مزایا و دلایل انجام کار گروهی را می داند.
* داستان هایی از شیرینی و موفقیت انجام کار گروهی شنیده است.
* کارهای بسیاری را در مدرسه بصورت گروهی انجام داده است.

***دبیرستان 1:***

* با اهمیت و برخی دلایل عقلی و نقلی کارگروهی و تشکیلاتی آشناست.
* مفهوم سلسله مراتب را در کارگروهی و اهمیت رعایت آن را می داند.
* با فلسفه برخی فعالیت های جمعی مذهبی مثل نماز جمعه و جماعت، هیات و ... آشناست.
* اردوهایی را با تمرکز بر تقویت کارگروهی و استلزامات آن رفته است.

***دبیرستان 2:***

* با مفهوم تشکل و کار تشکیلاتی و لوازم و آداب تشکیل و استفاده ازآن و همچنین اهمیت آن آشناست.
* مفهوم تقوی جمعی را می فهمد و می داند یکی ازرموزمهم پیشرفت و سلامت یک تشکل رعایت تقوی جمعی است.
* رعایت سلسله مراتب و آداب اجتماعی و فرهنگ عمومی و سازمانی یک تشکل را ازشقوق تقوای جمعی می داند.
* در عین فهم کار تشکیلاتی و سعی در رعایت اصول و قواعد کار تشکیلاتی و آن سازمان، در برابر هیچ یک از آنها منفعل و بی اختیار و فاقد تعقل و تفکر نیست و در صورت نیاز در عین رعایت اصول کار تشکیلاتی امر به معروف و نهی ازمنکر نسبت به همه اجزای تشکیلات را بلد است وانجام می دهد.
* موضع مفاهیم دینی و آیات و روایات نسبت به کارگروهی و تشکیلاتی را می داند.
* داستان هایی واقعی ازانجام کار تشکیلاتی و تشکل های موفق و ناموفق در تاریخ اسلام و تاریخ معاصر به همراه دلایل ارزیابی علت توفیق یا عدم توفیق آن ها راشنیده است.

**ح- دانا به تاریخ دین و معرفت و همچنین بزرگان تاریخی**

1. **با سیر تکاملی ادیان آشناست. نسبت و جایگاه دین اسلام را نسبت به سایر ادیان ابراهیمی می داند.**

***دبستان 1:***

* اسامی پیامبران اولوا العزم و ادیان ابراهیمی را می داند. معجزات اصلی هریک از این پیامبران را شنیده است.
* مفهوم تکامل ادیان و خاتمیت پیامبر اعظم (ص) را می داند.

***دبستان 2:***

* نه تنها پیامبران مهم را می شناسد بلکه با کتابهای پیامبران اولوالعزم آشنا شده است. داستانهای برخی پیامبران را شنیده است.
* با توجه کردن به زیارتهایی مثل زیارت وارث، جریان هدایتگری انبیاء و امامان را در طول هم می داند و تعارضی در پیام پیامبران نمی داند.
* محوریت اصلی ادیان را که وجود خداوند و تحقق معاد در آینده و انجام کارهای صالح است فهمیده است، لذا تعارضهای پیروان ادیان، او را از این پیام مشترک دور نمی سازد.
* ادیان عمده جهان، الهی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) و غیر الهی (زرتشتی، آئین هندو، بودیسم) را کم و بیش شناخته است.

***دبیرستان 1:***

* داستانهای قرآنی درباره پیامبران را با تفصیل بیشتر می داند و می داند چرا دین اسلام تکامل یافته سایر ادیان و آخرین دین الهی است.
* با برخی اعتقادات یهودیان و مسیحیان آشنا شده است و می داند علت انحراف آنها از دین اصلی پیامبران چیست. با بشارتهای مسیحیت درباره پیامبر اسلام نیز آشناست.
* با تفاوتهای اسلام و مسیحیت در نوع برداشت آنها از خداوند و مسیح، تفاوت مبنایی آنها در نگاه به انجیل و قرآن و وحی آشنا شده است. با تفاوت اصحاب کلیسا با روحانیت در اسلام و نحوه دخالت کلیسا در انجام امور مذهبی و تفاوت آن با اسلام آشنا شده است.
* با شبهات مربوط به حقانیت در ادیان متکثر کمابیش آشنا شده است و پاسخ به نگاههای غلط به کثرت ادیان را می داند.

***دبیرستان 2:***

* می تواند ادیان دیگر غیر اسلام را نقد کند و نقدهایی را که برخی تازه مسلمان شده ها به ادیان قبلی خود می کردند شنیده است.
* شبهاتی که برخی ادیان به اسلام می کنند را کمابیش شنیده است و در صدد پاسخ به آنها برآمده است.
* تفاوتهای عمده تشیع و تسنن را می داند و با برخی فرقه ها مثل وهابیت، بهائیت و درویشی گری آشنا شده است و علت انحراف آنها را می داند. با عرفانهای کاذب کمابیش آشناست.
* در دفاع از اسلام و تشیع ثابت قدم است و توانسته است توانایی لازم را برای دفاع از این دو ساحت بدست آورد.

1. **با ویژگی های پیامبر اکرم (صلی ا... علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام) آشناست و آنها را دوست دارد. با نقاط مهم زندگی اهل بیت (علیهم السلام) و احادیث و اخبار ایشان آشناست . رفتار و احادیث ایشان را در تمامی شئونات زندگی ملاکی برای تشخیص حقانیت و حجتی برای رفتار خود و محیط پیرامون خود می داند. به اهل بیت (علیهم السلام) علاقه دارد و به زیارت و حضور نزد آنها اهتمام دارد. با آنها ارتباط قلبی دارد. توسل به اهل بیت (علیهم السلام) نزد وی جایگاه بالایی دارد.**

***دبستان 1:***

* برخی از وقایع مهم زندگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را بگونه ای تاریخی شنیده است. با شنیدن این وقایع به آن بزرگوار علاقمند شده است.
* داستانهایی درباره منش و رفتار پیامبر اکرم و عظمت خلقیات آن حضرت شنیده است و دوست دارد همانند آنها این منش ها را در خود تقویت کند.
* وقایع مهم زندگی امامان را شنیده است و محبتش به آنها بر اساس روش زندگی و علم و فضل آن بزرگواران روز به روز بیشتر گردیده است.
* صلوات بر پیامبر و اهل بیت ایشان را کاملا یاد گرفته است و عادت کرده است که وقتی نام آن بزرگواران را می شنود صلوات بفرستد.
* نه تنها در برنامه هایی که به مناسبت تولد یا شهادت معصومان برگزار می شود شرکت می کند بلکه می خواهد خودش نیز در برگزاری آن مشارکت داشته باشد.
* با زیارت پیامبر و معصومان آشناست و احتمالا با خانواده به زیارت برخی از امامان و امام زادگان رفته است.

***دبستان 2:***

* با تاریخ اجمالی زندگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) چه قبل از بعثت و چه بعد از آن در مکه و مدینه آشناست و با افتخار و عظمت از آن یاد می کند.
* برخی داستانهای دیگر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیده است و این داستانها در او انگیزه رفتار بر طبق رفتار پیامبر را برانگیخته است.
* علاقمندی اش را به پیامبر اکرم ابراز می کند و صلوات را از روی محبت به ایشان می گوید.
* با شنیدن احادیث منقول از رسول خداوند، آنها را بهترین دستور العمل زندگی اش می داند.
* وقایع مهم زندگی امامان شیعه علیهم السلام را شنیده است و نوع عمل عبادی، سیاسی و علمی آنها را بهترین الگو برای رفتارهای خود می داند.
* به دنبال فراگرفتن برخی روایات منقول از امامان است و وقتی آنها را می شنود سعی می کند آنها را سرلوحه کارهایش قرار دهد.
* توسل به معصومان را برای شفاعت نزد خداوند و برآوردن حاجاتش توسط خداوند مهم می داند.
* به زیارت معصومان اهمیت می دهد و علاقمند است به زیارت برود.

***دبیرستان 1:***

* با ویژگی های پیامبر اکرم (ص)، که باعث افزایش اعتقادات او محبت به ایشان و درک عظمتشان می شود در قالب داستانهای مهم زندگی آن بزرگوار آشنا شده است.
* تاریخ زندگی پیامبراکرم (ص) را (در حد کتاب فروغ ابدیت) می داند. با غزوه ها و اتفاقات مهم زندگی و حکومت پیامبر ص آشناست.
* با مطالعه زندگی پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت علیهم السلام با دلایل عقلی، نقلی و شهودی آنها را دوست دارد و ایشان را الگوی خود می داند. و سعی می کند رفتارها و قول حضرات معضومین علیهم السلام، دلیل همه رفتارها، سخنان و افکارش باشند.
* شوق زیارت حرم های مقدس اهل بیت غلیهم السلام را دارد و برای این شوق، علاوه بر محبت، دلایل عقلی و نقلی و دینی دارد.
* با معنا و مفهوم دقیق توسل به پیامبر ص و اهل بیت علیهم السلام آشناست و پاسخ شبهات مربوط به این موضوع را می داند. فرق بین توکل و توسل را می داند و جایگاه هر کدام را می شناسد. می داند در توسل، حضرات معصومین علیهم السلام حتما درخواست ایشان را می شنوند اما اجابت آن لزوما در همان صورت و قالب که مدنظرش می باشد، شاید رخ ندهد.

***دبیرستان 2:***

* با ویژگی های پیامبر اعظم ص، خصوصا از دید محبتی و اعتقادی و همچنین با عظمت حضرت آشنا شود. (وقایع داستان های مهم و موثر و ...)
* تاریخ تحلیلی زندگی پیامبرص را می داند. (در سطح کتب دکتر شهیدی)
* در مسیر توسل و محبت نسبت به اهل بیت علیهم السلام جدی می باشد. سعی می کند در این راستا هر هفته در یک برنامه ذکر و توسل در قالب یک هیات شرکت کند.
* ابراز ارادت و محبت به اهل بیت علیهم السلام را فقط منحصر در ذهن و قلب خویش نمی داند و در این راستا سعی می کند کارهای عملی مثل فعالیت و کمک در یک هیات یا مجموعه ای که مروج فرهنگ، تفکر و محبت حضرات معصومین علیهم السلام را انجام دهد.
* در مسیر ابراز محبت عملی به پیامبر و اهل بیتش علیهم السلام، مراقب افکار، سخنان و رفتارهای خودش می باشد تا خدای ناکرده بر خلاف منویات و سیره ایشان نباشد و موجبات ناراحتی ایشان، خصوصا ناراحتی حضرت حجت ارواحنا فداه را فراهم نکند.
* سعی می کند برای تک تک لحظات زندگی و همه امور زندگی اش حجت و دلیلی منطبق بر قول و فعل و نظر معصومین علیهم السلام داشته باشد.
* در بروز مشکلات و رخداد وقایع سعی می کند با ارتباط قلبی ای که با پیامبر و اهل بیتش علیهم السلام برقرار کرده، از ایشان کمک بگیرد و مشکلاتش رو مدیریت نماید.

1. **(بند14) مشاهیر و معاریف بزرگ مذهبی و ملی را می شناسد و دلیل اهمیت و بزرگی آنها را در تاریخ ملی و دینی می داند. برای او رسیدن به نقاط قوت آنها و دلیل بزرگی شان اهمیت دارد و ارزشمند است..**

***دبستان 1:***

* اسامی چند شاعر، دانشمند متفکر ایرانی را شنیده است.

***دبستان 2:***

* چند دانشمند ایرانی تاریخی دیگر را می شناسد و برخی وقایع زندگی آنها یا آثارشان را می داند.
* چند شاعر فارسی زبان و اسامی دیوانهای مشهورشان را می داند و از هریک چند شعر فقط شنیده است.
* نام چند قهرمان ملی را شنیده است و علت قهرمان بودن آنها را به اجمال می داند.

***دبیرستان 1:***

* سعی کرده است اسامی دانشمندان مهم ایرانی در تاریخ ایران و معاصر را جمع آوری کرده و تاریخ تولد و وفات آنها را از انواع منابع اطلاعاتی استخراج کند.
* در جدولی نام دانشمندان را بر حسب تاریخ تولدشان به ترتیب نوشته است و در آن جدول کتابهای مشهورشان را نیز آورده است. به وجود آنها در تاریخ کشور افتخار می کند و علیت بزرگی آنها را می داند.
* نمودار تاریخ زندگانی دانشمندان را ترسیم کرده است و نسبت میان آنها را از حیث تقدم و تاخر و میزان عمرشان، از نمودار، تجزیه و تحلیل کرده است.
* همانند اقدامات فوق برای شاعران و ادبای مشهور، استخراج اسامی، تهیه جدول تولد و وفات، اثر ادبی شان و نهایت نمودارهای آن را انجام داده است. اهمیت هریک از شاعران و کارهای بزرگی که برای ادبیان کشور انجام داده اند را شنیده است.
* برای قهرمانان ملی و مذهبی نیز عین اقدامات فوق را انجام داده است. از همه آنها با عظمت یاد می کند و دوست دارد یکی از قهرمانان ملی باشد.
* تاریخ ابتدا و انتهای سلطنت پادشاهان ایران را در جدولی تنظیم کرده است و نمودار تاریخی آن را کشیده است. سپس با تلفیق جدول حکومت پادشاهان و قهرمانان و شعرا و دانشمندان نسبت بین تمامی آنها را از روی نمودار بیان می کند.

***دبیرستان 2:***

* می تواند درباره دانشمندان و شعرا و نویسندگان و قهرمانان ملی و مذهبی مطالبی را بیان کند و برای دیگران تجزیه و تحلیلی از آنها داشته باشد. در سخنانش از آنها به عظمت و نیکی یاد می کند و به وجود آنها افتخار می کند.
* دانشمندان علوم تجربی و ریاضی و پایه گذاران برخی تکنولوژی های مهم را در تاریخ ایران و جهان به همراه کارهای بزرگی که انجام داده اند می شناسد. تاریخ زندگی آنها را در جدولی تنظیم کرده است و سپس نمودار آنها را ترسیم نموده است. می تواند نسبت دانشمندان ایرانی و غربی را از روی نمودار تجزیه و تحلیل کند.
* جدول و نموداری که در دوره دبیرستان یک درباره شاعران، نویسندگان، دانشمندان و قهرمانان درست کرده است درباره مهمترین این دسته افراد در 100 سال اخیر بطور مجزا تنظیم کرده و می تواند از روی نمودار نسبت بین آنها را تجزیه و تحلیل کند. برای این منظور نیازی به حفظ کردن تاریخ ها و یا کتابها و غیره نیست بلکه بتواند بخوبی آنها را از روی اطلاعات تجزیه و تحلیل کند. علت بزرگی هریک را می داند و تاثیر آنها را بر ایران شناخته است. خود نیز علاقمند است فردی تاثیر گذار در تاریخ کشور باشد.